ژوندون

د اطلاعاتو او کلتور وزارت



ببرك کارمل منشی عمومی کمیتهٔ مر کـزی‌حزب دموکراتیك خلق افــغانستان ، رئیس‌شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری‌دموکراتیك افغانستان موقعیکه رام‌ساتهی معیــن‌وزارت خارجهٔ‌هند رابرای ملاقات بحضور پذیرفتند

اختصار وقایع مهم

مدیریت اطلاعات وزارت امورخارجه خبر میدهد ، از طرف ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دمو کراتیك افغانستان تلگرام تبریکیه به مناسبت انتخاب چیومن میاتوویچ بحیث‌رئیس ریاست جمهوری جمهوریت فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا عنوانی‌موصوف به‌بلگراد مخابره گردیده است .

* * *

سلام های گرم ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیك‌خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم روز ۲۶ ثور توسط عبدالمجید سر بلند عضو کمیته مرکزی حزب ، عضو شورای انقلابی و وزیر اطلاعات وکلتور طی گردهم آیی وسیعی که در باغ های سرکانی خاص کنر، اسمار، چپ کی، نورگل ونرنگ که در باغ ولایت کنر گرد آمده بودند رسانیده شد .

* * *

جلسه‌فوق العاده‌مشترك بخشی ازسازمانهای ناحیه اول حزبی ساعت پنج بعد از ظهر ۲۹ ثور در قصر ستور وزارت امور خارجه تشکیل ودر مورد نتایج دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان بحث صورت گرفت .



در آغاز بعد از آنکه هیات رئیسه جلسه به اتفاق آراء تایید گردید سلطانعلی‌کشتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، معاون شورای انقلابی معاون صدر اعظم و وزیر پلان‌جمهوری دموکراتیك افغانستان بیانیه مفصل وجامعی ایراد کرده ونتایج دومین پلینوم کمیته‌مرکزی حزب وبیانیه تاریخی ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان **رئیس شو رای انقلابی و صدراعظم را در دومین پلینوم کمیته مرکزی با ارزش ارزیابی نمود .**

* * *

نمایشگاه عکاسی مربوط به المپیای ۱۹۸۰ مسکو تحت عنوان مسکو والمپیك عصر ۳۰ ثور از طرف سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیا لیستی به همکاری وزارت اطلاعات و کلتور در سا لون ښاروالی کابل افتتاح شد .

در مراسم افتتاح این نمایشگاه داکتراناهیتا راتب زاد وزیر تعلیم و تربیه ورئیس انجمن دوستی افغان وشوروی شاه محمد دوست وزیر امو رخارجه بعضی از اعضای شورای انقلابی ، کدر های برجسته حزبی و کارمندان‌عالیرتبه دولتی ، سفیر کبیر اتحاد شوروی و بعضی از سفرای کبار کشور های دوست مقیم کابل اشتراك نموده بودند .

ولایت هرات بر گزار شد به مردم زحمتکش آن ولایت ابلاغ گردید .

* * *

مدیر یت اطلاعات وزارت امور خارجه‌خبر میدهد ببرك کارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیك خلـق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکر-اتیك افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۲۸ ثور رام ساتهی معین وزارت امور خارجه هندرا در مقر شورای انقلابی برای ملاقات پذیرفتند.

* * *

تحت ریاست ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغا- نستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان شورای وزیران روز ۲۹ ثور درمقر شورای انقلابی جلسه‌نمود.

شورای وزیران در جلسه همان‌روزخودضمن غور و صدور فیصله‌روی یك‌سلسله پیشنهادات وزارت ها، درباره مسایل آتی تصمیم اتخاذ نمود :

باساس پیشنهادوزارت‌فواید عامه خریداری وسایط وپرزه جات طرف ضرورت ریاست میخانیکی فواید عامه به قیمت اضافه از پنج میلیون ونهصد وهفتاد وچهار هزار دالر از کمپنی های اتحاد شوروی ، چکوسلواکیا ، رومانیا وجاپان منظور گردید .

نظر بدرخواست وزارت معادن و صنایع خریداری ششصد هزار خریطه پولی اتیلین ضرورت فابریکه کود مزار شریف با افتتاح لیتراف کریدت آن‌از کمپنی توزای جسا پانی منظور شد .

* * *

درودها وشادباش های صمیمانه ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان،رئیس‌شورای انقلابی‌وصدراعظم جمهوری دمو کراتیك افغانستان روز۲۹ثور توسط نظام الدین تهذیب عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلقا فغانستان و عضوشورای انقلابی به مشران و نمایند گان مردم ولسوالی



سلطانعلی کشتمند عضو بوروی سیا سی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان،معاون شورای انقلابی،معاون صدر اعظم‌ووزیرامور پلانگذاری هنگام ایراد بیانیه در جلسهٔ فوق‌العاده مشترك بخشی ازسازمانهای نا حیه‌اول الف حزبی

رفقا ! حزب دموکراتیک خلق افغـا نستان یك ارگنیزم زنده است که‌بشکل دایمی بـا ارتباط ناگسستنی به تغییرات انقلابی جا معه‌تکامل می‌نماید.

ببرك کارمل

شنبه ۳ جوزا ۱۳۵۹ـ۲٤ می ۱۹۸۰

دست نیرو مند صلح و دوستی بسوی همسایگان

نیازی به اثبات ندارد که دولت جمهوری دمو کراتیك افغانستان ، دولت قانونی مردم این سر زمین کهنسال وتاریخی می باشد که اکنون باگام های جدی وانقلابی برهبری‌حزب دموکراتیك خلق افغانستان وعلیرغم دسایس توطئه ها شانتاژ و تهدید قدرت های ارتجاعی وعقبگر او شبکه های تخریبی امپریالیستی به پیش میرود واین نیاز مبرم زمان است که‌باید افغانستان انقلابی به پیش رود وهـر خس و خاشاکی را که در مقابلش قرار گیرد از‌سر راهش جاروب نموده وطبق پلان در جهت ترقی و تعالی مردم این وطن اهداف انقلابی راتطبیق نماید .

به این ارتباط ، بعد از انقلاب شکوهمند ثور ، آنگاهیکه دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان مشی وپروگرام دگر گونی هـا را در حیات اجتماعی مردم اعلام داشت دول جهان افغانستان انقلابی را بر سمیت شناخت وروابط افغانستان آزاد ومستقل درگام اول بـــادول همسایه تامین گردید و افغانستان قهر مانانه در چوکات پرو گرام های سازمان ملل متحد ودیگر سازمان های بین المللی در خشید .

این پیروزی وکامگاری مردم ستمدیده و داغدیده افغانستان آتش بجان دشمنان‌سوگند خورده خلق افگند واز داخل وخارج شبکه‌های تخریبی امپریالیستی بصورت مشخص در امور داخلی افغانستان مداخله نمودند تاآنجائیکه انقلاب از مسیر اصولی آن به بیراهه کشانده شد وحفیظ الله امین در راس قدرت قـــرار گرفت وتا توانست در سر کوبی نهضت وانقلاب ورزمندان واقعی و سر سپرد گان راه آزادی واستقلال وسعادت مردم کوشید وچه جنایات نابخشودنی وشرم آوری که باباند آدمکش وجلادش مر تکب نگردید ؟

اما مبارزان ، فرزندان آگاه و صدیق مردم آنهایی که در حزب د مـــو کراتیــك خلـــق افغانستان راه اصولی را در پیش گرفته بودند. یکجا بامردم به پیکار ادامه دادند و قدرت جبار امین فاشیست وباند تبهکارش را بتاریخ ٦ جدی ۱۳۵۸ سر نگون نمودند که بعد از آن نیز مداخلات ارتجاع وامپرلیزم باز هم بیشتر از پیش وسعت یافت وبد بختانه این دست درازی تاکنون نیز ادامه دارد.

دولت جمهوری دمو کراتیك افغانستان بعد از مرحله نوین انقلاب ثور که با قیام ٦جدی برهبری حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان آغاز گردید ،از همان روز اول با نشربیانات انقلابی حسن نیت خودرا در جهت دو ستی‌با کشورهای منطقه وجهان اعلام داشت‌ودریـــن مسیر باز هم لحظه ای آرام نه نشست چنانچه به ارتباط اسناد مو ثق مداخلات خارجی درامور داخلی افغانستان ، یکبار دیگر دولت انقلابی افغانستان در روشنی مشی صلحدوستانـه و انسانی خویش با نشر اعلامیه ای در زمینه انکشاف روابط افغانستان با ایران وعادی‌ساختن روابط میان افغانستان و پاکستان اعلامیه ای را به نشر سپرد که خوددست نیرو مندیست که از طرف مردم ودولت افغانستان بسوی کشور های همسایه دراز گردیده واین عمل انقلابی از متانت وپایداری و خصلت انسانی جمهوری دموکراتیك افغانستان سر چشمه میگیرد که اهمیت ومقامش در تاریخ معاصر منطقه با ارزش بوده ونیت صادقانه دو لـت انقلابی افغانستان را در زمینه دوستی باکشور های منطقه و جهان می نمایاند .

چنانچه در همین اعلامیه می خوانیم «خلق افغانستان می خواهد در شرایط صلح ، انکشاف مناسبات دوستانه وهمکاری با همسایگان‌کشور های مسلمان وتمام دول جهان حیات نوینی را برای خود ایجاد نماید . خلق افغانستان مصمم است تا از آزادی واستقلال کشور واز حقوق خود برای تعیین نظام اقتصادی واجتماعی شان دفاع نمایند .»

بعد از پخش این اعلامیه یکبار دیگر برای جهانیان به اثبات رسید که مردم و دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان واقعاً موضع صلحدوستانه در منطقه داشته وآنچه را اعلام مینماید صادقانه در جهتش تلاش می ورزد . چنانچه مطبوعات جهان بصورت‌وسیع‌وگسترده از آن استقبال نمودند .

بگذار در مقابل هر عمل انقلابی دولت ما ودر مقابل آرمان های والای مردم ما در جهت تامین صلح و آرامش در منطقه که همه به آن واقعا نیاز دارند عمل بالمثل صورت‌گیرد واین دست صلح ودوستی ، صفاوصمیمیت راستی وصداقت که عملا دراز گردیده خلق های کشور های منطقه را هر چه بیشتر باهم متحد سازد ومساعی مشترك نیرو های انقلابی صلح استوار و جاودان رابه ارمغان آ ورد .

ما یقین داریم که عمل وبر خورد انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان هر گز بی تاثیر بوده‌نمی تواند واگر چه تخریباتی در مقابل پیاده گردد بازهـم مشی انسانی مـارا در باره دو ستی با مردم منطقه تغییرنداده و این روابط بالاخره جوشش خورده واستحکام می یابد .

آنچه درین میان روشن است شکســـت ارتجاع وامپریالیزم می باشد که عاملیـــن اصلی ایجاد وتشنج ونا آرامـــی ، تشویش‌و دهشت افگنی درمنطقه وجهان است.

به پیش در جهت انکشاف روابط دوستانه خلق های منطقه .

زنده باد مردم سر بلند افغانستان

بر افراشته باد درفش صلح ودوستی میان ملل .

درین شماره

شرح پشتی سوم :

هموطنان سلحشور زحمتکش ووطنپرست کوچی ما دوباره به آغوش گرم وپراز محبت در وطن برمی گردند وبا حزب ودولت ملی ودموکراتیك خود یکجا در کار وپیکارانقلابی در راه اعمار وطن همدست می شوند .

هوچی مین، د زیار کښانو د لاری ستر سرغندوی

کله‌چی په ۱۹۷۵ کال دویتنام د خلکو په‌میړانه اودشوروی اتحاد په مادی اومعنوی مرستی سره‌دامریکی امپریالیزم دقهرمان‌ویتنام خخه وشړل شو ترڅولو نه مخکی او زیات‌د آزادی خو ښونکو خلکو له‌خولی نه‌دهو چی‌مین نوم اوریدل کیده داځکه چی دغه ستر شخصیت پدغه لاره کی یعنی د خپل هیواد دخلاصون اوخپلواکی په لاره کی‌نه ستړی‌کیدونکی مبارزی یی تر سره کړی ؤ .

دقهرمان ویتنام خلك دخو لسیزو په اوږدو کی دخو یرغلګرواو تیری کوونکو امپریالیستی او استعماری قوتونو په وړاندی په قهرمانی‌سره جنګیدلی دی اوددغو زړه ورو مبارزو په ترځ کی یی نه یواځی دخپل هیواد ، پوروالی ،ارضی تمامیت او خپلواکی تر لاسه کړی ده بلکی دسیمی یعنی دآسیا دجنــوب ختیځی سیمی انقلابی غور ځنګونه او نهضتونه بی هم‌پیاوړی اوغوړولی دی. دامپریا لیزم او نورو تیری کوونکو قوتونو پر ضد جګړوکی هوچی مین ترټولونه لوړه ستره او ددرناوی لوړه خیره بلل کیږی داځکه چی دغه ستر شخصیت د ویتنام دخلکو عادلانه او قهرمانانه مبارزی رهبری کړی دی . هوچی مین دیو ستر ملی قهرمان په څیر خپلو دخلکو قهرمانانه مبارزی قدم په‌قدم پەوړاندی اودبری تر پولی پوری رسولی دی . هوچی مین خپل ژونددخپل وطن او خپلو خلکو دلیکمرغی په لاره کی وقف کړاو له همدی امله دهغه نوم دویتنام لــه نوم سره جوخت په تاریخ کی ثبت شوی دی او دهغه کار نامی دویتنام دخلکو په زړونوکی خاص ځای لري . هوچی مین دخپلو خلکو د مبارزو دټینګو لیکو په سر کی تر پوالو تــه دغه حقیقت په ډاګه کړه چی دخلکو دارادی اوقوت نه پورته هیڅ بل قوت نشته ، داځکه چی دخلود ولسیزو پەاوږدوکی سره‌له‌دی چی ویتنام څو ځلی دتیری کوونکو استعماری قوتونو له‌تیری سره مخامخ شو اوان دنړی ستر امپریالیستی هیواد خپل ټول قوت اوقدرت سره و نشو کړای چی دویتنام‌دخلکو تصمیم او اراده دآزادی پەلاره کی ماته کړی.

هوچی مین د۱۸۸۰ کال دمی په نو لسمه لیټه دهرنګی تین په ولایت کی نه یوه‌منوره کورنی کی زیږدلی ؤ . دغه ولایت دفئودالیزم او استعمار دلاس پوځی حکومتونو سره پــه مقاومت کی ډیر نوموتی ؤ .هوچی مین کله چی دلکر کولو سن ته ورسید تصمیم یی‌ونیوو چی دخپلو خلکو دژغورلی په لاره کی‌فعالیت وکړی .

د۱۹۱۱ کال دجون‌په میاشت‌کی هوچی مین له‌خپل هیواد نه بهر لاړ هغــه فرانسی، اود آسیا او امریکا نورو هیوادونو ته سفــر وکړ او هلته یی هم دکارګرانو او استعمار ځپلو خلکو سره یوځای ژوند، او دخپل ژوند دتامین لپاره کار کاوه . کله چی دپیلوبیلو سیاسی دکتورینو په هکله مطالعه او څیړنه کوله په ۱۹۱۷ کال‌کی داکتوبر دستر‌انقلاب بریالی توب ترسره شو او پر هوچی مین هم دغه انقلاب اغیزه وکړه او دمارکسیزم،لنینیزم پەمطالعاتو بوخت‌شو. د مارکسیسزم لنینیزم مطالعی‌هوچی‌من‌ته داډاډورکړچی‌مترقی اوانقلابی مبارزه دخلکو او زیار کښانو د خــلاصون یواځنی لاره ده . او په هماغه کال کی یی دویتنامی وطنپرستانو سازمان جوړ کړ چی ددغه سازمان اصلی هدف په فرانسی کــی داوسیدونکو ویتنامیانو دیووالی منځ ته‌راوړل و. هوچی مین په ۱۹۱۸ کــــال دفرانسی د سوسیالیست‌ګوند په غړیتوب ومنل شو اوپه عین زمان کی یی دفرانسی دکارګری طبقی په جنبش کی یی پراخه ونډه درلوده . ده په ۱۹۱۹ کال کی په خپل مشهور پیام کی چی د(ویر) کنګری ته‌یی و لیږه او په‌هغه کی یی له فرانسی څخه غوښتل شوی وچی دویتنام دخلکو، حقوق، خپلواکی و مساوات په‌رسمیت وپیژنی . په ۱۹۲۱ کال کی هوچی مبــــن داستعمارځپلو خلکو دسازمان په جوړیدوکی ګډون وکړ اوپه ۱۹۲۲ کال کی یی (دفرانسی پیوزلو) نومی جریدی په خپرولو لاس پــوری کړ اود ۱۹۲۳ کال دجون په میاشت دنړی لومړی سوسیالیستی هیواد یعنی شوروی اتحاد ته ولاړاو دمارکسیزم ، لنینزم مطالعی ته یی دوام ورکړ اوپه کمونیستی انترناسیونال کی هم ګډون وکړ اوپه هماغه کال کی دبزګرانو دانترناسیونال دمشر په توګه وټاکل شو . په ۱۹۲۵ کال کی یی دویتنام دځوانانوانقلابی سازمان منځ ته راوست چی چی ددغه‌سازمان محور کمونیستان وو .

هوچی مین پر ته له دی چی دستربا احساس وکړی دیو ستر مبارز په څیر دخپله‌کښی او آزادی پەلاره‌کی دخپل ملت لارښوونه وکړه، اوخپل عمریی په ټری کی او په تیره بیــا دآسیا دجنوب ختیځی سیمی دسولی اوعدالت په لاره کی وقف کړ.

هوچی مین ډیرورواوپه حالت سره غږیده اودخپل غږیدا او لهجی سره یی مخاطب تر زیاتی اغیزی لاندی راوسته . هوچی مین ته حتی دخپلو مخالفانو له خوا هم احترام کیده هغه به هندوچین اوپه ټری کی دملی خپلواکی غوښتنی ، دانقلابی افکار اوروش دلارښود په توله اوهمدا راز دیو انقلابی اوسیاستمــدار په توګه په هندوچین او دنړی په نورو سیمو کی نوموتی و . هوچی مین دلومړی ځــل لپاره د ۱۹۴۵ بحرانی کال کی دیوی مهمی دندی خاوند شو او دهماغه کال د آګست پەمیاشت کی دخپل هیواد دموقت حکــومت دمشر پەتوګه وټاکل شواو دسپتامبر پەنوهمه نیټه یی دویتنام دموکراتیك جمهوریت اعلام کړ، د ۱۹۴۶کال دمارچ په میاشت هوچی‌مین دملی اسامبلی په لومړی جلسه کی دویتنام دلومړی جمهور رئیس په توګه وټاکل شو او د۲۵ کلونوپه اوږدو کی یعنی تر مرګ پوری شپیی پوری په دغه مقام کی پاته شو . اوپه عین حال کی هوچی مین دویتنام دکارګری ګوند رئیس هم و . دغه ګوند په ۱۹۱۶کال کی دهوچی مین له خوا تاسیس شوی و . هوچی مین ډیر اوږده کلونه دخپل هیــواد دملی خپلواکی دنهضت لارښوونه په غــاړه درلوده اوپه عین وخت کـــی یی له نړیوالو انقلابی جنبشونو او غورځنګونو سره یی دخپل هیواد دخپلواکی او انقلابی غورځنګ اړیکی ټینګولی .

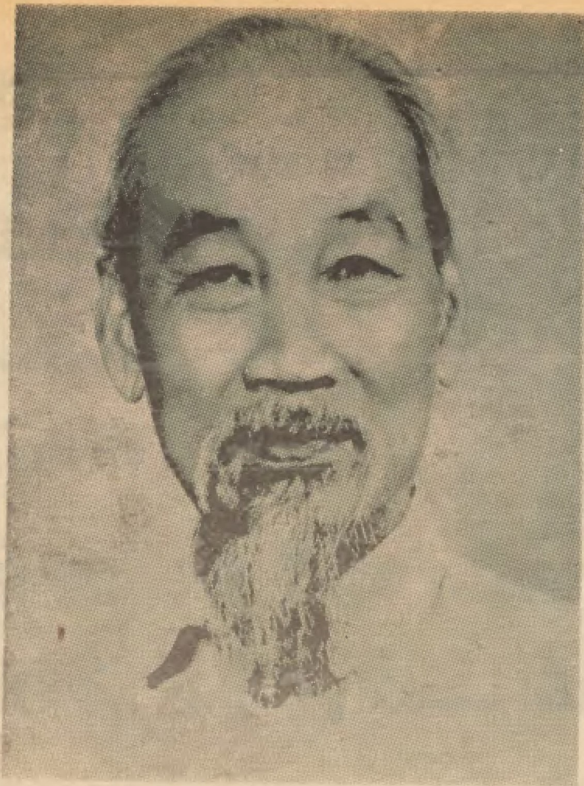
د۱۹۴۵کال دآګست انقلاب چی‌دفرانسوی یرغلګرو په وړاندی دټهو کلونو مقاومت نتیجه وه بریالی شو، ددغو سختو کلونو پەاوږدو کی‌هوچی‌مین دسوسیالیزم او دمقاومتی جګــړه له پاره خپل خلك رهبری کړه .

په ۱۹۶۶ کال کی کله چی دهانوی پاسه دامریکایی الوتکو بمونه دلومړی ځل لپاره ولویدل ، هوچی مین دخپل ملت به عنوان یو پیام خپور کړچی وروسته بیا همدغه پیام د ویتنام دخلکو دمبارزی دپروګرام په توګـــه ومنل شو . دهمدغه کال دجولایی په ۱۷نیټه دویتنام غږ رادیو دویتنام ملی سرود خپور کړ او وروسی هوچی مین خپلو هیوادوالو ته په خطاب کـــی داسی وویل : «ګـــرانو او جنګیالیو وطنوالو! موږ غښتلی یو ځکه چی زموږ دریځ دحق او عدالت پر ستنوولاړ دی ، زموږ خلك په شمال او جنوب‌کی سره یوموټی او متحد دی، ځکه چی موږ ډیرله پسی‌مبارزی عنعنات لرو، ځکه‌چی موږدوروڼوسوسیالیستی هیوادونو او دنړی دمترقی خلکو همدردی او همکاری له ځانه سره لرو، موږبه بریالی‌شو، هو، بریالی کیږو له اوهماغه وچی دامریکی دوخت جمهور رئیس په ۱۹۶۸ کـــا ل کی دشمالی ویتنام دبمباریو دبندولو امر صادر کړ اوله دموکراتیك ویتنام سره یی جګړه بنده کړه . داهوچی مین زعامت وچـــی دویتنام خلك یی دوروستنی بری تر پولی پوری ورسول، دویتنام اتل خلك په ډیره‌مینه سره چمتوکیدل چی د ۱۹۷۰ کال دمی په ۱۹ نیټــه دستر هوچی مین دزیږیدنی د اتیایمی کالیزی جشن ونیسی خوله بده مرغه دغه لوموتی انقلابی د۱۹۶۹ کال دسپتامبر په میاشت کی مړشو. هوچی مین اوستی لمل ته یوپیام لــری : «داستقلال او خپلواکی څخه هیڅ شی ګران اوپه‌زړه پوری ندی ...» اوس، اوس دهوچی‌مین نوم ټولو خلکوته دملی استقلال، دسوسیالیزم اودخپلواکی دلاری دنمونی په څیر پریښی .

دافغانستان خلك ددغه نامتو مبارز اوانقلابی شخصیت دزیږیدنی لویمه کـــالیزه دویتنام ورونو خلکوته مبارکی وایی او دغه ورځ به درانښت سره نمانځی دا ځکه چی‌اوس او س زموږ خلك هم دخپل هیواد دسمسوریولو او د خپل ملی خپلواکی اوارضی تمامیت دټینګولو په لاره کی لګیادی مبارزه کوی او همغــه تری خوړونکی امپریالیزم چی ښخلس کاله‌یی دویتنام اتل خلك و خپل زموږ دهیواد په پولو کی دلویی غوښتونکی شوونیزم اوتوردمرتجعو قوتونوپه مرسته او ګډون زموږ هیوادترګواښ لاندی نیولی خو موږ هم په ټوله سره وایو؛ همانسی چی دویتنام اتل خلك په میړانه خپل غلیمان وټکــولی اوله خپل هیـواد څخه یی وشړل موږ هم به ډیر ژربریالی شو چی ددغو دڼری دخلکو قسم خوړونکی غلیمان لاسونه دخپل خواږه او مقدس ټاټوبی څخه لنډ کړو او دسمسور او بسیا افغانستان دجوړولو او د خپلو خلکو دنیکمرغی‌مزلو ته یودبل پسی‌ووهو ویاړدی وی په اتل هوچی مین داتاتل‌ویتنام داتلوخلکو ستر لارښود .

ویاړ دی وی دلری پر مترقی او انقلابــی غورځنګونو .

ویاړدی وی دافغانستان پراتلو خلکو . وړاندی دیو آباد، خپلــواك او سمسور افغانستان دجوړولوپه لپاره کی .



اعلامیه حکومت ج، د، ا یکباردیگر ثابت می کند که:

افغانستان خواهان صلح و دوستی باهمه کشور هاست

مردم افغانستان در طول تاریخ به دوستی وصلح بین همه مردمان و کشور های گیتی علاقمند بوده واست همانطوریکه می دانیم زمانی افغانستان محل عبور کاروان های طویل تجارتی که در تاریخ بنام راه ابریشم نامیده شده است، بود ومردمان سایر کشور هااین کشور را بحیث یك کشور دوست شنواخته وباطمینان کامل به این کشور رفت وآمد نموده وهکذا در نتیجه‌ی این رفت وآمد ها علایق نزدیـــك ودوستانه بین مردمان افغانستان وسایر کشور ها بخصوص کشور های همجوار قایم می‌شد. ولی با تاسف باید اظهار داشت که در گذشته ها چون حکومات ارتجاعی وفتودالی نمایند گان واقعی مردم ما نبودند وتنها از طبقات حاکمه‌ی ارتجاعی وقت نمایندگی می کردند نمی‌توانستند ونمی خواستند روحیه‌ی صلح جویانه وحسن نیت مردم مارا در قبال مردمان وکشور هـای جهان انعکاس دهند از همینرو دولت هـای ارتجاعی سابق بهیچ صورت سیاست صادقانه وواقعی را پیش نمی بردند بلکه سیاست تزو- یروریا و تامین کنندهٔ منافع خود و متحدین بین المللی خود را پیش می‌بردند .

مردم افغانستان درطول تاریخ برای اولین بار موفق شدند تا با به پیروزی رسیدن انقلاب زنجیر شکن ثور حکومتی را بمیان بیاورند که واقعاً از خود آنها ، نماینده‌ی خود شان وانعکاس دهنده‌ی آرمان ها واحساسات خود شان باشد . آری دولت جمهوری دمو کراتیك افغانستان که با پیروزی انقلاب ثور تشکیل گردید در تاریخ اولین دولت واقعاً ملی وواقعاً مردمی درافغانستان‌میباشد. واما باتاسف باید گفت که چون‌اتخاذ‌چنین‌سیاستی مخالف منافع‌امپر- یالیزم وارتجاع بودبعد از چندی‌نسبت به توطئه هاو دسیسه های ارتجاعی وامپریالیستی ایـن سیاست به بیراهه رفت وحفیظ‌الله امین این جاسوس خائن و سفاك نه تنها نمی توانست و نمی خواست مطابق خواست مردم ما عمل نماید لذا برخلاف اراده‌ی مردم‌دولت افغانستان را چه‌در ساحه‌ی سیاست داخلی‌وچه درعرصه سایست بین المللی به گمراهی کشانیدبطور مثال موضع گیری امین جاسوس در قبـــال انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی وضد سلطنتی مردم ایران عیناً مطابق خواست امپریالیزم و در رأس امپریالیزم امریکا بود این اجنت سی ، آی ، ای خیره سرانه وبیشرمانه از سیاست امپریالیزم در برابر مردم ایران‌پیروی می‌نمود . ولی چون امین وباند فساد پیشه‌اش خلاف روند تاریخ وخلاف خواست مردم عمل می کرد بسیار زود طوفان خشم مردم اورا از ریشه برکند ونا بود ساخت ، آری مـردم افغانستان به پایمردی اردوی رهایی بخش‌خود وبه ابتکار ورهبری زعامت انقلابی حزب ودولت مترقی توسط قیام پیروز مندانه‌ی ششم جدی ۱۳۵۸ یکبار دیگر در عمل ثابت کردند که خواست واراده‌ی شان محور واساس تحول و عمل است وهر آنکسی که بناحق بر سریر قدرت واراده‌ی شان تکیه بزند بزیر می‌افگنند ونابودش می کنند . زعامت مرحله‌ی نوین وتکاملی انقلاب ثور دوباره افغانستان انقلابی رابه راه اصلی و صراط المستقیم‌سوق دادند. چنانچه ببرك کارمل طی بیانیه‌ی ملی وتاریخی شام ششم جدی ۵۸ خویش ضمن ارائه خطمشی سیاسی دولت در ساحه‌ی سیاست خارجـی منجمله فرمودند :

« ... دولت افغانستان در حالیکه انقلابی ملی واسلامی ضد امپریالیستی وضد سلطنتی توده های عظیم خلق های برادر ایران را شاد باش می‌گوید، ابتکار نزدیکی وتحکیم‌دوستی میان دوکشور دوست را که رشته های‌مشترك تاریخی بهم بسته دارند ودر ماهیت امـــر کوچکترین اختلافی در بین نیست ، در دست خواهد گرفت ...» هم چنان درین بیانیه‌موضع سیاسی وهمسایگی نیك افغانستان انقـلابی در قبال کشور همسایه‌ی ما پاکستان باحسن نیت فراون چنین ابراز شده است :«ملـــل افغانستان وپاکستان باهم رشته های جــدا ناپذیر برادری دارند . دولـــت افغانستان از طریق مذکرات دوستانه با زمامداران مسوول پاکستان ، در راه رفع هر گونه اختلافـــات وسوء تفاهمات ، صادقانه وبرادرانه سعی و تلاش خواهد کرد ...» .

از تاریخ نشر این بیانیه در حدود پنج‌ماه می گذرد جمهوری دموکراتیك افغانستان بادید عینی وحوصله‌ی فراخ منتظر عمل بالمثل و دوستانه بودولی بکمال تاسف‌باید اظهارداشت که این حسن نیت دولت وحکومت ما بارویه‌ی غیر دوستانه‌ونا عاقبت‌اندیشانه‌ی محافل‌حاکمه‌ی پاکستان مواجه گشت وآن‌دولت نه تنها در برابر این موضع گیری صلح جویانه حسن نیت نشان نداد بلکه خاك پاکستان را محـــل تربیه ومسلح نمودن عناصر ارتجاعی وشرور ساخت وپیاده کننده‌ی نقشه های سوء امپر- یالیزم ، شوینیزم وصهیونیزم در قبال‌افغانستان مردم افغانستان وانقلاب ملی ودمو کراتیك ثور گردید وبا این اعمال خود صلح منطقه رابا خطر جدی مواجه ساخت . از جانب دیگر در عرصه‌ی تبلیغات نیزسرو صداهای پروپاگندی ودروغین فراوانی رابراه انداخت. امپریالیزم امریکا وعظمت طلبان مرتد چینی وسادات و بیگین وغیره توام باین رویه‌ی خصمانــــه از هیچ نوع توطئه ودسیسه وتبلیغ رو گردان نشدند . حوادث سوم حوت در شهر کابل، دست گیری جاسوس مصری بنام ضیاالدین محمود که از طریق پاکستان در وطن ما داخل وفعالیت جاسوسی می‌نمود وچندین سند انکار ناپذیر دیگر همه وهمه نمایانگر موضع گیری خصمانه وموقف تجاوز کارانه‌ی زمامداران پاکستان ، امریکا ، چین وسایر کشور های ارتجاعی امپریالیستی وتجاوز گر می‌باشد . این محافل در تبلیغات دروغین خود اولامسئله اسلام وبخطر بودن !؟ اسلام در افغانستان را طرح اوتبلیغ می کند ، ثانیاً آنها کمك های متعدد مادی ومعنوی کشور دوست وبـــرادر افغانستان یعنی اتحاد شوروی را بخصوص کمك‌نظامی اعزام دسته های محدود نظامی‌آن کشور را که به اراده وخواست خود مردم افغانستان وبرای طرد تجاوز بیگانه بخصوص از خاك پاکستان وبه اساس معاهده‌ی دسمبر ۱۹۷۸ صورت گرفته است ، قلب جلوه داده وآنرا به اصطلاح تجاوز بر افغانستان قلمداد می کنند وبالاخره بسیار بیشرمانه تبلیـــغ صورت می گرفت وصورت می گیرد که گویا افغانستان از طرف اتحاد شوروی اشغال شده است . این تبلیغات وتحریکات وروغ پراگنی ها بحدی وسیع ولجام گسیخته صورت گرفت که دولت جمهوری دمو کراتیك افغـانستان یکبار دیگر جهت برملا شدن واقیعت بتاریخ ۲۴ ثور ضمن نشر اعلامیه‌ی موضع اصولی ، صلح خواهانه وواقع بینانه‌ی‌مردم افغانستان را توضیح نمود . یعنی همانطوریکه مابارها گفته ایم ارتش محدودیکه بنا بدرخواست مردم وحکومت قانونی افغانستان به کشور ما آمده برای تجاوز واشغال نی بلکه برای یاری رسانیدن به مردم افغانستان در راه دفع وطرد تجاوزات ارتجاع منطقه ، ارتجاع امپریالیستی وارتجاع شوونیستی صورت گر فته است وهر زمانیکه این تهدیدات مرتفع شود ضرورت موجودیت این قوا نیز از بین می رود . ثانی اینکه اسلام برای اولین بـــار در افغانستان بشکل واقعی وراستین آن ساحه‌ی فعالیت‌یافته است ودولت وزعامت انقلابی مابار هـا طـــی اعلامیه ها با بیانیه ها وبالخصوص در اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان که می‌توان آنرا قانون اساسی موقت جمهـوری دموکراتیك افغانستان نامید مؤکدا طر فـداری دفاع واحترام بدین اسلام ومناسك مذهبی . اظهار شده است . چنانچه در ماده (۵)اصول اساسی ج ، د ، ا چنین گفته شده است : «در جمهوری دمو کراتیك افغانستان احترام ، رعایت وحفظ دین مبین اسلام تامین می شود وآزادی اجرای مراسم مذهبی ودینی بـرای تمام مسلمانان تضمین می‌گردد ...» .

لذا آن همه چرندیات ودروغ پردازی‌هاییکه از طرف محافل ارتجاعی وامپر یالیستی جهانی علیه مردم وانقلاب مردم افغانستان می شود همه وهمه بسبب برباد شدن منافع ومواضع آنها در کشور ما می باشد . حزب و دولت وحکومت انقلابی ، برای اینکه یکبار دیگر موضع اصولی ، صلح جویانه وصادقانه‌ی خود را برای ایجاد تفاهم وارائه سیا ست عـدم مداخله درامورداخلی کشورهای‌دیگر وخواهان بودن دوستی وحسن‌هم جواری باکشور هـای همسایه اعلام‌میدارد حکومت‌ومردم‌افغانستان‌بابه پیروزی رسانیدن انقلاب ملی ودمو کراتیك ضد امپریالیستی ، ضد فئودالی وضد کمپراد وری یعنی انقلاب ثور تصمیم راسخ ، قاطع وخلل ناپذیر دارند که‌به پیش بسوی آ رمان های والای انسانی بروند اگر امپریالیزم و

بقیه درصفحه ۲۳

نگرشی کوتاه و شتابنده به دو نشریه تازه کشور

نخستین شماره نشریه «حقیقت سرباز» در هشت صفحه به قطع روزنامه از نشر برآمد این نشریه تازه که حیثیت ارگان مرکزی وزارت دفاع کشور ما را دارا بوده و عهده دار پخش و گسترش آگاهی و دانش در میان سربازان، افسران و کارکنان امور نظامی کشور میباشد - بدون شك باجهت گیری مثبت و فعال نشراتی خود بعد از این موقف پرخواننده ترین روزنامه کشور را در میان سربازان و افسران وهمه دست اندرکاران امور نظامی ودفاعی کشور خواهد داشت.

ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان - رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان با توجهی که به نقش سازنده مطبوعات در این مقطع خاص تاریخ پرشکوه کشور ما دارند، در پیامی عنوانی این نشریه که در صفحه اول آن به نشر رسیده است خاطر نشان می سازند که:

«... قبل از پیروزی انقلاب ثور - دردوران زمامداری رژیم های فاسد فیودالی سخنی از روزنامه نظامی در میان نبود، زیرا هیات های حاکمه ی وقت از نقش چنین ارگان نشراتی در امر بسیج و روشنگری سیاسی در میان نظامیان در هراس بودند، آنها از ره آورد فکری این چنین ارگانی در میان توده های سرباز و افسر می ترسیدند ...»

ببرك کارمل بعد از تحلیل اوضاعی که در مجموع خود موجب پیروزی انقلاب ثور در کشور ما گردید در مورد رسالتی که این نشریه باید آنرا به عنوان مشی نشراتی خود بپذیرد چنین تاکید می کنند:

«... روزنامه «حقیقت سرباز» باید بازتاب صادق حقیقت پیروزی انقلاب ثور در برابر ضد انقلاب باشد.

روزنامه باید در راه تطبیق نظریات انقلابی، حفظ دست آورد های انقلاب ثور، فراخوانی مردم در راه ساختمان افغانستان نوین، آباد، مرفه، مترقی و سربلند، تحکیم رشته های گسست ناپذیر عینی بین توده های ملیونی مردم زحمت کش و اردوی قهرمان ما نقش شایسته خود را ایفا نماید.

انقلاب وطن و مردم ما با دشمنان گوناگون ومحیل در نبرد اند، روزنامه «حقیقت سرباز» در امر افشای جنایت ها، تجاوزات، توطئه ها و دسایس امپریالیزم ودیگر دشمنان مردم ما بر علیه منافع حیاتی ملی خلق ما، در امر انعکاس وقف وفداکاری، دلیری و قهرمانی های افسران سربازان و خرد ضابطان اردوی آزادی بخش ما که در سنگر دفاع از انقلاب، وطن ومردم مردانه می رزمند ودر امر تقویت روحیه ی شریفانه وفاداری بوطن، مردم وانقلاب نقش بس عظیمی را باید ایفا نماید.

روزنامه «حقیقت سرباز» باید بازبان بی تکلیف و ساده حقیقت گوی خود، آموزگار، رفیق ویار و یاور خوبی برای سربازان و افسران قوای مسلح ملی ما باشد...»

برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی با نگارشی زیر عنوان «از میهن انقلابی تان دفاع کنید» با تحلیلی همه جانبه از اوضاع و شرایط کنونی انقلاب در برابر باند های خرابکار و ضد انقلاب موجودیت قطعات محدود کشور دوست ما اتحاد شوروی را به خاطر جلو گیری ازنفوذ امپریالیزم خونین در کشور ما امری ضروری میداند ودر این مورد چنین می نگارد:

«... قوماندانان، کارکنان سیاسی وفعالین سازمان های جوانان و فعالین حزبی باید به افسران، خرد ضابطان وسربازان معاونت های سیاسی، معنوی، اقتصادی و نظامی اتحاد جماهیر شوروی را به میهن ما تشریح و توضیح نموده در تربیت همه جانبه پرسونل مربوط بار و حیه دوستی وبرادری با عساکر قوای مسلح شوروی بکوشند.

عساکر ما مکلف اند به صورت خستگی ناپذیر امور عسکری را از رفقای شوروی خویش فراگیرند واز تجارب ارزنده شان استفاده ببرند، تروسی که در کوهها و صحرا ها، پولیگونها میدان های انداخت ومیدان های دریوری تانك ها پیش برده میشود باید با مهارت و توانایی قابل ملاحظه ای توام باشد ...»

سرمقاله «حقیقت سرباز» است که در بخشی از آن می نگارد:

«... نشر جریده «حقیقت سرباز» ارگان مرکزی وزارت دفاع ملی جمهوری دموکراتیك افغانستان چرخشی است از تاریکی به سوی روشنایی.

نظامیان میهن با عظمت ما که درمکاتب عسکری، در قشله ها، در پوهنځی ها و پوهنتون و در هیچ جایی اجازه مطالعه حتی یك صفحه یك کتاب، یك داستان و یا پارچه شعری را نداشتند، اکنون جریده ای دارند که حداکثر نیازمندی های خود را توسط آن رفع خواهند کرد ...»

«زموږ ملی اودولتی بیرغ ددرندو مراسمو په ترڅ کی او چت کړی شو»

«دثور انقلاب شکوهمند دوهمین سال» «بیا هم په هوا کی» «رمز پیروزی»

«دثور پر تمین انقلاب په پلو شو کی سیاسی درندی دندی» «سربازان واقعی وطن پرست موضع شانرا ترك نمی گویند» «در کنار ماشین محاربوی» «آنها که همیشه زنده اند» «ما راه پیروزی را دریافته ایم» «زنان مبارز» «دیو قهرمان پیلوت پیغام» «دوسله وال پوځ بنو و نه او روزنه په پراختیا یی پړاو کی» «خاطرات تلخ وشیرین» «دثور دپرتمین انقلاب په رناکی به زموږ دافسرانو او سربازانو هوسا او نیکمرغه ژوند په برخه شی» «جبه دموکراتیك ملی» و «عطایای امیر امان الله وولادیمیر ایلیچ لنین تحکیم میبابد» «بازدید دوستانه» «شوروی اتحاد

«دافغانستان دخلك دموکراتیك گوند دملی آزادی بخښو نکی اردو د لارښود په

توګه» عنوان مضمون با ارزش دیگری

است پیرامون رهبری خردمندانه وعلمی واصولی حزب از اردو که برید جنرال گل آقا رئیس عمومی امور سیاسی جمهوریت دموکراتیك افغانستان آنرا به نگارش آورده است.

«صحبتی با خوانندگان» عنوان دافغانستان وفادار ملگری» شعری زیر عنوان «به لنین» «اطلاعات، وقایع، حوادث در جهان، پهناور»

«رویداد های مهم کشور های مترقی» «درقلمرو فرهنگ وهنر» «مسابقات المپیك ۱۹۸۰» و «اهمیت سواد» عناوین دیگری است که در نخستین شماره نشریه «حقیقت سرباز» به چشم می خورد و نشان میدهد که گردانندگان این روزنامه نه تنها کوشیده اند در مشی نشراتی این نشریه با ارزش به آگاهی رسانی در زمینه های مسلکی و پهلو های سیاسی واجتماعی اولیت هارا در نظر بگیرند - بلکه با گرد آوری های جالبی که در بخش های فرهنگ و هنر، ورزش، خاطره نویسی به بیوگرافی وموضوعات اطلاعاتی و خبری دارند هیچ گونه توقع خواننده مشکل پسند را ازیك روزنامه خبری و آموزشی از یاد نبرده اند تا آنجا که اگر شماره های این نشریه کلکسیون شود خواننده در اخیر سال در واقع صاحب دایرت المعارفی شده است که ارزش نگهداری در کتابخانه ها را دارا میباشد.

نشر نشریه «حقیقت سرباز» را که به زودی حیثیت روزنامه را خواهد یافت به وزارت دفاع ملی - به همه روشنفکران جامعه به سربازان و افسران اردوی قهرمان افغانستان و خوانندگان و علاقمندان آن وکارکنان باذوق آن صمیمانه شاد باش میگوییم و آرزو داریم این روزنامه وزین در رساندن پیام های انقلاب و اهداف والای آن هر روز پیروز تر از روز پیش باشد.

بقیه درصفحه ۱۹



۱۳۵۹
شنبه ۱۶ ثور

حقیقت سرباز

ارگان مرکزی وزارت دفاع ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان

بگذار «حقیقت سرباز» مظهر ظفرمندی نجیبانهٔ سربازان و افسران ولیسه باباشد. «ببرک کارمل»

ببرک کارمل

کارتهای افسرانی را که بمرتبه جنرالی ترفیع کرده‌اند توزیع نمود.



دثور د ژغورندی انقلاب دوهمه کالیزه په شانداره مراسمو سره ونمانځل شوه

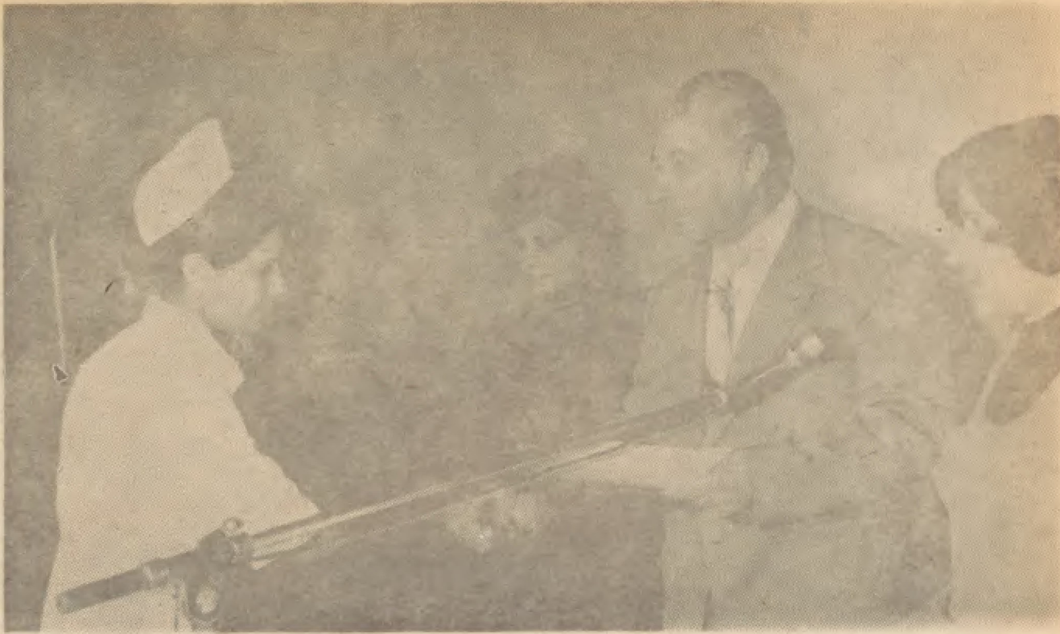
اول می روز همبستگی کارگران در سراسر کشور تجلیل گردید

دثور د پرتمین انقلاب د دوهمې کالیزې له امله د افغانستان دموکراتیک جمهوریت دملي دفاع د وزیر جنرال محمد رفیع د وینا متن

پیام شاد باش قوای مسلح بمناسبت اول می روز همبستگی زحمتکشان جهان به کارگران افغانستان

برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی در کنفرانس تیوریکی - نظامی که در قرارگاه وزارت دفاع ملی برگزار شد اشتراک ورزید





وزیر صحت‌عامه درحالیکه تصادیق‌شاگردان‌نرس قابلگی را توزیع میکند

وزیر صحت عامه میگوید :

از پنج تاده‌سال دیگر تعمیم صحت‌در کشور عملی میگردد

تبلیغات و تعلیمات صحی در سال ۱۳۵۹ توسعه نموده تا با وسایل ومیتود های جدید تبلیغ و تعلیم صحی راگسترش دهد ودر سال های آینده به دیگر ولایات کشور نیز واحد های تعلیمات صحی تاسیس خواهد شد وهم درکنترول امراض ساری که یك جزء اپید یمیالوژی میباشد از قبیل اسهالات موسمی دیفتری تراخم امراض مقاربتی و توبرکلوز گام های وسیع برداشته شده و امسال جهت‌رفع نقیصه به کم آبی اطفال جهت هایدریشن اطفال‌شهر کابل و تمام ولایات مراکزی تاسیس گردیده تا اطفال مصاب به‌کم آبی اسهالات توام‌ دار توسط پاکت های‌مخصوص دوباره احیاء گردند همچنان

در قسمت صحی ساختن فابریکات‌ شهرها و منازل پروگرام های در دست اجرا است که در سال جاری به فعالیت آغاز می نماید به این ترتیب در قسمت عرضه مواد غذائی سالم بعد از معاینه و کنترول اقدامات میشود و در زمینه پلان های ساخته شده عملی میگردد .

-کلنیك های مجانی با اینکه درخدمت مردم قرار دارد اما نقش اقتصادی قوی‌ندارد به این دلیل که بیماری که مجبور است به خاطر معالجه و خرید دوا پول‌هنگفتی را بپردازد پرداخت فیس دوکتور برایش زیاد مشکل نیست - از این گذشته اعتراض ها هم چنان بلند است که دوکتوران با آن دقتی که‌مریضان را در معاینه خانه های شخصی خود می بینند درکلنیك های مجانی مورد معاینه قرار نمیدهند-

چگونه میتوانیم نقش این کلینیك هارا موثر بسازیم شما نباید انتظار داشته باشید همه ی امور و از جمله امر مهم ملی شدن طبابت که بصورت تدریجی به عمل پیاده میگردد یکباره یی حل شود- این درست است که تا اندازه انتقاد شما بجا میباشد . اما مادر قدم نخست کیفیت‌موضوع را بیشتر از کمیت آن در نظر داریم . به این مفهوم که ایجاد روحیه طبابت در خدمت مردم قرار گرفتن است که دراین مرحله ارزش‌وا فردارد . اینکه بعضی از دوکتوران در کلنیك های مجانی‌بیماران را درست مورد معاینه قرار نمیدهند - ما تاکنون با چنین انتقاداتی بوسیله مریض داران مواجه نشده ایم واگر بشوریم .

آنرا زیر تعقیب اصولی قرار میدهیم- واگربشوریم‌آنرا زیرتعقیب‌اصولی قرارمیدهیم از طرف دیگر شما نقش اقتصادی این کلینك هاو را زیاد موثر نمیدانید -چرا موضوع را به این شکل طرح می کنید ؟ چرا نمی خواهید قبول کنید که در اقتصاد ورشکسته مردم ما بیش از نه تا بیست بار ارزان شدن ادویه و مجانی بودن معاینه بی تاثیر نمیباشد ؟ واستقبال گرم مردم از این کلنیك ها خود گواه راستین ادعای مامیباشد.

میگویید مردم شکایت دارند واین شکایت در مورد بی توجهی دوکتوران در معاینه مریضان است شاید عده یی چنین باشند - اما شما بنویسید که شکایات خود را با ما مطرح کنند تا به آن رسیدگی گردد در غیر آن ما چگونه بتوانیم به حقانیت گفته های این‌شاکیان اطمینان پیدا کنیم ؟

-کار تکمیل پروژه های شفا خانه‌های منطقوی به‌کجا انجا میده است با توجه به ارزش که این شفاخانه ها مخصوصا در شرایط کنونی در معالجه بیماران ولایات دارند وزارت صحت عامه چه تجاویزی را برای تکمیل آن گرفته است ؟

-چون شفاخانه های فعلی در ولایات نمیتوانست بصورت صحیح جوابگویی نیاز مندیهای مردم گردد، و ناگزیر مجبور بودند برای تداوی خویش به شفاخانه های مراکز مراجعه نمایند وزارت صحت عامه دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان با پیروی از خطوط اساسی کشور برای جلو گیری از ازدحام مراجعین در شفاخانه های مرکز و عدم سرگردانی مردم تصمیم گرفت درپنج ولایت کشور شفاخانه های حوزوی بظرفیت ۲۰۰ الی ۲۵۰ بستر اعمار نماید.

با اعمار این شفاخانه ها نه تنها خدمات صحی به پیمانه وسیعتر و خوبتر بمردم صورت خواهد گرفت بلکه بحیث یك مرکز ریسرچ و ترینینگ فعالیت‌نموده‌و در ساحات مختلف از آنها استفاده خواهد آمد .

شفاخانه - حوزهٔ کندهار- در اواخرسال ۱۳۵۷ بظرفیت ۲۵۰ بستر تکمیل وافتتاح وشروع به فعالیت نموده است از این‌شفاخانه بر علاوه اهالی ولایت کندهار مردمان ولایت ارزگان هلمند - نیمروز و زابل استفاده مینمایند .

شفاخانه حوزوی هرات :

کار ساختمانی شفاخانه مذکور بظرفیت ۲۰۰ بستر درسال ۱۳۵۵ ذریعه دستگاه ساختمانی بنائی شروع‌واوایل اخیر سال ۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد پیشرفت نموده‌است‌امیدمیرود در اواخر سال۱۳۶۰ کار ساختمانی آن خاتمه‌و آماده بهره برداری گردد .

از این شفاخانه بر علاوه اهالی ولایت هرات مردمان ولایات فراه بادغیس وغور استفاده می نمایند .

شفاخانه جلال‌اباد -

کار ساختمانی شفاخانه مذکور بظرفیت ۲۰۰ بستر در سال ۱۳۵۱ ذریعهٔ دستگاه ساختمانی بنائی آغاز گردیده امور



یکی از راه های حمایه طفل ومادر توزیع‌مواد به مادران حامله است.



نمایی ازگرسنگی وبی غذایی کودکانی که‌به سوء تغذی‌مصاب‌بوده اکثرامحکوم‌به‌مرگ‌بودند

ساختمانی مرحله اول آن خاتمه یافته‌و ساختمان مرحله دوم آن الی اخیر سال ۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد پیشرفت نموده است .

نا گفته نباید گذاشت که کار ساختمانی شفاخانه مذکور در اواخر سال ۱۳۵۹ تکمیل خواهد گردید . از شفاخانه‌مذکور بر علاوه اهالی ولایت ننگرهار مردمان‌ولایات لغمان و کنرها استفاده بعمل خواهند آورد .

شفاخانه حوزوی مزار شریف :

نقشه ها وزمین شفاخانه مذکور آماده گردیده قرار داد ساختمانی آن‌بادستگاه ساختمانی بنائی عقد شده است قرار بود کار ساختمانی آن در سال ۱۳۵۹ـ آغاز یابد لیکن بنا بر عدم موجودیت وجوه کمك از جانب دولت عربستان سعودی شروع کار شفاخانه مذکور معطل قرار داده شد از شفاخانه مذکور بر علاوه اهالی ولایت بلخ و لایات جوزجان فاریاب وسمنگان استفاده خواهند نمود .

شفا خانه حوزوی کندز :

این شفاخانه بظرفیت ۲۰۰ بستر به کمك دولت دوست اتحاد شوروی درولایت کندز اعمار میگردد اسناد تخنیکی آن تکمیل و پروتوکول تهیه نقشه های مهندسی آن با مقامات اتحاد شوروی امضاء گردیده و قرار است طی ۱٤ ماه آینده بدسترس مقامات افغانی گذاشته شود .

کار ساختمانی آن در اوایل سال ۱۳۶۰ آغاز خواهد یافت از شفاخانه مذکور بر علاوه اهالی ولایت کندز مردمان ولایات بدخشان بغلان، و تخار استفاده مینمایند .

ـ کمبود نرس قابله مخصوصا دردهات که اکثر تولدات بوسیله دایه های غیر فنی صورت می گیرد عواقب نا گوار ببار می آورد برای رفع این معضله شما چه می کنید ؟

ـ در این مورد باید بگوئیم که جهت حل این معضله علاوه براینکه به تربیه بیشتر معاونین نرس قابله پرداخته میشود وزارت صحت عامه تحت پروگرام مراقبتهای اولیه صحی به تربیه کارگران صحی اناثیه ودایه های محلی می پردازد به اساس این پروگرام تا فعلا بیش از ۷۰۰ نفر دایه های محلی در ولسوالی های مختلفه مملکت تربیه گردیده وقرار است تاختم پروژه در تمام قرای کشور دایه های محلی تربیه گردند . جهت عرضه بهتر خدمات صحی اساسی در مراکز صحی اساسی و مخصوصا خدمات حمایه طفل و مادر که از جهت کمبود معاونین نرس قابله از نظر کیفی و کمی نواقص را در بر دارد دختران با سواد و لسوالی ها و علاقه داری های کشور با تدریس نظری کوتاه مدت تحت پروگرام تربیه کارگران اناثیه صحی تربیه خواهند گردید تا کمبود معاون نرس قابله را در این مراکز تکمیل نماید .

ـ در افغانستان هیچ موسسه وجودندارد که از حقوق بیمار در برابر بی توجهی وبی مبالاتی و یا احیانا نا خیانت‌دوکتوران و پرسونل طب به بیمار دفاع کنند دوکتوران و پرسونل طب انجمن و یا اتحادیه یی ندارند که از حقوق وامتیازات شان دفاع بتوانند طب عدلی ساحه کار بسیار محدود دارد. به عقیده شما آیا ضرور نیست که اتحادیه های دوکتوران برای دفاع‌ازحقوق‌صنفی‌شان‌و مراجع عدلی اختصاصی برای دفاع‌ازحق بیمار بوجود آید ؟

ـ طب عدلی بصورت یك ریاست‌مستقل به همین منظور تاسیس گردیده و برای اینکه در آینده این ریاست در زمینه مواردی که شما ازآن یادکردید اقدام بتواند انکشاف بیشتر خواهد یافت.

در مورد اینکه دوکتوران اتحادیه صنفی داشته باشند تا کنون اقدامی نشده امادرنظر است که‌زیر نظر مشاوران خارجی و با در نظر داشت اینکه این انجمن ها در کشور های مترقی نحوه کار شان بر چه پایه هایی استوار است تاسیساتی از این قبیل را به وجود آوریم که دوکتوران خلاف کار در آن محاکمه شوند .

علاوه از آن با توجه به اینکه موسسات مختلفی صحت عامه روبه تزاید بوده و قوای بشری مورد نیاز در حال رشدو انکشاف میباشد وهم اینکه موسسات‌مذکور از نگاه کیفیت علمی و مسلکی بررسی و مواظبت شده بتوانند وزارت صحت‌عامه روی همین اصل ریاست قوانین صحی‌و بررسی را در داخل تشکیل‌مستقل درمال جاری روی کار اورده که البته ارگان مذکور حینکه قانون صحت عامه‌مفردات و لوایح وسایر ضمایم آن یکی پی دیگر طرح ، ترتیب ، تجدید و مورد تطبیق قرار گیرد میتواند در برابر بی مبالاتی ها ئیکه شما از آن متذکر شده اید معامله وبرخورد نماید که خوشبختانه این معمول ارزو میرودعنقریب بر آورده گردد .

ـ یکی از پروژه های که بعد از پیروزی انقلاب در افغانستان در دست اجرا گرفته شد تبدیل ساختن مراکز معالجوی‌به مراکز تربیوی و معالجوی بود که با این اقدام تا حدودی جلو نابسامانی های کمبود متخصصان طب در ساحات مختلف گرفته می شد اکنون این پروژه در چه موقفی قرار دارد وبرای توسعه بیشتر آن چه اقداماتی را در طرح و اجرا دارید ؟

ـ در رو غتونهای مرکز و انستیتوت های مربوط طب معالجوی در پهلوی عرضه خدمات معالجوی خدمات لابراتواری وسایر خدمات متممهٔ معالجوی پروگرام های تربیوی برای کتگوری پرسونل مختلفه مورد نیاز نیز از پیشبرده میشود .

در رو غتونها و موسسات مذکور نظر به

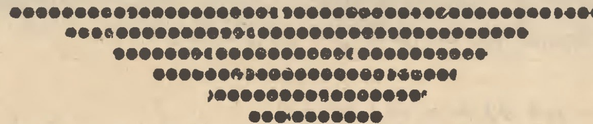
بقیه در صفحه ٤٥



بافعالیت گسترده‌یی که‌درراه امحای چیچک‌صورت گرفت بالاخره‌این مرض ساری‌ازکشور رخت‌بربست

د رو کیانی په قلم

زموږ د دموکراتیک جمهوری دولت اساسی اصول په دموکراتیکو ارزښتونو ولاړ دی



دثور دپړ تمین انقلاب د نوی پړاو په بریالیتوب سره زموږ زیار ایستونکی ولس د خپل ټولنیز ژوندانه په یوه نوی تکاملی مرحله کی قدم کیښود او په دی ډول سره د حفیظ الله امین د ترور او وحشت دوره چی دیوی لنډی مودی له پاره یی زموږ په شریفو او بی دفاع خلکو ظالمانه استبدادو چلاوه پای ته ورسیده ، او د ثور دپړ تمین انقلاب چی زموږ د زیار ایستونکو او خوارـ یکښو نو له پاره د نوی . هوسا او پتمن ژوند زیری ګڼل کیږی له ماتی او سر کوب څخه بچ کړی شو.

دکار ګری طبقی دایډیالوژی د عاموقوا نینو له مخی بو هیږو چی دهر انقلاب د بریالیتوب له پاره عینی او ذهنی شرایط لازم دی او د ټولو انقلابونو اساسی مسله دسیاسی واک تر لاسه کول دی . کله چی یو ګوند او د هغه رهبری په ټولنه کی د انقلاب عینی شرایط سم درک کړی او د هغه څخه داستفادی سره سیاسی واک تر لاسه کړی نو د انقلاب د بریالیتوب او دوام له پاره وظیفه لری څو دخلکو پراخی پرګنی سیاست ته جلب او په اجتما عی ، اقتصا دی بدلونو کی دهغوی مستقیم ګډون تا مین کړی. خو څرنګه چی غدار حفیظ الله امین یوازی په خو له د انقلاب ناری وهلی او په واقعیت کی یی دامپریالیزم دیو وفادار نو کر په صفت دجهانی امپریالیزم او داخلی ارتجاع په خوښه دخلکو او انقلاب د ګټو په ضد عمل کاوه. نو په همدی دلیل سره ډیر ژر په هیواد کی د زیار ایستونکو پر ګنو دکرکی سبب وګرځید. او د خلکو په خو زووروپرګنو کی زموږ اکثر وطنوا لو هغه ته په خپلی کر کی او نفرت سره ځواب ورکاوه .

خو له نیکه مر غه د ثور انقلاب د نوی پړاو په رڼا کی دهیواد د ټولو زیار کښو پر ګنو او متر قی قشرونو او اصنافو ته دازمینه برابره شوه چی د پلاروطنی پراخی ملی جبهی په شاوـ خوا راټول شی ، چی له یوی خوا د خپل ګران هیواد او د ثور دپړ تمین انقلاب د ګټو څخه ددفا ع په سنګر کی اوله بلی خوا دخپل هیواد دآبادی په لاره کی په داو طلبا نه تو ګه پراخه برخه واخلی .

زموږ ددی خبری رښتینوا لی او واقعیت تر هر څه زیات د افغا نستان ددمو کراتیک جمهوریت په اساسی اصولو کی ډیر ښه ثابت کیدای شی. داځکه چی په دی اسا سی اصولو کی د هیواد د ټو لو شر یفو او میړ نیو خلکو ټولی مادی او معنوی اړتیاوی په نظر کی نیول شوی دی او ددوی دهیلو او آرزو ګا نو سره سم تدوین او تصو یب شوی دی .

دغه اسا سی اصول زموږ دهیواد پالو خلکو د ټو لنیز، سیا سی، اقتصاـ دی نظام د ټینګښت او د هغوی په ورځنی ژوند نه کی ددوی دآزا دیو اسا سی حقو قو او همدا رنګه ددوی دمسو لیتو نو او وظیفو په ټاکنه کی عمده او اسا سی رول لوـ بوی.

ددی اسا سی اصو لو په تصو یب سره خود سری او سر کشی له منځه ځی او هیڅوك به دا حق ونه لری چی د خپلو شخصی ګټو او غرضونو څخه دافغا نی ټولنی د نورو غړ و قانو نی حقوق او آزا دی تر پښو لاندی کړی او یادا چی ددوی سوـ کاله او آرام ژوند ته خطر پیښ کړی.

څرنګه چی زموږ زیار ایستونکی او میړ نی هیواد وال د ثورپړ تمین انقلاب له بر یا لیتوب څخه د مخه فیو ډا لی او ما قبل فیو ډا لی شرا یطو سخت ځورو لی او کړو لی دی نو په دی لحاظ سره دافغانستان ددمو کرا تیك جمهور یت په اساسی اصو لو کی هڅه شوی ده چی د زیار ایستو نکو پر ګنو له پا ره دهر اړ خیزی ودی او دمو کراتیکو آزادیو پراخه زمینه برابره کړی . لکه څنګه چی دافغا نستان دخلك ددمو کراتیك ګوند دمر کزی کمیټی عمو می منشی او د افغا نستان ددمو کرا تیك جمهوریت دانقلابی شورا رئیس او صدر اعـظم ببر ك کار مل په خپل هغه رپوټ کی چی د حمل په پنځه ویشتمه نیټه یی دانقلا بی شورا فوق العا ده غو نډی ته دافغاـ نستان دد مو کرا تیك جمهور یت د اساسی اصولو دتصویب په منا سبت وړا ندی کړ په دی باب داسی اشا ره کړی ده :

«اساسی اصول زموږ په هیواد کی دملی دموکراتیك انقلاب دراتلونکی ودی او بشپړ تیا او د هغه دوروستی بری په برخه کی دافغا نستان دخلك ددمو کرا تیك ګو ند دسیا سی کړ نلاری مستقیم ښکار ندوی دی او په هیواد کی د دمو کرا تیك ژو ند دعملی کولو او د خلکو ددمو کراـ تیك دو لت د ټینګو لو له پاره کلکی او ټینګی ستنی پیدا کوی .

داسا سی اصو لو تصو یب دافغاـ نستان دخلکو تر منځ پیو ستون د ټینګښت او زموږ د هیواد دسیاسی نظم دګډو ډ و لو د پاره دکور نیو او بهر نیو دښمنا نو د هلو ځلو دشنډ و لو په لاره کی یومهم ګام دی.

دټولودو لتي ار گا نو نو اوساز- مانو نو فعالیت ، دورځنیو قـوا- نینو زیا توا لی او پرا ختیا ،دنو یو حقو قی مو سسو جوړ یدل بـــه د اساسي اصو لو داحکا مو له مخې وشي .«دافغا نستان ددمو کرا تیـك جمهوریت په اسا سي اصو لـــو کې دا اصل هم په گوته شوی دی چې دافغا نستان په دمو کراتیك جمهو- ریت کې دولتي قدرت دښار او کلي په زیار کښانو پورې اړه لري ، او همدا رنگه دولت به هڅه وکړي چې دخپلو هیواد والو دخدمت پـه لاره کې ددوی دژوندا نه بیلو بیلـــو اړ خونو ته ددمو کراتیك نظام اوله هغه څخه دزیږ نده‌اسا سا تو په رڼا کې‌سا لمه وده ورکړي . ددې اسا- سي اصولو په دوهمه ماده کې‌لیکل شوي دي :

«دولت دخلکو دسو کالـــی او نیکمر غی له‌پاره خد مت کوي. د- افرادو سوله ییز مصون اوسو کاله ژوند او هر اړ خیزه وده اود هغوی‌د حقوقو، ملکیت ، حیثیت، رسو مـو اوملي عنعنا تو سا تنه تا مینوي . د افغا نستان په دمو کرا تیك‌جمهور- یت‌کې دولتي قدرت دښار او کلـي په‌زیار کښا نو پو رې اړه لري اود ښسپړو دو لتي‌او سیمه ییزو ارگانو- نـو له خوا چې په دمو کرا تیـــك ډول منځته راځي عمل کیږي.»

زموږ دمو کرا تیك جمهوري دو- لت هغه‌څه چې په خو له وا یې په عمل کې یې هم سرته رســوی او هیڅکله په دې عقیده نه لري چې خلك دې‌وغو لیږي او دوی دې‌ددولتي کارو نو دسر ته رسو لو له جر یان څخه بې خبره پاتې شي . آن‌دجدی په‌شپږم ما ښام دخا ین حفیظ‌الله‌امین اود هغه دباند له نسکور یـــدو څخه څو شیبې ورو سته دافغانستان دخلك ددمو کراتیك گوند دمرکزی کمیټې عمومی منشی او دافغانستان ددمو کراتیك جمهوریت دانقلابـــی شورا رئیس او صدر اعـظم ببر ك کار مل په خپله قیمتدا ره تا ریخـی وینا کې دډیرونورو مهمواو عمده‌مو- ضو عا تو په‌څنگ کې دغې مهمـــی او اساسي مسالي تـه هم اشـــاره

وکړه چې :

«.... هغه اسا سي اصو ل چـې د افغا نستان نظام پرې ټینگیږي اود دافغا نستان دمو کراتیك جمهــوری دولت ، دافغا نستان دکارگری طبقې اوټولو زیار ایستو نکو گو ند یعنی دافغا نستان دخلك ددمو کرا تیك گوندپه مشرۍ زموږدپلر نی وطن‌ملي متحد ی جبهې دجوړ یدو په بنیاد دهغو په تامین او دفاع موظف دی‌له ملي حا کمیت، ملي خپلوا کی،دځمکې له‌تمامیت ، رښتینې دمو کرا ســی ددو لت او ادا رې ددمو کرا تیـــك سیستم له جوړیدو، دټولنی او دولت په‌ژوندا نه کې ددمو کرا تیك‌انقلابي قانونیت دبنسټ له ټینگتیـــا او د پرگتیزو ساز ما نو نو له پرا ختیا اوزیا تیدو څخه عبا رت دی ....»

زموږ دمو کرا تیك جمهوري دو- لـــت د ډیرزتنې اصـــل په نظر کــی نیو لو سره جو خت د ملي و حدت د لاټینگتیا او زیات کلکوا لي په منظور اوزموږ دوروڼو خلکو دلایـــــو – موتی کیدو او متشکل کیدو پـــه غرض هڅه‌کړې‌ده چې دی مهمې او اساسي مو ضوع ته زیاته پا ملرنه وکړي او او کوښښ یې‌کړی دی چې حتی دقا نون‌ښه ور ته ور کړي. زموږ دد مو کرا تیك جمهوري دو- لت دا سا سي اصو لو په در یمـــه ماده کې داسې لیکل شوی دي :

«دافغا نستان په دمو کرا تیـــك جمهوریت کې دزیار کښانو قـــدرت دپلار وطنی په‌پراخه ملي جبهه متکی دی. چې کار گران ، بز گــــران، کسبگران ، کوچیان ، رو ښنفکران ښځې ، ځوانان اود هیواد دټولـــو ملیتو نو او قو مو نو ، ټو لو متر قي او وطن پالونکو قوتو نواو ټولنیزواو سیاسي ساز ما نو نو نما یند گان‌د افغا نستـــان د خلك دد مو کرا تیك گو ند ترلا رښوو نې لاند دنوی آزادۍ اودمو کرا تیکې ټو لنې دجوړ و نو ترعمو مي پرو گرام لاندې سره یـــو مو ټی کوي . دپلار وطنی ملـــــی جبهه مو ظفه ده چې دهیواد د ملـــي پراختیا او دمو کرا تیکو دندو پـــه

تعمیل، په وطن پا لو نکی رو حیه‌د خلکو په‌روز نه اودټو لنی او دو لت‌د چارو په اد اره کې داتبا عو دپراخه جلب له پاره د خلکودټو لو قو مو‌یه یومو ټی کو لو کی مر سته وکړی.»

داخو ټولو ته ښکاره وه چـــی د ثور دپړ تمین انقلاب یو شعا ر او هدف داسلام مقد س دین ته کلـــك درنا وي او احترام و اود ثور دپړ- تمین انقلاب په بر یا لیتوب سره هغه توپیرو نه چې دنا در ،داود غدا رې کورنی زموږ د خلکو په عقیدو اومذ- هبونو کی را منځتـــه کړی وو او ځینی یې په ځینـــو نـــو رو بر گنېل اویا داچې په‌آزاد ډول سره بې نه‌شول کو لای چې خپل مذ هبي مرا سم او منا سك بې له قید او شرطه‌اجرا کړی ، بیخي له منځـــــه لاړل اود افغا نستان ټو لو شر یفو هیوادوا لو ته په دی بر خه کی لـــه تبعیض څخه بر ته یو ډول حـــق ور کړ ای شو . خو په خوا شینی سره با ید ووا یو چې امین اود هغه باند په خپله لنډه دو ره کی دافغا- نستان د خلکو دد ین او دد وی‌د سپیڅلو دینی معتقدا تو په خـــلاف ستر جنا یتونه وکړل . شیعه یـــی دسنیا نو ، یو قوم یی د بل قوم او همدا رنگه یو ولا یت یی د بل‌ولایت په خلاف ولمسول او پـــه دی ډول سره یی زموږ په خلکو کی بی اتفاقی واچوله. اوپه‌خاینانه ډول‌سره یی‌ډیر مذهبی عالمان ، ملا یان ، شیخـــان خطیبان، پیران اود بیلا بیلـــــو قومو نو سپین ږیری و ځو رول، زندانونو ته یی ټیل‌وهل او شهیدان یی کړل. خو کله چې د۱۳۵۸ کـال دجدی دشپږ می نیټې بریا لی قیـام سر ته ورسیداو دثورپړ تمین انقلاب دخپل تکامل په دویم پړاو کې‌ودرول شو زموږ دمـــو کرا تیك جمهو – ری دو لت‌ډیر ژر دغې مو ضوع ته په جدی ډول سره تو جه وکړه .

زموږ دمو کراتیك جمهوری دولت په دی برخه کی یوازی‌په همدی‌اکتفا ونه کړه، بلکې په‌دې مورد یې خپله وظیفه په عمل کې هم سرته‌ورسوله. اوهغه داچې نو مو ړې مو ضوع ته یې دافغا نستان ددمو کرا تیك‌جمهو- ریت په اسا سي اصو لو کې ، چې په او سني وخت زموږ ددمو کرا تیك جمهوري دولت قا نوني بنســـټ تشکیلوی، هم‌ځای ور کړ. ددې‌اسا- سي‌اصو لو په پنځمه ما ده کې په څرگند ډول سره لیکل شـــوي دي چې:

«دافغا نستان په دمو کرا تیـــك جمهور یت کې داسلام دسپیڅلي‌دین درناوی رعایت او سا تنه تا مینیږي. اود ټولو مسلمانانو له پاره ددیني‌او مـذهبي مرا سمو دپای ته رسو لو آزادي‌تضمینیږي . د نورو اد یا نو پیروان د خپلو دیني او مـذ هبـي مراسمو په سر ته رسو لو کې چې‌د ټولنې هو سا یې او امنیت ا خلال نه کاندي بشپړه آزادي لري . له‌اتباعو نه‌هیڅوك حق نلري چې له دین نه د ملي ضد او خلکو ضد تبلیغا تو او دافغا نستان ددمو کرا تیك‌جمهور- یت اود افغا نستان دخلکو دگټـــو خلاف دنوو اعمالو دار تکاب دوسیلې په مقصد استفاده وکړي .

دو لت درو حا نیو نو او دیني‌عا- لمانو وطنپر ستا نه فعا لیتو نو سره دهغوی ددندو او مکلفیتونو په‌پای ته رسو لو کې مر سته اومسا- عدت کوي.»

لنډه دا چې ددغو اسا سي اصولو عمو مي رو حیه ډیره دمو کرا تیکه ښکار ی‌او داسې هیلې او امیدونه ورڅخه کیدای شي چې ددې اسا سي اصولو په رڼا کې به زموږ دمو کرا- تیك جمهوري دو لت د خپلو هیواد- پالو خلکو په بې دریغه مرستې سره په‌دې‌بریا لی‌شي چې دشرا یطو پـــه مسا عد والي سره به ډیر ژر لویـــه جرگه جوړه کړي‌تر څوچې زموږدرا- تلونکي اساسي قانون تصویـــب کړي او په ی ډول سره به‌دقا نونیت په‌لور یو بل اسا سي قدم هم پور ته کړي او په دې تر تیب به زموږ د ځورید لو خلکو دآرزو گا نو یـــوه بله‌غوټۍ هم و غوړ یږي اود خپلوبې شمیره ارما نو نو په بهیر کې به‌یې دا ارمان هم ترسره شي .

سلسله گفت وشنودها ونشست های اختصاصی ژوندون در صفحه ...

مسایل سیاسی واجتماعی ، فرهنگ و هنر، نوجوانان ، جوانان وخانواده ها

در زیر ذره بین نقد وانتقاد

زیر نظر : گروه مشورتی ژوندون

در تطبیق مرحله نخست اصلاحات ارضی چه اشتباهاتی رخ داد؟



نمای کامل ازطرح وتطبیق مرحله دوم اصلاحات ارضی درکشور وجدلی پیرامون آن

در این دور سخن:

۱ـ دکتور عبد الغفار لکنوال معین اصلا حات ار ضی .

۲ـ بهادر آقتاش رئیس تصفیه وثبت .

۳ـ عبد المقصود شکو ری رئیس تنظیم امور ارا ضی .

٤ـ انجنیر وهاب آصفی رئیس بانك انکشاف زرا عتی

٥ـ عبد الطیف معا ون ریاست عواید وزا رت مالیه

٦ـ عبد الجبار ثا بت مشا ور ریاست تقنین وزا رت عد لیه

۷ـ حسین وفا سلجو قی مد یر نشرات وزا رت زرا عت واصلاحات ارضی

۸ـ علی احمد عضو کمیته ولا یتی حزبی کابل

۹ـ غلام سخی

۱۰ ـ محمد رحیم

۱۱ـ رجب علی

۱۲ـ محمد انور

۱۳ـ شاه ولی نما ینده های دهقانان ولسوا لی های ولایت کا بل اشتراك داشتند .

۳

بسم الله الرحمن الرحیم

زمیندار شریف و زحمتکش!

دولت ملکیت شما را که درج این سند و دفتر اساسی ثبت زمین میباشد مطابق ماده سیزدهم
اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تضمین میکند.

این سند حق فروش، ترک، تضمین، اجاره و سایر حقوق شما را بر ساحه زمین تان مطابق
احکام قانون تامین مینماید.

دولت ملکیت شما را بر زمین مندرج این سند حفظ و در بهره برداری قانونی از آن مساعدت میکند.

مطمئنم که شما در عملی نمودن اهداف والای مرحله نوین انقلاب شکوهمند ثور و تطبیق پروگرامهای زراعتی
جمهوری دموکراتیک افغانستان سعی ورزیده در آبادی و حفاظت زمین خود با وجدان و دلسوزانه مساعدت مینمائید
با کار و زحمت صادقانه خویش محصولات فراوان برداشته و بدین ترتیب وضع زندگی خانواده خود را
بهبود بخشیده و ضرورت هموطنان عزیز را از نگاه تولیدات زراعتی تامین و در تعمیل رسالت تاریخی انقلاب ملی
و دموکراتیک ثور بمنظور اعمار جامعه نوین و عادلانه در افغانستان آزاد، مستقل و شگوفان فعالانه سهم میدهید.

ببرک کارمل

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان

وا ینك باز بعد از یکسال وا ندی که از سانسور بی رحمانه سلسله گفت وشنود های مادر دور میزگرد ژوندون میگـذرد ،بار دیگر آنرا به آغاز می گیر یم وبا همان مشی ژرف نگری وعمیـق گرا یی به طر ح همگا نی ترین دشوا ری های زند گی مردم د ربخشس های گونه گون آن مـــی پرداز یم، تابا بر رسی وانگیزه یابی همه جا نبه کا ویشگر راه ها وروش های اصلا حی باشیم که حـــلال مشکـلات در زمینه های به‌جدل‌آورده شده‌باشد.

برای باز گو یی نقش‌اسا سی‌این گرد هم آیی ها وآنچه از گفتنی ها که در دور میز های پیشین ما بـــه طرح آمده است شا ید بهتر ین‌گواه این‌باشد‌که‌از آغازکار این جدل ها تا کنون ، هیـچ بحثی در سا حـــه مطبو عات نه به اندا زه این‌سلسله جدل ها جنجال بر انگیز بوده است ونه‌هم با قیچی سا نسورچیا نـــی که‌از پـد یر ش رو حیه‌انتقادپذیری هرا س داشته اند ، آشنا شده‌است.

سخن را کو تاه بگیر یم ، ژوـ ندون این تنها هفتگی نا مه همـــه خانوا ده های کشور اگر زبـــان احسا س واند یشه خا نوا ده هـــای افغا نستان نباشد نباشد وباز گو کننده دشوا ری ها ، نا بسا ما نیها ونـا هنجا ری های که د ختران ،وپسران ماومادران وپدرا ن ما، با آن‌رو برو اند ، دیگر نشر یه خانوا ده هـــا نخوا هد بود .

وما این جدل هارا به این جهـت دنبال می کنیم که می خوا هیم مجله ماموقف پر خوا ننده تر ین نشر یه خانواد گی را بیا بد وآنرا حفـــظ کند.

برای اینکه جدل های ما در گرد هم آیی که بعداز این مر تبا دا یر خوا هیم کرد یك‌رخ ویك جهـت نیابد ودر آن عمده تر ین‌دشوا ری های‌زند گی همگا نی مردم در بخشس های فرا وان به طرح آید گر وه مشورتی ژوندون تصمیم گر فـــت این گفت و شنود ها بیشتر پیرامون مسا یل ، سیا سی واجتما عی، فرهنگ وهنر و ، نو جوانان،جوانان وخانوا ده ها دایر گردد و در هر زمینه زبده تر ین دانشمندان ومسو- ولان با صلا حیت به بحث نشینند.

نخستین دور سخن ما در ایـــن نو بت گشا یش، به بر رسی‌شیوه های کارمر حله او ل تطبیـق اصلا- حات ارضی در کشور واشتبا ها تی که در نخوه پیا ده شدن آن وجـود داشته است ، اختصا ص می یابد،و شنا سا یی دو مین مر حله ایـــن اصـلا حات که به زودی کار آن آغاز خوا هد گرد ید .

ما در این گرد هم یی جمعی از نمایند گان دهقانان را با مسوو لان اصلاحات ار ضی دور یك میـــز نشا نده ایم تا به گو نه‌رو دررو یی دشوا ری ها به طرح آید وبه آن‌پا- سخ داده شود که امید وا ریم این کار مورد تو جه خوا ننده آگاه وبـا ذوق‌ما قرار گیرد .

درانتظار پرسشس‌هاانتقادهاونظردهی های فرد فرد شما هستیم وآرزودا- ریم مسا یلی را که از نظر شما به عنوان یك دشوا ری همگا نی‌زندگی مردم میتوا ند تلقی گردد ، با مادر میان گذا رید . تاماآنرا به شـو ر وجدل گذاریم وپل های را بطه‌میان مااستحکام بیشتر بیا بد .

شاد وپیروز مند باشید .

• • •

سخن رادراین دور جدل راحله راسخ خرمی بامروری کوتاه وگذرا از گردهم آیی های قبلی ژونـدون وبرای نتایج آن به آغاز می‌گیرد وبعد از گفتاری پیرامون اهداف این مجله ازتدویر چنین گردهم آیی هایی یاد آوری میکند که‌جدل در دور این میز کاملا آزاد است و هیچ پیرایه یی از تشریفات ندارد وهر یك از اشتراك کننده هابدون درنظرداشت‌مقام‌اداری‌ویااجتماعی همدیگر میتوانند روی گفته‌هابه نقد وانتقادونظر دهی بپردازند را حله راسخ گوشزد میکند که بعد از نشر این سخن پراکنی هاهر گوینده مسوول گفته های خود بوده وژوندون نه تنها در رد ویا تایید آن نقشی ندارد بلکه هر اظهار نظر ویا احیانا انتقادی راکه از گفته هابه اداره برسد نشر خواهد کرد ـ اوبعداز این مقدمه باارائه این پرسش ازمعین‌اصلاحات ارضی‌بحث رابه تطبیق اصلاحات ارضی میکشاند •

ـ‌اهداف مرحله دوم اصلاحات ارضی درچه مواردی خلاصه میگردد ودر مجموع کدام بخشی دشواری های امور زمینداری‌با تطبیق این‌مرحله اصلاحات ارضی حل میگردد • از نظر شمادر نخستین مرحله تطبیق‌اصلاحات ارضی چه اشتبا هـات رخداده واثرات این اشتباهات اکنون چگونه به بررسی گرفته میشود ؟

لطفا ورق بزنید



د افغانستان دموکراتیک جمهوریت

د ځمکې د ملکیت سند

اصل

قیمت (۱۰۰) افغانۍ

معین اصلاحات ارضی :

ـ به اجازه شما نخست سپاسم رااز کارکنان وزین نامه ژوندون ابراز میدارم که بازمینه سازی برای این گردهم آیی که‌در آن مسولان اصلاحات ارضی ـ عدلیه ومالیه‌به ارتباط مسایل اصلاحات ارضی کشور دوریك میز گرد آمده اند ـ نقش ورسالت بزرگ مطبوعاتی خودرادر آگاهی رسانی به‌مردم به‌انجام میرسانند. به‌اجازه شماپیش‌ازآنکه‌سخنانی‌پیراموِن‌چگونگی تطبیق مرحله دوم اصلاحات ارضی‌به‌بیان‌آورم به پاسخ یك بخش از پرسش پرسنده‌محترم نکاتی درمورد مرحله اول این اصلاحات راباز‌گومیکنم .

هم میهنان ماآگاهی دارندکه انقلاب شکوهمند ثور بعداز آنکه در کشور ما به پیروزی رسید وقدرت سیاسی رااز طبقات مرتجع حاکم بـــه طبقات زحمت کش محروم انتقال داد همانگونه که وظیفه هر انقلاب ضد امپریالیستی وضد فیودالی میباشد تا اساس تمام تحولات بنیادی قرار گیرد به رهبری حزب دموکراتیك خلـــق افغانستان حزب پیش آهنگ طبقه کارگر کشور سلسله رفارم های را در دست اجرا گرفت‌که اصلاحات ارضی در شمار آن میباشد .

این‌اصلاحات که‌اکنون‌مادرآغازدومین مرحله تطبیق آن قرار داریم، کاملا به نفع دهقانان کم‌زمین‌وبی‌زمین بوده واثراتی‌انکارناپذیر در بلندرفتن سطح تولید ورشد وانکشاف سریع پهلوهای اقتصادی، اجتماعی‌وفرهنگی جامعه‌ی ماوبه‌سود بیش از نـود وهشت در صد مردم ما میباشد .

برای یك بررسی مقایسوی ازوضع دهقان و امورزمینداری درکشور پیش ازانقلاب وبعداز تطبیق مرحله نخست اصلاحات ارضی چگونگی وضع ملکیت های زمین را مرور می‌کنیم:

در کشور ماتا پیش از پیروزی انقلاب ثور سه در صد زمینداران یك سوم از مجموع‌تمام زمین های زیرکشت رادر ملکیت خودداشتند در حالیکه ششصد وشصت‌ویك‌در هزار دهقانان ماحتی صاحب یك‌وجب‌زمین هم نبودند درحالیکه باتطبیق اولین مرحله اصلاحات امور زمین داری برای بیش ازسه صدهزار خانواده های دهقانان مستحق به‌اندازه سه میلیون وسه‌صد وبیست وهشت هزار جریب زمین توزیع گردید که خود نمایی از مبارزه علیه فیودالیزم مسلط درکشور وضوابط غیرعادلانه آن به شمار میآید .

مسوولان این میز گرد از اشتباهـــاتی نام گرفتند که‌در جریان‌تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی به‌وقوع پیوست ـ این انتقاد باتاسف کاملا به مورد است ـ در تطبیق این مرحله اصلاحات عمدا وبه صورت شعوری چنان مشی تطبیقی دردست‌اجرا گرفته‌شدکه‌محتوای اساسی ومترقی اصلاحات ـ تحریف ودگر گون‌گردید، چنانکه :

باید پیش از آغاز کار اصلاحات ارضی‌جنبش های دهقانی باتاسیس وحمایت اتحادیه ها ـ صندوق هاو کمیته های دهقانی شروع میشد تا تقسیم‌عادلانه زمین بااشتراك خود دهقانان وبدون اعمال زور وقوه‌عملی شده میتوانست وتمام اقشار وگروه های وسیع مردم به صورت شعوری وآگاهانه در مقام دفاع آن میبرآمدند که چنین نشد .

۲ـ در جریان تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی به رسوم وعادات ورواجهای عنعنوی و حتی اعتقادات مذهبی مردم وقعی نهاده نشد .

۳ـ دراین مرحله‌تطبیق‌خلاف‌مقرره‌اول فرمان شماره هشتم دولت نسبت به حقوق بسیاری از هموطنان مابی توجهی هایی‌صورت گرفت که موجب حق تلفی های فراوان گردید وامروز این مساله که حقوق تلف شده آن عده‌یی که‌در جریان تطبیق مرحله‌اول تطبیق اصلاحات ارضی خلاف فرمان متضرر شده اند وباید ضرر شان جبران گردد یکی از دشواری های عمده‌یی است که مابا آن روبرو میباشیم .

٤ـ درجریان تطبیق‌ریفورم‌برای تعداد بیشمار دهقانانی‌که‌زمین داده‌شد،هیچگونه‌کمك‌کوپراتیفی تخنیکی وفنی صورت نگرفت که‌به‌این دلیل سطح تولید پائین آمد ودهقان نتوانست از زمین زیر کشت خود بهره کافی بردارد .

۵ـ جنبش کوپراتیفی‌نه تنهاتقویت نشد بلکه بانحوه عملی که صورت گرفت ضعیف نیـــز ساخته شد .

٦ـ ازطرح عملیاتی یك پلان علما تنظیم شده به منظور تزئید حاصلات زرا عتی‌عملا جلوگیری شد .

۷ـ بالغو اداره اصلا حات ارضی کو شش به عمل آمد که از تطبیق مرا حل بعـــدی اصلا حا ت ارضی در افغانستا ن جلو گیری شود .

۸ـ با ختم دوره او ل اصلا حات ار ضـی که با ید ختم مر حله نخست اعلام میگردید پایان تطبیق اصلا حا ت ارضی‌در کشوراعلام گردید .

و بد ین تر تیب بود که در دوره حکومت خود کا مه امین این نما یند ه امپر یا لیزم خو نخوار به صورت شعوری از تما م‌ارزش ها ودست آورد ها ی که از تطبیق‌مو فقانه اصلاحات ار ضی متصور بود جلو گیـر ی

شد وباید کیفیت او قصدا کوشید شد جهت مترقی این اصلاحات رابه انحراف کشانند ـ اما با قیام ششم جدی که باند فاشیستی امین از میان رفت زمینه برای تطبیق مراحل بعدی اصلاحات دموکراتیک ارضی که در برگیر حل کامل تمام معضلات ودشواری های امور مربوط به زمینداری ، محو کامل بقایای فیودالیزم، بلند رفتن سطح تولید زراعتی در کشور و تامین رفاه ، اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی همه دهقانان وزحمت کشان ما میباشد مهیا گردید اهداف عمومی تطبیق مرحله

حق مالکیت بالای زمین .

٤ـ تشویق زمیندار ودهقانان برای بهره برداری بیشتر از زمین وبالا بردن سطح محصول .

٥ـ سهم گیری فعالانه دهقانان در ایجاد و تقویت کوپراتیف های دهقانی با استفاده ، از زمینه های مساعدی که دولت به وجود میاورد .

٦ـ تاسیس مراکز کرایه دهنده تراکتور ها و سایر ماشین آلات زراعتی به منظور کاهش زحمت طاقت فرسای دهقانان و ماشینی شدن زراعت تطبیق

١ـ تصفیه ساحات پراکنده و قطعات کوچك زمین به اشتراك و سهم گیری فعال دهقانان .

٢ـ ترتیب یك سند متحد الشکل رسمی برای تمام ملکیت های زمین ونو کردن وتجدید تمام اسناد ملکیت زمین .

٣ـ فراهم آوری تسهیلات لازم در امور خرید ـ فروش ـ تبدیل ـ بخشش ـ تقسیم ودیگر امور انتقالی زمین .

٤ـ مهیا ساختن زمینه های مساعد برای تضمین والتزام .

٥ـ تنظیم عادلانه امور مربوط به اجاره

دوم تطبیق اصلاحات ارضی به وسیله هفتاد نفر از آمران عملیاتی به صورت مرحلوی ودر مدت سه سال به انجام خواهد آمد .

راحله راسخ خرمی :

تعدادی پرسش را دهقانان عزیز شرکت کننده دراین جدل که بسمت نماینده های دهقانان و لسوالی های خود را نیز دارند به طرح آورده اند که اینك یك یك آنرا به نوبت مطرح می سازیم واز مسوولان امور در این گرد هم آیی می خواهیم



گوشه‌یی ازمیز گرد ژوندون که‌پیرامون‌مرحله دوم تطبیق اصلاحات ارضی دایرگردید

دوم اصلاحات ارضی را در این نکات میتوان خلاصه یافت :

١: توزیع عادلانه آب وزمین وبهبود کمی و کیفی حاصل و بالا رفتن سطح تولید به کمك دولت وبه نفع دهقانان به گونه یی که سطح زندگی در بخش های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی بلند رود ودر مجموع مسایل مربوط به انکشاف عمومی کشور ما تحقق یابد .

٢ـ یکپارچه ساختن هر چه بیشتر دهقانان وکارگران به منظور دفاع از انقلاب.

٣ـ پیاده ساختن طرح های علمی به منظور انکشاف سریع زراعت و تضمین

مرحله دوم اصلاحات ارضی این اهداف را به ثمر میرساند :

١ـ ترتیب و تنظیم امور مربوط به اسناد زمین وزمین داری.

٢ـ تامین مناسبات عادلانه در امور زراعتی .

٣ـ ترتیب احصائیه های دقیق زمین در کشور .

٤ـ مساعد ساختن زمینه برای انکشاف زراعت .

در مرحله دوم تطبیق اصلاحات ارضی بصورت مرحلوی با درنظر داشت اهداف بالا این امور به‌انجام میاید:

زمین .

٦ـ حل کردن مسایل مربوط به اضافه جریبی موافق با عدالت اجتماعی .

٧ـ طرح پلان های انکشافی به منظور بالا رفتن سطح‌و حجم تولید زراعتی .

٨ـ تنظیم دفاتر امور زمینداری مانند دفتر ثبت اساسی زمین ، دفتر اساسی مالیه۔ دفتر اساس زمین های دولتی و غیره .

٩ـ تضمین حق مالکیت براساس بیانیه مورخ ده دلو ٥٨ ببرك کارمل رئیس شورای انقلابی و صدراعظم و ماده نزد هم اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان. با رعایت موازین علمی واصولی مرحله

که به ارتباط مسئوولیت های اداری خود آنرا پاسخ گویند .

نخستین سوال از غلام سخی دهقان ولسوالی ده سبز است که از خود شان می‌خواهیم آنرا درمیان گذراند.

غلام سخی :

معین صاحب اصلاحات‌ارضی در گفتار خود یاد آورشدند که سند مربوط به ملکیت زمین تبادله و تجدید میگردد۔ سوال من این است که چرا این اسناد مورد تبادله وتمدید قرار می گیرد ؟

بقیه‌درصفحه۳۳



هوچی مین هنگا میکه جبهه جنگ قوای آزادیبخش ویتنام را رهبری میکرد

بمنا سبت نود مین سالگردتولد هوچی مین فقید

«۱۹ می ۱۸۹۰ - ۱۹۸۰»

زندگی‌نامه‌مختصر هو چی مین

هو چی مین در ۱۹ می ۱۸۹۰ در شهر نگی تین در یک خا نواد ه وطن‌پر ست وروشنفکر که اصل روستایی دا شتند به دنیا آمد. نگی‌تین شهر یست که مردم آن‌سابقهٔ طولا نی مقا ومت علیه استعمار وفیو دا لیزم دارند. هو چی مین از کود کی زیر - تاثیر عمیق محیط اجتما عی وتر بیهٔ خانواد گی خو یش در آمده بود .

هو چی مین در ماه جون ۱۹۱۱ عازم خارج شد و به فرا نسه ودیگر کشور های ارو پا ، آسیا ، افر یقا و امریکا سفر کرد. وی درین شهر ها با کارگرا ن ومر د م تحت استعمار زند گی میکرد ودر حا لی که نظر یا ت گونا گون انقلا بی را مطا لعه می نمود برای گذرا ن معاش کار می کرد. در سال های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ انقلاب کبیر اکتو بر هو چی مین را به دانش انقلا بی رهنما یی کرد وبه وی اطمینا ن بخشید که این تنها را هی است به سوی آزاد ی اجتما عی وملی. در همان سال وی ساز ما ن وطن پرستا ن ویتنا می را تشکیل داد که هد فش ایجاد و حدت میا ن ویتنا می های مقیم فرا نسه بود. وی در ۱۹۱۸ به حزب سو سیا لیست فرا نسه جلب شد در حالیکه در جنبش طبقهٔ کارگر فرا نسه نیز سهم فعال دا شت .

در ۱۹۱۹ وی به کنگر ه وار سا ی پیام مشهور مرد م ویتنا م را فر ستاد که درآ ن از حکو مت فرا نسه تقا ضا شده بود تا حقوق و آزادی‌و تساو ی مرد م ویتنام را به رسمیت بشنا سد .

هو چی مین در دسمبر ۱۹۲۰ در هجد همین کنگر ه حزب سو سیا لیست فرانسه به طر فدار ی از کمینترن تاسیس حزب کمو نست فرا نسه را پیشنهاد کرد . در سال ۱۹۲۱ در تا سیس ساز مان مردم استعمار شده اشتراك نمود ودر ۱۹۲۲ به انتشار هفته نا مهٔ«بی نوا یان در فرا نسه» پر دا خت. در جون ۱۹۲۳ از فرا نسه عازم نخستین کشور سو سیالیستی جهان یعنی اتحاد شو روی گردید وبه مطا لعهٔ دا نش انقلابی ادامه داد و در فعالیت های انتر ناسیو نال کمو - نستی سهم گرفت ودر همان سال در هیات رئیسه دهقانان جها نی انتخاب شد. در۱۹۲٤ در پنجمین کنگرهٔ کمینتر ن اشترا ك نمود و به حیث عضو دیپار تمنت شر ق انتخاب گرد ید ومسوو لیت بخش جنوب را نیز به عهده دا شت ومو ظف بود تاجنبش های انقلا بی مرد م تحت استعمار را رهبری کند .

در جون ۱۹۲۵ هو چی مین جمعیت جوانا ن انقلا بی ویتنا م را ساز مان بخشیدکه هستهٔ آن را لیگ کمو نست تشکیل می داد. وی به افتتاح مجلهٔ جوانا ن پر دا خت و کور سی راباز نمود. که طی‌آن صد ها کادر را برای اعزام و خدمت به وطن تحت تر بیه گرفت .

در ۲ فبروری ۱۹۳۰ هو چی مین کنفرا نس کا ولو (هانگ کانگ) را دا یر نمود که هد فش تو حید گرو ه های‌مترقی‌ویتنام تحت‌نام‌حز- ب‌کمونیست ویتنام بود .

در سال های ۱۹۳۰-۱۹٤۰ هوچی مین در خار ج به سر برد و طی اجرای امور انتر ناسیو نال کمو نیستی جنبش های انقلابی در وطن را تعقیب و دستورا ت با ار زشی به کمیتهٔ اجرا ئیو ی مر کزی حزب می فرستاد .

در سال ۱۹۴۱ هوچی مین پس از ۳۰ سال فعا لیت در خارج کشور به و طن باز گشت و هشتمین پلینوم کمیتهٔ اجرا ئیوی مر کزی را دایر، ودرآن خط مشی حزب را اعلام نمود که ر هنمون به‌کیفیت،جنگ با فرانسوی‌ها ،اخراج جاپانی ها، ایجاد یك جبهه متحد ملی به نام لیگ آزاد ی ویتنا م (ویتنام مین) وتشکیل قوا ی مستعجل، تشدید بخشید ن به مبارزا ت انقلا بی گروه ها وآما د ه سا ختن قیام عمو می به خا طر به دست آوردن قدرت سر تا سری در کشور گردید .

در ۲۲ دسمبر ۱۹۴۴ دستور تاسیس و ا حد تبلیغا تی ویتنا م را به خاطر آزاد ی ملی صادر کرد که در وا قع بنیان اردو ی مرد م ویتنام راگذا شت ودر اگست ۱۹۴۵ در فضای هیجان‌انگیز انقلا بی در استا نهٔ قیام ملی هوچی مین همراه با کمیتهٔ مر کزی ،کنگرهٔ ملی رادار تان ترو دایر کرد. این‌کنگره اورا به حیث رئیس حکو مت مو قت جمهوری دموکراتیك ویتنام بر گزید . وی بعدا فرمان داد تا قیام عمو می برای گرفتن قدرت درسراسر کشور اغاز شود .

در ۱۹۴۵ هو چی مین خطاب به ملت ویتنام وجها ن استقلا ل ویتنا م را اعلا م‌کرد و نخستین دو لت کار گران ، دهقانان را در جنوب شر ق آسیا به نام جمهوری دمو - کرا تیك ویتنا م تا سیس کرد .

ویتنام در اوایل انقلا ب‌به مشکلا ت متعدد رو برو و از هر جانب در محا صره بود فقر میرا ث استعمار جا پا ن وفا شیست های فرا نسو ی زند گی بیش از دو ملیون انسا ن را گرفت . درسپتامبر ۱۹۴۵ دست استعمار گرا ن فرا نسو ی د ر دستکش امپریا لیستها ی امر یکا یی وبرتانوی و کومینتانگ چین دو باره برای از میان برد ن دست آورد انقلاب بر ویتنام حمله کرد و مردم ویتنام با استعمار گرا ن فرا نسو ی در جنو ب وبا مر تجعین چیان کای شك در شمال به نبرد پردا ختند .

در ۱۹۴۶ کنوا نسیو نی بین جمهوری دمو کرا تیك ویتنا م وفرا نسه امضا شد. قشون تا را جگر چیان کای شك از شمال عزیمت کرد ونیرو های فرا نسو ی موا ضع خودرا در ویتنا م گستر ش دادند وخوا ستند آن کشو ر را به این تر تیب تجر ید نما یند .

هوچی مین برای مقا بله با این وضع در دسمبر ۱۹۴۵ اغاز یك جنگ مقاو مت ملی‌را مطالبه کرد وهمراه با کمیته مرکزی حزب، پیکار فرسابنده تمام عیار مقاو مت را علیه استعمار گرا ن فرا نسو ی تا پیرو زی تاریخی دین بین‌فو رهبری کرد .

در جون ۱۹۵۴ قرار نا مهٔ ژنیو امضاء شد وشمال‌ویتنام آزاد گردید و لی امپریا لیزم جهان خوار امریکا بخش جنوب را به مستعمرهٔ جدید تبدیل کرد. هو چی مین و کمیتهٔ مر کزی حزب هم، گروه های مردم رابرای‌تعقیب دوهدف استراتیژیك رهنمایی کرد .

- در شما ل انقلاب سو سیا لیستی و در جنو ب انقلاب دمو کرا تیك خلق .

در سپتا مبر ۱۹۶۰ کنگره سوم حزب دایر شد که درین کنگره هو چی مین به ریاست کمیته مرکزی اجرا ئیو ی‌حزب بر گزیده شد ودو هد ف استرا تیژ یك فوق به‌تصویب رسید .

مردم ویتنا م تحت رهبر ی رئیس هوچی مین و کمیتهٔ مرکزی حزب از جا نبی سا ختمان سو سیا لیزم را در شمال سر عت می بخشید ند و از طر فی جنگ مقاو مت میهنی را بخا طر دفاع از شمال ونجات جنوب علیه امریکای تجاوز گر ادامه دادند .

رئیس جمهور هو چی مین در سوم سپتا مبر ۱۹۶۹ در هفتاد مین سال زند گی‌خویش در گذ شت .

وی یك انقلا بی بزرگ ، قهر مان شنا خته شدهٔ ملی ورز مندهٔ هو شیار جها نی بود که بدون احسا س خستگی رزمید وسر تاپای زند گی رابه وطنش ، به مردمش ، به ارمان انقلابی ، به آزا دی و نجات ملت ها وصلح وعدا لت در جهان وقف کرد .



هوچی مین رهبر ومؤسس اردوی آزادیبخش‌ویتنام است

تصویب اصول اساسی ج،د،ا گام فراخی است درجهت بهروزی

پیوست بگذشته

در اصول اساسی ج ، د ، ا بعد از آنکه وظایف ومکلفیت های دولت در قبال عنعنات ملی ، تاریخی وکلتوری ودینی مردم ما درج شده است و بـرای همه مردم اطمینان وآرامی خاطر می بخشد تشکیل سازمان ها وتشکیلات توده ای را نیز بمثابه متحد کنندهٔ زحمتکشان و وطنپرستان تاکید می‌نماید ، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بحیث نمایندهٔ کار۔ گران ، دهقانان ، اهل کسبه ، کوچیان ، روشنفکران وسایر اقشار وطبقات زحمتکش وملی ودموکراتیک بمیان‌آوردن‌وتقویه وتحکیم وبسط هرچه بیشتر سازمان های اجتماعی ومردمی را بشکل سالم آن از وظایف خـود می شمارد در ماده ششم اصول اساسی‌جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین می خوانیم :«در جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیتهای اتحادیه های کار گری سازمانهای جوانان وزنان ، انجمن های علمی ، کلتوری وهنری وسایر سازمانهای اجتماعی ودموکـراتیک زحمتکشان که در صفوف خویش کار گران، دهقانان ، کسبه کاران ، روشنفکران وسایر اهالی را به مقصد بالا بردن تشکل وارتقای فعالیت های اجتماعی وتولیدی ، تعمیل اهداف ووظایف انقلاب ثور وتامین منافع خاصهٔ ایشان متحد می سازند . تشویق وپشتیبانی می شود » .

جمهوری دموکراتیک افغانستان همانطوریکه در عمل ثابت ساخته است با جدیت وپشتکار فراوان در صدد آنست که اتحاد واقعاً ملـی ودموکراتیک را میـان کلیه اقوام و قبـایل اگر خرد باشد یا بزرگ بوجه بهتر و متـرقی آن تامین نماید وهکذا اتحاد ویکپارچگی همه زحمتکشان همه ملیت هارا جداً در نظر دارد ودر راه آن پیکار بی امان می نماید . چون افغانستان وطن واحد ومشترك همه ملیت ها واقوام برادر ساکن درآنست و همه ملـت ها واقوام اعم ازپشتون ، هزاره ، تاجـك ، ترکمن ، بلوچ ، ازبك وغیره باهم برادر و برابر اند واگر دست های غرض آلـودزیم های فاسد فئودالی وبخصوص حفیظالله امین دژخیم تخم نفاق وپراگندگی را بین آنهـا کاشته، بـزودی درپرتو سیاست واقعاً ملـی ومترقی دولت وکمك وهمکاری مردم شرافتمند افغانستان محو ونابود خواهد شد . هکذا در افغانستان همه پیروان مذاهب دین مقدس اسلام اعم از سنی وشیعه برادر وبرابرهستند وهیچ نوع اختلاف منطقی بین آنها نیست و پلان های شوم دشمنان در ین ساحه نیـز خنثی خواهد شد . در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان بوضاحت روشن ساخته شده است که دولت جمهوری دموکر اتیك افغانستان مطابق به آرمان های والای انقلاب ثور سیاست تساوی حقوق ودوستی برادرانه میان همه مردمان افغانستان را پیش خواهـد برد ومجدانه در راه رشد همه جانبهٔ تمام اقوام وملیت ها وقبایل افغانستان مساعی‌لازمه را بخرچ خواهد داد وحقوق دموکراتیك آنها را کاملا تضمین می‌نماید . وهکذا از بین بردن همه نابرابریهای اجتماعی ، اقتصادی ، کلتوری در تمام نقاط کشور محبوب ما از جملهٔوظایف حزب ودولت ج ، د ، ا بشمار رفته است

خلق کوچی وطن‌مانیز که‌هرگز درگذشته ها توجه بحال شان نشده است بیاد دولت بوده ودر اصول اساسی ج ، د ، ا موکدا تذکار رفته است که دولت برای آنها شرایط بهتر زندگی را مهیا خواهد ساخت وهکذا امکانات استفادهٔ دموکراتیك وراىگان‌شانرا از چرا گاها ی وطن برای حیوانات شان‌مهیا خواهد ساخت .

بخش بسیا ر مهم دیگری در اصول‌اساسی جمهوری دموکراتیك‌افغانستان چگونگی‌سیاست خارجی وهم چنان توضیح موقف افغانستان‌در قبال سازمان های بین المللی ومنشور سازمان ملل‌متحد ، میباشد . جمهوری دموکراتیك افغانستان با پیروزی انقلاب ظفرمند ثـور و بخصوص بعد از ظفر یابی خیزش قهرمانانهٔ ششم جدی ۵۸ در عرصهٔ گیتی بحیث یك کشور صلحدوست عرض وجود کرد وباپیروی از اهداف والای انقلاب مردمی پیوسته درصدد آنست تاباکلیه کشور ها روابط دوستانه داشته وروابط برادرانه وصمیمی موجود میان افغا۔ نستان وکشور های صلحدوست ومترقی و بخصوص اتحاد شوروی را هر چه بیشترتقویه واستحکام بخشیده است این روابط برادرانه که‌به اساس اصول مترقی انتر ناسیونالیـــزم کار گری استوار است بنفع جانبین وصلح جهانی میباشد. عـلا وتا دولت مترقی و ملی ما جداً می‌کوشد تا باهمسایگان خود روابط دوستانه داشته وهمه اختلافات موجود را ازراه مفاهمه ومذاکره حل وفصل نماید . دوستی با ممالك اسلامی نیز مورد توجه جدی‌جمهوری دموکراتیك افغانستان میباشد در ماده دهم اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان چنین تذکر رفته است :

«سیاست خارجی جمهوری دموکـراتیك افغانستان بر تحکیم صلح عام وتام ، انکشاف همکاریهای وسیع بین المللی وحفظ منافع دولتی کشور استوار است . اساس فعالیت سیاست خارجی ج ، د ، ا را اصول همزیستی مسالمت آمیز وسیاست عدم انسلاك مثبت و فعال تشکیل می دهد » .

هم چنان در مواد یازدهم ، دوازدهم وسیز۔ دهم وچاردهم وپانزدهم وشانزدهم این اصول منجمله چنین گفته شده است : «ج ، د ، ا دوستی وهمکاری همه جانبهٔ خود را بااتحاد شوروی وهمکاری ومناسبات دوستانهٔ خـود را با سا یر مما لك سو سیا لیستی بـر اصل همبستگی انترناسیو نالیستی‌توسعه واستحکام می‌بخشد ... مناسبات دوستانه باسایر ممالك بخصوص با ممالك همسایه وتمام ملل مسلمان ... ج ، د ، ا برای حل عادلانه وصلح آمیز تمام مسایل حل نشده موجوده بین کشورهای همسایه ... صرف مساعی می کند .. ج ، د، ا از مبارزهٔ ملل وخلق های جهان برای صلح وآزادی ملی واجتماعی ، دموکراسی ، ترقی وبرضد استعمار ، استعمار نو وامپریالیزم ، بر ضد صهیونیزم ، راسیزم ، فاشیزم تبعیض نژادی واپارتاید پشتیبانی میکند .. ج ، د ، ا بخاطر دفاع از صلح جهانی در جهت خلع سلاح عمومی وقطع مسابقات تسلیحاتی جلو گیری از توسعه اسلحهٔ ذروی از بیـن‌بردن پایگاه های نظامی متجاوز در قلمرو بیگانگان . انکشاف وتعمیق پروسهٔ تخفیف تشنجات بین المللی واستقرار نظم عادلانه اقتصادی بین المللی مساعی بعمل میاورد .. ج د ، ا منشور سازمان ملل‌متحد واصول قبول شدهٔ عمومی حقوق بین المللی را احترام و رعایت کرده ... پشتیبانی میکند ... »

اگر باآندکی دقت به این اصول سیاست خارجی نظر اندازی نمائیم واضح خواهد شد که دولت جمهوری دموکـــراتیك افغانستان پشتیبان حـق وعدالت ومبارزات برحق‌وعادلانه خلقها در سراسر جهان میباشد . وبا هرنوع فعالیت ضد صلح ، ضد آزادی وضد بشری مخالف است .

امروز در افغانستان اشکال متنوع ملکیت ها وجود دارد در اصول اساسی جمهـــوری دموکراتیك افغانستان رعایت حقوق و دفاع از انواع ملکیت های مشروع درج گردیده است اشکال ملکیت هائیکه در افغانستان‌وجود دارد یعنی ملکیت دولتی یاعامــه ، ملکیت کوپراتیفی ، ملکیت خصوصی وملکیت‌شخصی همه وهمه رادولت محافظه می کند منابع مواد زیر زمینی وطبیعی وانرژی ، بانکها موسسات بیمه ووسایل عمدهٔ تولید در صنایع ثقیله، مخابرات رادیو وتلویزیون ، سرکها وغیره منحصر بدولت بوده واز آن حمایت خاص صورت می گیردوهم چنان‌شرکت‌های مختلفه که دولت در آن سهیم است تقویه ، تشویق وحمایه می شوند . ولی باید دانست که دولت هرگز اجازه نخواهد داد تااز ملکیت خصوصی علیه منافع مردم وجامعه استفاده صورت گیرد. در ماده بیست ودوم چنین تذکر رفته است : «دولت ملکیت خصوصی را مطابق به قانون حفظ وحمایت می کند . استفاده از ملکیت خصوصی علیه منافع جامعه ومردم مجازنیست. دولت ملکیت شخصی اتباع را که از طریق مجاز بدست آمده تضمین می کند ..۰ استملاك ملکیت خصوصی در بدل تادیه قیمت مطابق به عدالت اجتماعی وقانون مجاز است ...» .

درقسمت رشد وانکشاف فرهنگ ملی‌ومترقی ورفاه اجتماعی، دولت‌ج،د ، ا توجه‌خاصی‌مبذول می‌دارد ، حمایت ومواظبت از جوانان ایـن سازندگان آیندهٔ کشور نیز تاکید شده است .

بقیه‌درصفحه۴۴

بقیه صفحه ۷

نگرشی کوتاه و شتابنده به دو نشریه ...

«طفل و مادر » ما هنا مه تازه است کـه ریاست کو دکستا نها ی وزارت تعلیم‌وتربیه امتیاز نشر آنرا بد ست آورده و شما ره اول ودوم آن دریك مجله ـ هفتاد ودو صفحه به قطع ۳۲ر ۲۴ سا نتی متر در چها ر رنگ ازچاپ بر آمده است .

با تو جه به و ضع نا بسا ما ن کود کان ومادرا ن در کشور ما واز دیاد روز ا فزو ن وا قعا ت مرگ ها ی نا بهنگا م کود کان نوتولد تا پنج ساله و مـــادران حـــا مله وشیرده که نتایج شوم و رقت آور فقر ـ بیسواد ی ـ عد م آ گا هی صحی ، عد م شرایط زیست صحی ، عدم امکا نا ت تا مین حفظ الصحه فردی و خا نوادگی و محیطـــی کمبود مواد غذای ودر مجمو ع ناهنجـــاری هایی است که تما م کشور ها ی عقب نگهداشته شده جهان سوم باآن روبرو انـــد میتوا ن تصور کرد که نشر مجله یی که محتوا ی آنرا مو ضوعا تی پیرا مو ن مسایل مربو ط به کود ك و مادر تشکیل دهد از چه ارزش و حیثیتی بر خور دار است .

در شرایـــط کشور ماکه خـــان سا لا ری در جریان سده های فر وان حکمر وایـــی خود و ضوابط نا انسانـــی اش فقروبیسوادی وبیماری رابـــه عنـــوان یك ارمـــغان شوم به میراث گـــذ اشته تا جایی که سی و پنج در صد کود کان ما به خـــا طر ابتـــلا ی بـــه بیماری هایش از سن پنج سا لگـــی پد رود حیا ت میگو یند و مادری که در جریا ن ازدواج تا مر گش ۹ کودك را ولادت میکنـد اما در زمان مـــر گ بیش از چهار فـــرزنـد ندارد ـ طبیعی است که در پهلو ی‌فرا هم آوری زمینه ها ی مسا عد و قایوی ومعا فیت کتلوی و جلو گیری از بیما ری ها بـــه وسیله وا کسین آ گا هی رسا نی به مردم وجلب همکاری آنان در برنامه‌ـ های پیشگیری امراض و تامین سلامتی با تصمیم بخشیدن هرچه بیشتر دانش پـر و رش با صحت‌وطفل مراقبت ها ی ضروری وبه مو قع مادر ازاولیت های با اهمیت به شما ر میا ید .

شنا خت روا ن کود ك و تو جه بـــه پرورش آن مسا له دیگری است که بـــا جلو گیری از انواع عقده ها و نا را حتی های رو حی و عا طفی در وا قع میتوا ند خـــوش بختی وبه زیی سالم اجتماعـــی اورا در ادوار زند گی اش تضمین کند چه صحت در تا ز ه ترین تعریف آن که سازما ن‌صحی جهان ارائه داشته است صرف در عدم مـــوجو ـ دیت بیماری ای جسمی خلاصه نمیگـــر دد و بهبود نا م حا لات بدنی‌ـ روا نی واجتما عی راشامل میگـــردد ومجله «طفل ومادر» بـــادرك ایـــن واقعیت ها وپذیرش محتوای اطلا عاتی در زمینه ها ی با لا به خوبی میتوا نـــد نشریه یی مفید برای خا نواده ها و مادران با سواد ما تلقی گر دد .

دوکتور اناهیتا راتبزاد وزیر تعلیم و تربیـه در یك بخش از پیا می که به این نشریه ار سا ل داشته ودر صفحا ت او لی آن به چاپ رسید ه است مشی نشرا تی «طفل‌ومادر» را چنین تو ضیح میکند :

« ... هدف نشر مجله «طفل ومادر»آشنا ساختن هـــم وطنـــان به اوضاع مادر وکودك درکشور های مختلف جهان و منجـملـه‌کشور رنج کشید ه وبلا دید ه ما ست ، تاامکان بد ست آید که به خا نواده ها ، معلما ن مکا تب ، مر بیو ن و استا دان و طن‌محبوب ما افغانستا ن جهت تر بیت و پرورش بهتر کو د کان رهنما یی هـــا ی لازم صـــو رت گیرد ...» .

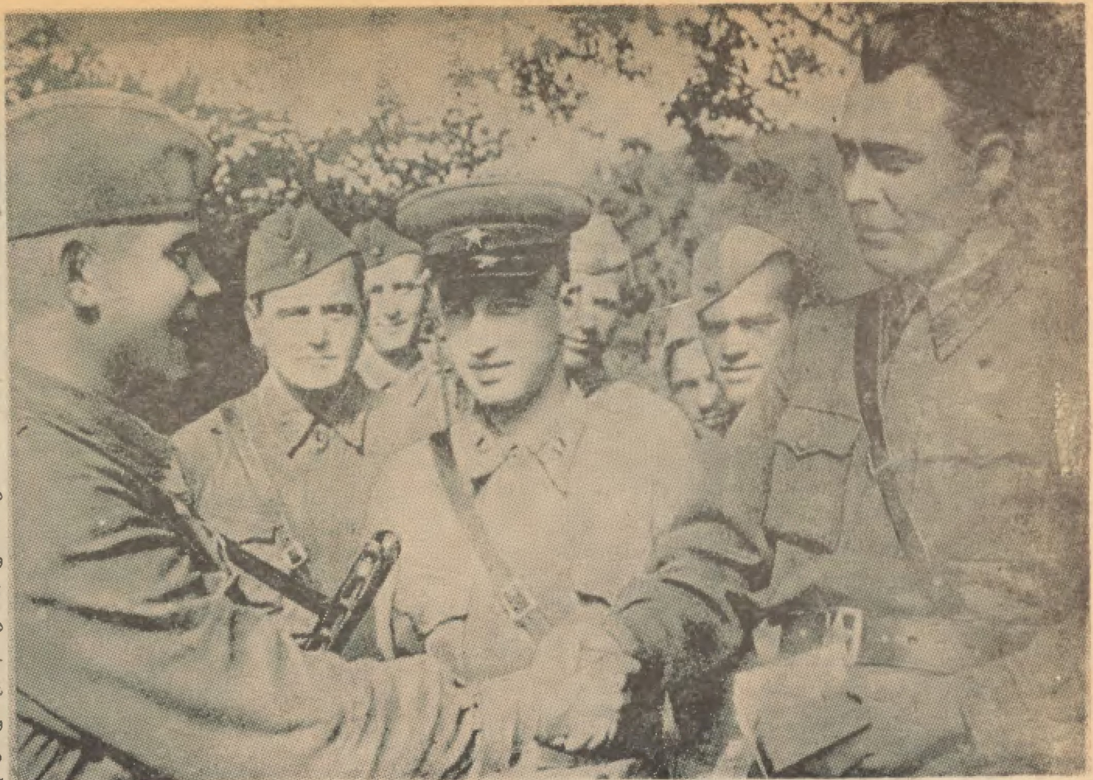
شما ره اول و دوم «طفل و مادر » بـــا مطا لب و مقا لا تی پیرا مو ن چگو نگی واهدا ف تر بیتی طفل ، هو شید اری و آ گاهی دهی به مادرا ن در زمینه مسا یل پرورشی، مسایـل روانـــی و تز ئینی، راپور تـــاژ هـــا ونگا ر ش ها ی سود مند دیگر انشا ئد ه این مو ضوع است که گر دانند گا ن آن مکو شند هر چه بیشتر روی هد ف نشراتی خود استوار بمانند .

نکته دیگر در مورد نخستین شما ره «طفل‌و مادر » این است که صفحا ت رنگین وکلیشه

بقیه‌درصفحه۴۵

کمیسار بریگاد ل . ی . بریژنف کارت عضویت حزب کمونست اتحاد شوروی را به الکساندر مالوف می دهد (سپتمبر ۱۹۴۲)





تتبع ونگارش

از عبد الله بشیر شور

نهم می
روز شکست فاشیزم

روز ها می آیند و می روند، و تاریخ بشری را ورق میزنند. روزی باخط زرین ودرشت وروزی با خط سیاه اعمال ، رفتار ، کردار بشررا ثبت می نماید .

در حساب طبیعت هر روز روزی بشمار میرود . هر روز روند تازه وموثر به زندگی فردی واجتماعی بشر ،واردنموده و هر روز از نظر اهمیت کیفی وصوری خود مشخصه وممیزه معنی بخود میگیرد .

روز ها تمایزات وتفاوتهای دارند که نقش آن در اذهان انسان متناوب ومتمایز میباشد واین تفاوت ها وتمایز ها از حیث قوت اثر کمیت و کیفیت های خود حافظه بشری یعنی تاریخ رامتناسبانه زیر تاثیر در می آورد .

روز نهم می از آن روز هایی می باشد که تاثیر آن در تاریخ بی نظیر وکمیاب است. روز نهم می یک روز چرخش تاریخی یک روز موثر بر سرنوشت بشریت است. روز نهم‌می آن روزی است که فاشیزم نازیزم ، هیلتریزم با قدرت خلاقه‌یی جنگی با خارقه «بلتسس کریک» (جنگ برق آسا) ضربه جهان آزادی خواه را فرود آمده از مشت آهنین دنیای صلح طلب را برپیکر خود خورد . در آن روز بود که هیولای جنگ وتباهی عالم انسانی از پا در آمد . هیولای جبر . ظلم ، زور با همه قدرت خود بر افتاد ونابود شد.

این مختصر گنجایش آنرا ندارد که بتوان آنچه آن کابوس وحشت از بشر میخواست ویا آنچه رابشر از دهشت آن برداشت توضیح نمود. ولی متذکر باید شد که د راین جنگ تحمیلی بر جهان از طرف باند های فاشیزم جهانی در حدود پنجاه الی شصت ملیون انسان تلف ونابود گردید .

دنیای فقیر ، دنیای مبتلا به امراض ، دنیای پر از مرگ ومیر های فاقه قحطی زده گی وبرهنه ما مبلغی معادل به بیشتر از چهار الی پنج بلیون دالر را که اگر بر هر فرد جهان آنروز تقسیم میشد فی سیر مبلغ چهارده‌هزار ودو صدو هشتاد دالر حدوسطی بهره میرسید که به نرخ وقیم همان‌سالها شاید ملیونها بشر مبتلابمرض قحطی وهزاران بلای‌دیگر را بدرمان میرسا ند .

در این جنگ ملیونها پدر بی اولاد، ملیونها زن بی شوهر و ملیونها فرزند بی پدر بی ما در گردیدند وبسر نوشتهای شوم گرفتار وسربار جهان در گیر بسا بلایا ومصایب بی حساب گردید.

در روسیه شوروی ، در آلمان نازی در سرا سر اروپا وجهان ویرانی وخرابی حدود وشغوری نداشت .

در روز نهم می مردم اتحاد شوروی جماهیر تازه‌بنیاد وجوان اتحاد شوروی که در گیر در جبهه اول دفاع ومبارزه این جنگ عالم سوزبودند وارد برلین مرکز فاشیزم جهانی آنوقت گردید. قشون سرخ قشون تازه تشکیل یافته اما قشون متشکل از مردم ، بر این را فتح نمود .

مردم‌اتحادشوروی در صفوف قشون سرخ این جنگ‌را به نفع خود و بنفع مردم جهان خاتمه دادند ومظفر وسرخرو بر آمدند .

این فتح را اتحاد شوروی به قربانی : بیست ملیون مبارز، ویرانی‌یکهزارو هفتصدو ده شهربا نفوس وسطی هر کدام در حدود پنجاه هزار ، نابودی هفتاد هزار قصبه وده و دو ترلیون دالر خساره مالی برای شان کمایی نموده‌ رسال روز نهم می را جشن می گیرند ، این روز را سی مملکت اروپایی ،آسیایی وامریکایی تجلیل می نمایند .

آری این روز مبدا تاریخ تازه را در جهان بشریت آزاد ، آزادی خواه‌و نقطه چرخش وگرایش را از تیره گی بروشنی واز ظلم به عدالت ارمغان آورد . از این روز بود که آرزو های جهانی ، خلق جهان بسوی افق تازه وامید های درخشان دید . از این روزبود که تحقق آرمانهای بشریت صلح خواه جان یافت . از این روز بودکه دنیای کهنه ما به نو گرایی آغاز نمود و:

۱ــ سیستم زندگی اجتماعی مسیر سوسیالیزم را در پیش‌گرفت

۲ـ اصول اساسی برای براندختن امپریالیزم عملا تنظیم گردید .

که در نتیجه آن یکصدو سی مملکت با ستقلال نایل آمد ند از جمله این تعداد هشتاد دو کشور آن راه رشد غیر سرمایه داری را پیش گرفته وبیست ودو مملکت مستقیما وارد جهان سوسیالیزم گردیدند وراه ترقی وپشرفت را اختیار نمود ند .

۳ـ نهضت های انترناسیونال سوسیالیزم در عالم پهن گردید که نظر به احصائیه موثق امروز در جاپان در هر پنج نفر یکنفر در ایطالیا ثلث نفوس ودرهسپانیه وفرانسه تعداد آنها چشمگیراست.

در نودو سه مملکت جهان‌متناسبا با نفوس‌آن‌بیشتر از شصت الی هفتاد ملیون اعضای این حزب عالمگیررسیده است .

٤ـ فتح وظفر الجزایر بر فرانسه وحصول استقلالش ، غلبه کانکویی هابراستعمار، جنگهای‌قهرمانی ، انگولا ، ممالک زامبیا ،روندا روندی ، موزمبیق وغیره درافریقا جنگهای ممالک امریکا ی لاتین‌علیه استعمار ، فتح وغلبه ویتنام‌قهرمان بر امریکای مدعی در جبهه اول قیادت جهان وبالاخره انقلاب بهای حبشه ،ایران وزمبابوی با مبارزات افتخارآمیز آن ، کیوبای آزاد و مبارزات پر افتخار وقهرمانی‌آن.

٥ـ از آنجمله است انقلاب بزرگ وبر گشت ناپذیر ثور۱۳۵۷ ومرحله نوین آن در وطن ما افغانستان عزیز .

دیتا نت به آنها مجال نخواهندداد، ولو که آنها با دست و پای مذبوحانه در تلاشند که :

۱ـضد سوسیالیزم تبلیغات جاهلانه‌راه اندا خته وبخواهند‌آفتاب را با دو انگشت بپوشانند.

آنها مصارف هنگفتی را در این راه از طریق وسایل دسته جمعی به مصرف میرسانند که نمونه بارز آنها صداهای امریکا و بی‌بی‌سی وغیره می باشد .

۲ـ جنگ سرد را دامن زده و میزنند وبه بهانه هـای گوناگون اغراض شوم خود را می خواهند بکار برده وجنگ گرم‌راتهیه ببینند.

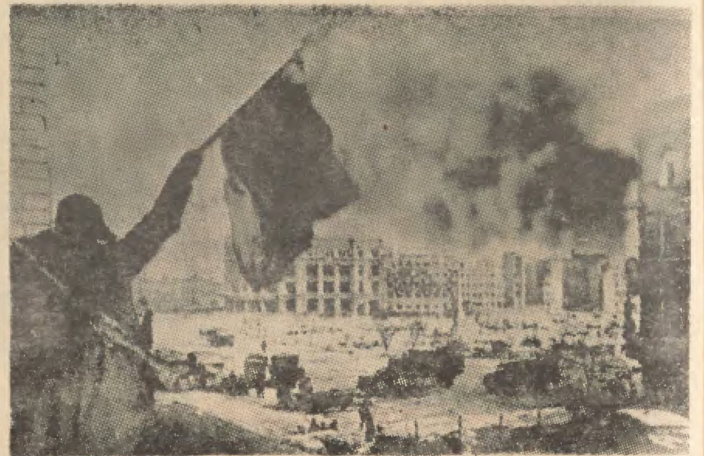
۳ـ مداخله مستقیم وغیر مستقیم در امور داخلی ، خارجی وحقوق

وصد ها مورد دیگری که دنیای ما را بشما هراه ترقی رهنمون گردیده است .

از جانب دیگر ودر جبهه مخالف این جنبشها ونهضتهای ملی روح دیو استعمار که‌با نتقال‌از کالبد هیولای فاشیزم هتلری ملیتاریزم جاپان آنوقت ، ایتالیای موسولینی وبالاخره انگلیس با قدرت چهار صد ساله استعمار به بدن امریکای‌سرمایه‌داروچین سوسیال شوو نیست یا مرتد انترناسیونالیست ، وعده دیگری از مرتجعین بین المللی حلول نمود که مـی‌خواهند بار دگر جهان را بروز سیاه وفلاکت بار بکشانند .

مگر جهان آزاد ،جهان مترقی . جهان آزا دی خواه وجهان ترقی طلب ز مبا رزه خودبا صفوف‌فشرده باسعی در خلع سلاح ،کو شش بین المللی ممالک آزاد جهان وجهان سوم . از جمله به بهانه اوضاع در افغانستان اتحاد نا مقدس امپریالیزم امریکابسرکر ده‌گی کارتر، ماویزم چینی به سردمداری هواکو فنگ‌و هوا نگهوا وارتجاع سیاه پاکستان ودیگران‌می خواهند انقلاب‌مارفاه وآرامش ماوراه ترقی و بیشتر فت مارا بخطرمواجه‌نمایند ولی‌انقلاب ما بر گشت ناپذیر بر آرامش ورفاه ما با تضمین آینده وترقی وپیشرفت مابا قاطعیت روان است ودر مسیر حوداز هیچ چیز نمیترسد .

ماروز نهم می را در حالیکه بهمه جهان آزاد و صلح‌دوست تبریك می گوییم بد شمنان آزادی ترقی‌و زیست با همی ملل دنیا آیینه عبرت قرار داده به آنهااخطار وهوشدار میدهیم تا با خود ، با ما بادنیای بشریت با آتش بـازی نکنند والا خود را بیشتر از همه به آتشی که می افروزندخواهند سوخت .



دوم فبروری ۱۹٤۳ گروه هـای‌دشمن در محاصره استالینگراد

بمناسبت پیـروزی ار دوی‌شوروی بر فاشیزم

مختصریادداشتی ازوقایع مهم جنگ دوم جهانی

شب سی‌و یك مـاه اوت ۱۹۳۹ بعد از طنین شلیك تیر، در راديوی لهستان ، پس از تصرف راديو لهستان توسط سه نفر بد ستور هتلر در رادیو به زبان لهستانی اعلام‌نمود ند که :(موقع جنگ لهستان علیه آلمان‌فرا رسیده)و این یك رمز هتلری بود . به این بهانه در اول سپتامبر به لهستان حمله آغاز گردیده وبتاریخ (۳۰) سپتمبر ساعت یا زده صبح‌انگلستان که با لهستان قرار داد همکاری داشت به آلمان اعلان جنگ داد. و پس از شش ساعت فرانسه نیز همین عمل را انجام داد. وبدین ترتیب جنگ دوم جهانی‌آغازگردید. واین پلانها در کتاب هتلر بنـام «ماین کامپف» صریحا تحریرشده بود .

داد گاه بین المللی نظامی‌نورنبرگ این توطئه را علیه بشریت ارزیابی نمود و هتلر قبلا ضمن نقشه های توسعه‌طلبانه تصرف شوروی وکشور های دور دست را منظور اصلی خو یش تعیین‌نموده بود که در اوایل دول غربی ، امریکا انگلستان وفرانسه در مقابل این سیاست هااغماض می نمود ند .

نقشه فاشیست ها اول گرفتن کشور های پوشالی کوچك اروپای مرکزی واروپای جنوبی شرقی وشمالی بود . بعد از وارد نمودن اولین ضربه از آن فرانسه ،و انگلستان حساب شده بود تا بـا توانایی هر چه تمامتر اتحاد شوروی را منهدم وبخاطر فرمانروایی درجهان از اروپا به نقاط دیگر سوق اداره صورت گیرد . وبعد ازتصرف افریقامقدمات جنگ‌علیه‌ایالات متحدهٔ امریکا در نظر گرفته شده بود.

نقشه ای بنام « بار با روس» عنوان نقشه حمله آلمان فاشیست‌به اتحاد شوروی بود . که پس ازاجرای‌آن نقشه به اساس دستور العمل شماره سی‌و دوی هتلری در ماه‌جون ۱۹٤۹ افریقا میدان تا ختوتاز پیشبینی شده بود تا هندوستان را فتح نما یند . چندی بعد بین‌آلمان وجاپان سندی به امضا رسید که مفاد آن تقسیم منطقه و نفوذ دورا‌ـهزن امپریالیستی را در خطوط مداری هفتاد درجه طوالبلد شرقی پیشس بینی نمود ەبود بدین ترتیب تمام افریقا به آلمان وایتالیا وبخش شرقی ، هندوستان به جاپان واگذار میگرد ید .

در بیست‌و سه ژوین ۱۹٤۱حمله به اتحاد شوروی آغاز گرد ید وآلمان هاآرزو داشتند بعد از جنا یات وانسان سوز های که‌رهتو شده تجاوز ایشان بود هفت نوامبریعنی روز انقلاب اکتبر در مسکو به رژه بپردازند ولی مو فـق نشد نـد، زیرا مدافعان مسکو تاپای جان ایستاد گی کردند . وشعار (همه چیز برای پیروزی)شعارمردم‌شوروی شده‌بود .

قوای شوروی در سال ۱۹٤۱ با از دست دادن وسایل‌فنی جنگی

لطفاً ورق بزنید

بطرف وا لگا عقب نشینی نموده و لیننگراد در آتش محا صره مبارزه می‌نمود .

جنگ تا در وازه های استالینگراد دامنه دار شد و در ۹ نوا مبر ۱۹۴۲ حمله متقا بل قوای شو روی شروع وچهار روز بعد سر بازان هتلری در یك حمله گا زا نبری بدام افتاد ند . وجر یان جنگ از بیخ وبن تغییر کرد .

تا سال ۱۹۴۳ شور وی مبدل به یك اردو گاه جنگی شده بود . سال ۱۹۴٤ به سال طرد گا ملی قــوای آلمان فا شیست از خاك شو روی مبدل گرد ید . وبعد از این پیرو زی های چشمگیر شور وی در اخراج و شکست نیرو های فا شیستی در روین ۱۹۴٤ قوای امر یکا انگلیس در فرا نسه پیا ده شده وجبهه دو م را افتتاح نمودند .

سر بازان ارتش پیروز مند سرخ پس از بیرون را ندن دشمن ازخاك شوروی به اجرا ی وظا یف آزاد بخش خو یش در ارو پا پرداخت وملل لهستان ، یو گوسلاویا، چکوسلواکیا، بلغارستان ، مجار ستا ن و رومانی را از یوغ فا شیسم آزاد سا ختند .

هشتم ماه مه آلمان فا شیست تسلیم شد جشن نهم ماه می وجشن پیروزی بر فا شیسم در سرا سر جهان تجلیل گرد ید .

کنفرا نس تهرا ن :

اتحاد شو روی بعد از سر راست کردن در مقا بل فا شیزم وبعد از تعقیب فا شیست ها در ا خراج از شوروی وپیروزی های چشمگیری که به همت سربازان سرخ نصیب اولیـن کشور سو سیا لیستی جهان شده بود. در جر یان جنگ خوا هــان افتتاح جبهه دو م جنگ علیه فاشیزم در شمال فرا نسه بود و لی این کار در سال ۱۹۴۲ عملی نشده و سال ۱۹۴۳ نیز همینطور گذ شــت تا اینکه مقد مات کنفرا نس وزیـران خارجه اتحاد شو روی انگلستان ایالات متحد ه امر یکا در جر یان بود ومکا تیب بین استا لین ، روز ولت وچر چیل تباد له میگرد ید تا کنفرانس بین آن ها در مناطق پیشنهادی طر فین دایر گردد وتصمیما تی در مبارزه علیه فا شیزم اتخا ذ گرد ید که بعد از طی زمانی پیشنهاد استالین مبنی بر تشکیل کنفرا نس در تهران، در پر تو پیرو زی های شوروی در ارو پا در تهر ان دا یر گردید.

استا لین درجواب پیشنهاد ات روز ولت در پیام تا ریخی نزده اکتبر وی نو شت(متا سفا نه من نمــی توانم هیچیك از نقاط پیشنها دی را بجای تهران بپذیرم درین مورد کار مر بوط به حفا ظت نیست زیرا این مو ضوع مرا ناراحت نمی سازد .)

در ین کنفرا نس که در خــزان ۱۹۴۳ در تهران دایر گرد ید در باره افتتاح جبهه دوم به توا فــق رسیدند که درسال ۱۹۴٤ جبهه دوم در فرانسه مفتوح شد .

نگا هی به چند جبهه جنگ در شوروی :

یك از تنس ششصد وشصت هزار نفری به شهر استا لینگراد حملــه نمود ند . عملیات جنگی در اطراف این شهر دو صد شبا نه ادا مــه میافت ومسا حت صد کیلو متر را در بر گر فت .

خانه. پا ولف که پنجاو هشت شبانه روز مقا ومت قهر ما نا نه نمود از جمله یاد گا رهای تا ریخی وفراموش نشد نیست. ششم ماه سبتمبر ۱۹۴۱ لنینگراد در حلقه محا صره کامل قرار گر فت نهصد روزوشب تمام از این شهر دفاع گرد ید ولی تسلیم نشد . شتصدوچهل و یك هزار نفر از قحطی مردند . در هجده ژوییه ۱۹۴۳ حلقه محا صره شکاف برداشت ودرژا نو یه سال ۱۹۴٤ حلقه محاصره رابکلی درهم شکسته وازبین بردند.

وبرای مردم جهان این پیرو زی معما بود، معمای که اصــلا وجود نداشت زیرا : این مردم بود ند وشهری بزرگ، شهر متفکر شهر مبا رز یکه بر قوای اشغا لگر فا شیست بر تری حاصل نمود .

لنینگراد سی و هشت ملیا ردروبل خساره بر دا شته بود بر علا وه اینکه هزار ها نفر بخا طر دفاع اش جان سپرد ند .

ماه سپتا مبر ۱۹۴۲ استالینگراد مورد حمله فاشیست‌ها قرار گرفت تنا سب قوا بین شوروی وآلمان در شهر استا لینگرادیك بر سه بود. وشهر یکصدو چهل وسه روزجنگید ولی تسلیم نا پــذ یربا قی ماند .

یك سر با ز شو روی در نبرد استا لینگراد می نو یسد :

بقیه در صفحه ٤٤



این اطفال در جنگ علیه نازی‌هـا والدین شانرا از دست داده اند.



سربازان شوروی بعد از فتـــح وپیروزی بر فاشیزم با خوشحالـی زاید الوصفی یکدیگر را در آغوش گرفتند .

بقیه صفحه ٥

اعلامیهٔ حکومت...

آنجمله به عقیده جمهوری دموکراتیک افغا- نستان می توان از اتحاد شوروی وایالات متحده ی امریکا نام برد ...»

اینک باز هم یک آزمون تاریخی دیگر در برابر کلیه دولی که در تشنج اوضاع منطقه ذیدخل اند . یعنی هم آن کشور هائیکه با تحریک وتسلیح دیگران در امور داخلی کشور ما مداخله می کنند وهم آن کشور هائیکه از خاک شان عناصر ضد انقلابی را صادر وبه ماجرا جوئی وقتل وقتال وا میدارند .

هکذا در اعلامیه تذکر رفته است که : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام میدارد که در چوکات حل سیاسی سوال بیرون شدن قطعات محدود نظامی اتحادشوروی از افغانستان نیز باید حل گردد ، قطعوتضمین اینکه تجاوزات نظامی وسایر اشکال مداخلات در امور داخلی افغانستان تکرار نشود وعواملی را از بین میبرد که حکومت افغانستان رابر آن داشت تاآز اتحاد شوروی تقاضای اعزام قطعات متذکره رابه قلمرو خودبعمل آورد.»

آری اگر به رویداد های دو ساله اخیریعنی بعد از به پیروزی رسیدن انقلاب شکو همند ثور وبخصوص بعد از ٦جدی ٥٨ بدقت نظر اندازی شود بخوبی درک خواهد شد که مردم افغانستان بدون اینکه در امور داخلی کدام کشور دیگر مداخله نماید ویا منافع خلق

با سرو صدای وسیع تر از قبل وبا دروغ های شاخدار به تبلیغات سوء خویش ادامه دادند- امپریالیزم درین گیرودار پابه اصطلاح آب را گل آلود ساختن وماهی گرفتن پرداخت ، منطقه خلیج وبحر هند را بمثابه پایگاه های خود دانسته ودرآنجا ها انواع اسلحهو مهمات را جابجا نموده ودر اروپای مرکزی نیزسیاست ضد صلح وسوق اسلحه وجابجا ساختن مرمی هارا عملی نمود واین موضوع باعث نگرانی های وسیع ممالک ومحافل صلح جوی جهان گردید چنانچه در اعلامیه حکومت ج،د،ا به این موضوع چنین اشاره شده است : «حکومت جمهوری دمو کراتیک افغانستان در حالیکه در نگرانی سایر دول نسبت به‌افزایش موجودیت نظامی ایالات متحده در بحرهند وخلیج فارس شریک میباشد ، پیشنهاد های مربوط به تبدیل این منطقه را بیک منطقه‌ی صلح وانحلال همه پایگاه های نظامی درآنجا حمایت نموده از تدابیری که بغرض کاهش تشنج واستحکام امنیت آن اتخاذ می گردد پشتیبانی می نماید ..»

لذا اینک‌دولت‌انقلابی‌ما‌بابه‌پیش کشیدن‌اعلامیه ٢٤ ثور ٥٩ یکبار دیگر به همه جهانیان‌اذعان میدارد که‌اگر مداخلات وتحریکات ضد دولت ومردم وانقلاب افغانستان ختم گردد سوال موجودیت قطعات محدود اتحاد شوروی نیزحل

ارتجاع خیال برگشت مردم افغانستان را ازین راه در سر می پرورانند ، کور خوانده انـد چنانچه در مقدمه اعلامیه‌ی مذکور گفته می شود . «مردم افغانستان با انقلاب ملی ودمو- کراتیک ثور ۱۳۵۷ راه نهایی خود را انتخاب ومسیر ایجاد یک جامعه‌ی نوین مبتنی براصول مساوات وعدالت وجامعه‌ی فارغ از استثمار فرد از فرد را در پیش گرفتند جامعه‌ی نویـن افغانی بر مبنای احترام عمیق ورعایت عنعنات ملی، تاریخی، فرهنگی ومذهبی‌خلق ما وبر پایه‌ی رعایت جدی اصول دین مقدس اسلام وآزادی مناسک مذهبی طوریکه قانون برای مسلمانان تضمین‌می نمایداستوارخواهد بود..»

دولت وحکومت جمهوری دموکـراتیک افغانستان باانکا به اراده‌ی خلل ناپذیر خلق افغانستان بصورت مصممانه از انقلاب ثور ودست آورد های انقلابی آن دفاع می کند ولی بصراحت اظهار می گردد که این همـه آمال را با بوجود آمدن شرایط صلح ودوستی باهمه کشور ها بخصوص کشور های همسایه ومسلمان خود ، بوجود آورد . روی همیـن ملحوظ بصورت مشخص وفور مو لبندی شده در اعلامیه در مورد حسن نیت خو یش در قبال کشور برادر ایران چنین می گویند : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حکومت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می نماید تا برای طرح یک موافقت نامه‌ی مناسب بخاطر انکشاف مناسبات دوستانه وهمه جانبه وهمکاری بنفع جانبین میان دو کشور مذاکره آغاز گردد ...» .

جمهوری دمو کراتیک افغانستان بـا بــه پیروزی رسیدن خیزش ظفر مند جدی ٥٨ در همان اوولین روز ها باکمال حسن نیت واحترام دست دوستی وبرادری خود را بسوی برادران هم کیش وهمسایه‌ی ما ایران دراز نمود و بهترین مظهر این حسن نیت واحترام همانا پیام برادرانه وپر از خلوص نیت ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دمو کراتیک افغانستان عنوانی حضرت آیت الله روح الله خمینی رهبرجلیل- القدر مردم وانقلاب اسلامی ایران میباشد .

در مورد پاکستان هم باید متذکر شـد همانطوریکه در بیانیه‌ی ملی وتاریخی ٦جدی ٥٨ بکمال صراحت اراده‌ی نیک مردم افغانستان در قبال مردم برادر وهمسایه‌ی ما پاکستا ن متجلی بود اینک در اعلامیه اخیر حکومت ج ، د ، ا در مورد پاکستان اینطور آمـده است : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغا- نستان هم چنان به حکومت پاکستان پیشنهاد می‌نماید تا برای طرح یک موافقتنامه دوجانبه در مورد عادی ساختن مناسبات بین افغانستان وپاکستان مذاکرات دایر گردد ...».

دولت انقلابی افغانستان هکذا تذکر میدهد که به همه کشور های مورد بحث باید آمادگی کامل خود را برای ایجاد روحیه وروبه‌ی‌متقابل احترام بیکدیگر ، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ، مراعات اصول حسن هم جواری و همسایگی نیک وتعهد قطع فعالیت های‌خصمانه منجمله فعالیت های مسلحانه علیه دیگـر کشور ها را ، اظهار بدارند .

جمهوری دموکراتیک افغانستان بخصوص پس از مرحله‌ی نوین انقلاب ثور هر آنچه‌که گوید عمل می‌نماید لذا به تاس از همیـن

اصل قراریکه دراعلامیه‌ی حکومت افغانستان مورخ ۱۱ جدی ٥٨ واعلامیه های بعدی عفو عمومـی همه هموطنا نیرا که بنا بـر دلایلی خاک وطن را ترک گفته اند باید به وطن بـاز گردند اینک درین اعلامیه (اعلامیه‌ی ٢٤ ثور ٥٩) یکبار دیگر روی این موضوع تاکیـد بعمل آمده است وهم چنان حکومت افغانستان از کلیه کشورهای همسایه‌بخصـوص حکومت پاکستان تقاضا دارد تا برای عـودت ایـن هموطنان ما شرایط لازم را مهیا سازنـد .

هکذا دولت انقلابی افغانستان آماده است تا بمجرد وصول به حل مشکلات ومخاصمات کلیه مسا ئلی را که‌ازسالها به اینطرف بین اووهمسایگانش لاینحل باقی مانده مورد بحث ومذاکره قرار داده وراه حل های اصولی وصلح آمیز را درین موارد جستجو نماید . البتـه باید دانست که‌پیش کشیدن شرط قبلـی، جهت شروع مذاکرات وحل اختلافات مـورد قبول دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان نخواهد بود . در ماده پنجم اعلامیه‌ی ٢٤ ثور ٥٩ چنین آمده است : «حکومت جمهوری دمو کراتیک افغانستان عقیده دارد که گذشته از یک سلسله موافقات دو جانبه بین‌افغانستان وپاکستان و افغـانستان و ایـران ضمانت‌های لازم سیاسی از طرف بعضی دولی که بـرای افغانستان وسایر جانب های داخل در موا- فقات دو جانبه قابل قبول باشد باید جـزء لاینتجزای حل سیاسی محسوب گردد . که‌از

های کشور های دیگر منجمله ممالک همسایه‌ی خود را متضرر ساخته باشد اراده نمود تا بـا در پیش گرفتن راه رشد مترقی وآزاد در جاده بهروزی وخوشبختی به‌پیش بـرود‌ولی نیرو های ارتجاعی وامپریالیستی با بهانه های دروغیـن ودور ازحقیقت نه تنها باین اراده‌ی آزاده خلل ناپذیر مردم ما مخاصمت ورزیدندبلکه عملا درین راه با مداخلات ، دسیسه هاوتوطئه ها سنگ اندازی نمودند . مردم افغا نستان بنا به اراده‌ی آهنین وخلل ناپذیر خویش تا توان داشتند علیه این توطئه ها اقدام و آنرا خنثی نمودند ولی مداخلات دشمنان صلح وترقی وپیشرفت بحدی شدت ووسعت یافت که‌تمامیت ارضی، استقـلال مـلـی ، آزادی وبالاخره انقلاب ثور ودست آورد های آنرا بامخاطرات جدی مواجه ساختند ، مردم ودولت افغانستان بنا بر درک این حقیقت که اتحاد شوروی همسایه‌ی نیک ، صلح جو ومدافـع صدیق نهضت های‌مترقی ورهائی‌بخش درجهان می‌باشد وهکذا بادرنظر داشت معاهده دوستی، حسن هم جواری وهمسایگی نیک منعقده‌بتاریخ قوس ٥٧ از اتحاد شوروی تقاضای کمک ها منجمله کمک نظامی نمودند که این خواست برحق طرف پذیرش کشور دوست اتحادشوروی واقع شد . امپریالیزم وارتجاع وعظمت‌طلبان جهانی که این کمک مشت هائی شانرا بازنمود وهمه نقشه های شانرا نقش بر آب ساخت‌لذا

خواهد شد وبه موجودیت آن ضرورت احساس نخواهد شد . این چلنج بسیار شریفانه و صلح خواهانه وصادقانه است ، هر گاه نیرو های امپریالیستی ، ارتجاعی وشوونیستی‌واقعا حرف وعمل شان فرق ندارد واز مو ضوعات صرف بهره برداری نمی نمایند به این‌خواست انسانی لبیک خواهند گفت .

دولت جمهوری دمو کراتیک افغانستان هم چنان مساعی سایر کشور ها را در راه تامین امنیت واستقرار در منطقه مورد تائید وتمجید قرار میدهد چنانچه در اخیر اعلامیه‌ی مذکور درین مورد چنین گفته شده است :

«.. حکومت افغانستان مساعی سایر دولت هارا به منظور آسان ساختن راه برای آغاز مذاکرات سودمند میداند . به این ارتباط حکومت جمهوری دمو کـراتیک افغانستان ابتکاری را که توسط جمهوریت کیوبا در صلاحیت آن بحیث رئیس جنبش عدم تعهد بعمل آمده وهم چنان مساعی‌جمیلـه‌ی آن ـ جمهوریت را استقبال و حمایت می کند ...»

آری چون موضع دولت انقلابی ما موضوع صلح جویانه ، صادقانه وتشنج زدائی است توقع دارد که اعلامیه‌ی فوق با عمل متقابل وبالمثل مواجه گردد . ولی طوریکه دراعلامیه هم گفته شده است مردم ودولت افغانستان هرگز اجازه نمی‌دهد که محافل و عناصر ثالث بدون اشتراک خودش راجع به سر نوشت‌آن تصمیم اتخاذ نمایند .

بطور کلی اعلامیه‌ی تاریخی ٢٤ ثور ٥٩ حکومت جمهوری دمو کراتیک افغانستان‌بصورت یک کل قدمی است در راه تخفیف بحـران وتشنج در منطقه وجهان وهم چنان ایـن اعلامیه صحت وسقم ادعا ها وتبلیغات محافل ارتجاعی وامپریالیستی را نیز برملا خواهـد ساخت زیرا روحیه ومتن این اعلامیه نشان میدهد که دولت افغانستان بصورت جـدی طرفدار حل سیاسی ومسالمت آ میز کـلیه مسائلی است که منطقه را تهدید می‌نماید .

افغانستان انقلابی وزعامت جدید آن یعنی زعامت انقلابی مرحله‌ی نوین انقلاب همانطور- یکه در ساحه‌ی سیاست داخلی به همه‌قول های خود عمل نموده ووفادار می‌باشد درساحه‌ی سیاست خارجی نیز عین موقف وماهیت رادارا میباشد . دیگر آن حفیظ‌الله امین جا سوس که بدون دانستن استحقاق زمام امور دولت وحزب را بدست گرفته بود وتا جائیکه می توانست از دروغ وحیله وریا وخیانت به عهد استفاده می نمود بگور نیستی سپرده شده است مردم ما هم ، سر بلند ، شجاعانه وبـا تواضح انقلابی به پیش می‌روند وهر خس و خاشاکی را که جلو این پیشرفت را بگیرد، مانند امین وسلطنت های فئودالی بگور نیستی می سپارد . امید جدی وقوی داریم که نیات صادقانه وصلح جویانه ی ما از جانب سایر کشور های مورد بحث ، بازتاب مساعـد و صلح جویانه بیابد .

زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، زنده باد مردم صلح جو وآزادیخواه افغانستان

دکور په لاره کې

لنډ داستان

دلنگستن هیوز لیکنه

درو خانی رویا ژباړه

دلیکوال سره پیژندنه :

«لنگستن هیون»نوموتی‌تور پوستی‌شاعر او لیکوال دی . په کال ۱۹۰۲ کی زیږیدلی . کله چی ده دمنځنی‌تحصیلاتو وروستی کال ته دوام‌ورکاوه خپل لومړنی شعر یی یـــوی‌ورځپاڼی ته وسپاره .

څنگه چی، دی پوهیده چی موریی‌نشی کولای نور دده دلوست خرڅ برابر کړی ، نو دی‌ته اړ شو چی‌په کار کولو بوخت شی .

د«هیوز» شعرونه دتور پوستو دغمونو او خوبنیو او ددوی دژوند دځرنگوالی انځور دی . دی په خپلوآثارو کی زیاتره دتور پوستـــو او سپین پوستو تضاد ځرگند وی .

«هیوز» لنډ داستا نونه ، څـــوسناریو گانی او هم دکوچنیانو دپاره داستانونه لیکلی دی . دده لنـــډداستانونه په ۱۹۳٤ کال کـــی د «سپین پوستو نگلاره» نومی کتاب‌تر عنوان لاندی خپاره شول .

«دکور په لاره کی» دده له ډیـروښو آثارو څخه دی چی خاص هنری ښایست لری .

«کارل» له هغو کسا نو څخه نه و چی تل نشه وی ، له دی کبله نه‌چی له شراب څښلو څخه یی ا خلا قـی ویره او ډار در لود بلکی ده ځان د ډیرو فکرو نو خاو ند با له ، چی ده ته‌یی خاص غرور او متانـت ور ـ ښښلی و . ده ته به تل ویل کیده چی پلار یی شراب څښل .له همدی کبله ده نشه کول ناوړ کار با له .خـــو امکان لری‌چی‌دمیلمستیا په‌وخت‌کی‌یی دیو گیلا س بیر څښل ناوړه کارنه با له . له‌دی کبله چی ده نه غوښتل په شراب څښو نکی مشهور شی نو هیڅ وخت یی شراب نه څښل .

«کارل» له خپلی مور سره ژ مـنه کی‌یی‌چی دده ټاټوبی‌وښه کارونه ـ څښی ، دی د خپلی مور یوازنی زوی و نو له همد ی کبله د خپلی مور د ډیرو مهر با نیوتر سیوری لاندی‌لوی شوی و. کارل دخپلی‌مور ښبت زیات قدر در لود.خو له هغه کسا نو سره چی له ده سره یی سمه و ضعه نـه کوله دونه ښه راشه در شه نه کول او په دی خا طر چی په «سا مرو یل» کی‌یی چی‌دده ټاټوبی وښه کار و نه ـ شوای موند لای نویوه بل ښار تـه ستون شو او په هغه ځای کی په‌کار بوخت شو . هره میا شت به‌په هغه ریل گی چی‌په څلور بجو یی مخ په «سا مرویل» حرکت کاوه ، دی هـم سور یده ، تر څوو کړ‌ای شی چی د یکشنبی ورځ هلته تیره کړی . ریل به هغه ځای ته رسا وه چی هلته یی کو چنیتوب تیر کړی و .

دی به‌هغه وخت‌ورسید چی دشپی به تیاره وه . ددوی کلیوا لی خوا ړه لکه شیدی او کور نی و چه ډوډی‌وه.

وروسته دشپی له ډوډی څخه به که به داوړی وخت و دی او مور به‌یی دشنبی دشپی لپاره به‌یی سودا ـ بوخت شول ، ښار ته به ورسیدل او دشنبی د شپی لپاره به یی سوداـ اخیستله ، او که به دژمی وخت و نو کله به د گاونډ یو کورو ته‌ولا ړل چی د منو او به و څښی او کله بـه پخپل کور کی پاتی شول څکه امکان یی درلود چی‌میلما نه‌ور کره ورشی. دمیلمنو کو ټی ته یی بوزی ، خبری وکړی او پخوا نی ډول ډول سندری دخپل زاړه گراما فون له‌لاری واو ری لنډه دا چی ددوی میلمستیا گا نی د خندا وړ او زړی وی او له هغـــو میلمستیا گا نو سره یی ډیر توپیر در لود کو مو چی په‌ښاری توگه یی رواج درلود .

کارل له خپلی مور او ځان سـره ژمنه کړی وه چی شراب و نه څښی خو په هغه استثنا یی ځا ښت کی‌چی دی‌دیوه شراب خر څو ونکی داوږده میز تر شا ولاړو په یوه عجیب لحن یی ور ته وویل : «یوبوتل شراب».

خر څوو نکی وویل :«څه‌ډول ـ شراب؟»

کارل دزیړو او اوږدو بو تلو نو کتار ته چی دالما ری په منځ کی وو گوته ونیوه‌اوویی ویل: «له‌دغوڅخه» او گوته یی په زیړ و اوږدو بوتلونو ودریده .ده دشرا بو نومو نه هیڅکله نه وو زده . خر څوو نکی ور تــــه وویل :

«دا شراب خواږه دی» کارل غوـ ښتل چی شراب واخلی او ډیر زرو ـ لاړشی نوویی ویل :

«همدا غواړم» .

خر څوو نکی د شرا بو بو تـــل په کا غذ کی ونغاړه ، پا تی شوی پیسی یی هم بیر ته ور کړی او بیا دیوه بل ا خستو نکی خوا ته روا ن شو .کارل بوتل وا خیست اودباندی ووت . سره لدی چی غو ښتل یی په لږ وخت کی خپلی کو ټی ته ورسیږی گامو نه یی او چت نه ا خیستل .

دده زړه په ټو پو و چی شراب به څه وخت څښی،دی‌دډیرو شرا بخایو نو څخه تیر شو ،خو زړه یی نه غوـ ښتل هلته ننوزی ، څکه چی هیڅکله یی دا سی لوبه نه‌وه کړی . لنـډه دا چی خپلی کوټی ته ورسید .

په هغه لویه او لږ غو نی کو ټه‌کی هر هر څه تیاره او آرام وو. کله چی دکور له زینو څخه یی خپلی کو ټی ته گا مو نه اخیستل ،په مخه کی یی هیڅوك نه وو،دکوټو ټول خاوندا ن خپلو کارو نو ته تللی وو . هغـــه ورځ سه شنبه وه ، اوکه هغه ورځ تلگرام نه وای ورته رسید لای ،چی مور یی ډیره نارو غه ده ، ښه بـه داوی چی خپل کور ته راشی ،نودی به هم هرو مرو په خپل کار بو خت و . کارل پو هیده چی تر څلورو بجو پوری ریل‌حر کت‌نه کوی .اوس یوه بجه وه .

ده باید خپل ځان ډیر زر تیار کړی وای چی ولاړ شی .خو نن یی ناڅاپه شراب ته‌په عجیبه تو گه زړه شوی و ،ویل کیږی چی نارینه د خپلـــو اعصا بو دآرا مو لو لپاره شـــراب څښی .په داستا نونو کی قهر مانان برا ندی څښی خو کارل براندی نـه څښل .

دا شراب ښه او په زړه پوری‌ورته

ښکار یدل . کارل مخکښی له دی چی ان خپله خولی په کوټ وځړوی د- شرا بوبوتل یی له کا غذ څخه‌راو - ایست او سر پو ښ یی خلا ص کړ. دمیز له‌سره یی گیلاس وروا حیست او تردریمی حصی پوری‌یی له شرا- بو څخه ډك کړ .دی په دی کو ښښ کی و چی دا سوچ چی مور یی مړه کیږی له ما غزو څخه لیری کړی .

شراب یی وڅښل‌اوپه هیله‌هیله یی‌وویل : «نه ، هیله کوم !» په‌کټ کینا ست چی دمه یی په ځای شی .

سا یی هیڅکله دا سی بنده بنده نه کیده . په ټنټه یی خو لی وزماتی وی ،کر تی او کمیس یی له ځا نه وایستل او ځان یی دی ته چمتو کاوه چی خپل مخ بری و ینځی .

«خوته ، لومړی باید بو څخه‌وتړی» وروسته نا څا په ورپه یاد شـول چی خپلی مور ته یی تحفه نـــه ده اخیستی .

ددی سوچ په نیما یی کی‌و چی د یوه بل شی په فکر کی شو ، هـغـه داچی هغه‌ورځ‌دشنبی‌ورځ نه‌وه له‌هغو ور څو څخه چی هره میا شت یو‌ځلی خپل کور ته روا نیده . هغـه ورځ سه شنبه وه ، هغه نا څا پی تلګرام چی‌ورته رسید لی و دده د ژونـــد توازن یی گډ وډ کړی و ،هغه تلگرام چی‌په هغه کی لیکل شوی وو «مور دی ډیره نارو غه‌ده ډیر زر کور ته را شه .»

«راسیتر» چی دوړکتوب له وخته ددوی گاو نډی و .ده ته یی هیڅکله ناوړه خبرنه ور کاوه ، نومو ر یـی باید په ربښتیا سره ډیره ناروغه‌وی باید دا فکر ونه کړی چی هغی تـــه تحفه راو نیسی . الماری ته نږ دی شو چی‌بو څخه راوا خلی ،خو لاسو نه‌یی هیڅ کارونه کړ . زیړو شرابو په اوږده بو تل کی دمیز په‌سر دی ځان ته رابا له ،کارل هم ور نږ دی‌و تاوده او خوازه شراب !؟

بل هیڅوك په کو ټه کی نه وو ، اصلا په‌کور کی هیڅوك نه لیدل کیدل شاید یوازی دکور خاو نده به‌په هغه ځای کی وه ، په دی ښار کی هیچا له ده سره خبری اتری نه وی کړی.

کارل بیا هم خپل گیلا س لــه شرابو څخه ډك کړ، او ویی څښــه وروسته یی دالماری روك کش کړ اود زیړی خریبلو لوازم یی واخستل او په کټ یی کینبودل . له بل روك څخه یی دوه کمیسو نه راوا یستل «دری یا څلور کمیسو نه نه ښــــه وی، هغه ورځ داوو نی وروستی‌ورځ نه وه دابه ښه وه چی اضا فــــی کمیســـو نـــه یــــی هـــــم را ایستلی وای . امکان یی در لود چی دمور نارو غتیا یی ډیره وږده شی او دی اړ وی چی یوه یا څـو او ونی هلته پا تی شی . اوشاید دابه ښه وی چی تیا ره کمیسو نه را وا خلی‌ځکه امکان یی در لود موږ یی..

دا سی و لکه چی په خیټه یی سوك وهل شوی وی . یو نځا څا پی غـم او اند یښنی یی ټول ځان نیو لی‌و. پدا سی حال کی چی لړ زیده په‌کټ کیناست. له ځانه سره به یی خبری کولی «په سد شه ، سم شه سړیه!» په ستړ تیا سبره یی په هندا ره کی خپلی څیری ته وکتل او مو سکـی غوندی شو . «سم شه سړیه!»

بیا یی هم گیـلاس ډك کړ اوپه یوه دمه یی په سر وا ړ اوه. وروسته بیاودر ید .ور دید او ځـان یی داسی حس کړ چی گنی اوږدشـوی دی ، داسی فکر کاوه چی گنی‌سریی پیشتول«او چت» رسید لی دی.

ورو سته ناڅا په هندا ری ته څیر شو اوداسی په سندرو و بلو پیـل وکړ:

په پسر لی کی ، سره گلو نه
په پسر لی کی ، په سندروو یلو
پیل کوی .
سره گلو نه ، په پسر لی کی
په سندرو و یلو پیل کوی

کا لی یی را وا خیستل اود حمام کا لی یی وا غو ستل . په پام پام یی‌بوتل وچ کړ له کو ټی‌څخه ووت او حمام ته ننوت تر او سه یی هم سندری ویلی تشت یی له او بو ډك کـــړ او په منځکـــــی یـــــی کیناست . دتشت اوبه هم لکه‌شراب غوندی تا ودی وی . په زړه پو ری حالت یی احساس کړ . د یـــوی چمنیزی او تیاری شپی په یاد شـو چی دکور دحو یلی په یوه گو ښه کی له یوی نجلی سره زیړه څیره‌یی در لوده لوبه کوله ، مور یــــی راغله او دوی یی سره جلا کړل او کو چنی نجلی یی کورته روانه‌کړه. له دی کبله چی له ښی کور نی څخه نه وه .

کارل په تشت کی سم کیناست اود تشت او به یی له غږ سره سم بـه خپله شااو سرا چو لی :«زه مست یم ؟ څه شوی؟ څه بلا دربانـــدی راغلی ؟ د خپلی مور په هکله داسی فکر کوی ؟شا ید هغه مړ، مړ... گوره؟! غوږ و نیسه په څلو روبجو باید په ریل کی ولاړ شی ! »

او او س یی غو ښتل چی خپـل کور ته ولاړ شی ، مست شوی و. په لړزه را غلی زړه یی‌ورځید . پـه تشت کی اوږد پر یوت چی دمه یی جوړ دشی دده ټول ځان په تود... بو کی و.. یوا زی سر یی له او بو څخه وتلی و .

ده‌ته دادول اوږدېر یوتـل ښــــه وو، چوپ او آرام . دسه شنبی په ورځ چی هر څوك په خپلـــه اداره کی په‌کار بو خت دی، او دی‌چی کارل اند ر سن دی ، چوپ او آرام د تشت په تودو او بو کی ز غید لی. شاید یوه ورځ له‌ور څو نه‌په هغو لږو پیسو چی سا تلی یی‌دی دموټر خاوند شی او نجو نی له ځا نه سره وگر زوی . هغه هم په پسر لـــــی کی... کله چی سره گلو نه دپسر لی په‌وخت کی سند ری وا یی .

کارل ښه غږ در لود اوساختگی غږیی په خوږو شرابو ډك و .سرو- گلو نو ته به زړه پو ری .

په‌تشت کی ودر ید اود خوښالی نه به ډك او لوړ غږ یی په سند ری ویلو پیل وکړ . په دی وخت کی بی ناڅاپه دوزه ټك ټـك و وزید.

څه‌خبره‌ده ؟

داغږ دکور دخا ونــد و چـــی د دهلیز څخه اور یدل کیدو . نوباید ان له ښکته څخه یی دده غږ اوز- ید لی وی . «هیڅ محتر می دایر» هیـڅ! یوا زی فکر کوم زړه مـــی غواړی سند ری ووا یم .

«ښا غلیه اند رسن! ته‌دورځی په دی وخت کی‌څه کوی؟»

«غوا ړم چی ولاړ شم او مور می وو ینم هغه ...»

«تا سو تر بلبلی څخه هم زیات خو شا له‌یا ست .....فکرنه‌کـــوم»

کارل دکـور د خا وند د پښو غـــــــږ واورید چی له زینو څخه ښکته شوه.

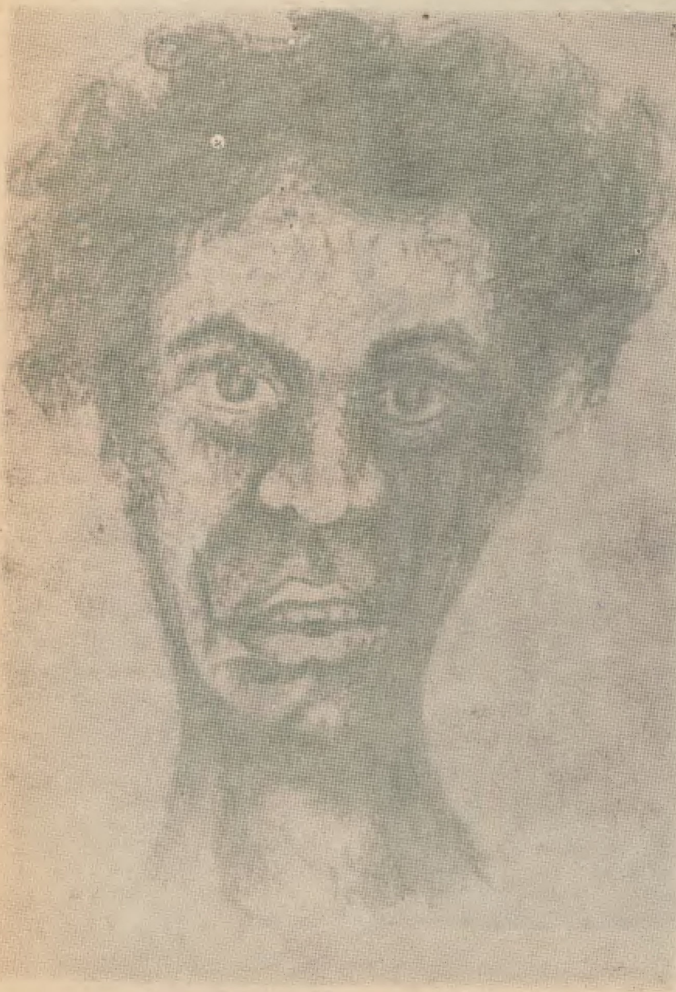
«هغه....»

سر یی په څر خیدو پیل وکړ .

«مور می ....»

یوواز ، ستر گی یی سر ی‌شوی دتشت دوی خوا وی یی ونیوی چی له هغه نه را وو زی .مست ، هوکی! هغه مست و، مست !

نوربیا





زنان آزادهٔ ما این مشعل داران راه آزادی

گفت وشنودی بانجیبه عوتکی عضو هیات رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

لطفا درباره تاریخچه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان معلومات ارائه نمایید.

ـسازمان دموکراتیک زنان افغانستان که نخستین سازمان متشکل و نیرومند زنان در تاریخ کشور است . همزمان با تاسیس حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان در ۱۹٦۵ توسط دوکتورس اناهیتا راتب زاد شخصیت مبارز وانقلابی پایه گذاری شد و مبارزات رهایی بخش خودرا برای اولین بار در چوکات یك سازمان اصولی و متشکل توده‌ئی آغاز نمود .

سازمان ما علی الرغم مشکلات ودشواری های فراوان که ناشی از نظام فرتوت فیودالی در کشور بود توانست مبارزات آگاهانه ووطن پرستانه زنان را بخاطر تامین حقوق و آزادی‌های دموکراتیك در مسیر اصولی رهبری کندو در پیکارضدارتجاعی وضد امپریالیستی درپهلوی حزب‌دموکراتیك خلق‌دلیرانه اشتراك‌فعال‌داشته باشد .

سازمان مادر طی پانزده سال موجودیت‌خود همواره برای ارتقای شعور اجتماعی و سیاسی نقش بزرگی را ایفا نموده است .

این یك مطلب روشن است که :

زنان کشور ما عملا از حقوق سیاسی‌اجتماعی اقتصادی و فرهنگی خویش محروم بودند هم در جامعه و هم در فامیل متحمل محرومیت های فراوان می گردیدند .

سازمان دموکراتیك زنان افغانستان در بدو تاسیس خود تشخیص داده بود که برای اینکه زنان کشور شایسته گی خویش را در جامعه و فامیل بدست آورند باید مبارزه دشوار و طولانی رادر پیش گیرند روی چنین ضرورتی سازمان ایجاد و به اهمیت وظایف سنگین و مسوولیت های تاریخی جداً توجه‌نمود. روی این ملحوظ سازمان در برابر خود و در برابر زنان آگیاه کشور دو وظیفه ودو مسوولیت مهم را چه در عرصه مبارزات صنفی و چه در عرصه مبارزات‌سیاسی قرارداد چنانچه درکنفرانس تاریخی هشتم مارچ مطابق ۱۷ حوت ۱۳۲۷ مرام سازمان و مدتی بعد اساسنامه سازمان اعلام گردید .

خوب نجیبه جان‌برای معلومات بیشتر اگر درباره مرام یااهداف سازمان دموکراتیك زنان افغانستان روشنی اندازید ممنون‌میشوم.

درپاسخ بایدگفت:

هدف یامرام رهایی بخش سازمان ماعمدتاً این مطالب را دربرمیگیرد.

ـ تامین حقوق مساوی زنان در تمام عرصه ها اعم از اقتصادی ، اجتماعی ،مدنی ، سیاسی و فرهنگی واحترام مقام زن در کار و جامعه .

ـ تامین حق کار زنان بدون قید وشرط ،با دستمزد مساوی با مردان در برابر کار مساوی واشتغال در تمام امور وحرفه ها .

ـامحای بیسوادی وتامین حق مساوی تعلیم و تحصیل تمام زنان .

رهایی زن از قید عادات خرافی عنعنات ظالمانه و رسوم ضد کرامت انسانی تامین‌حقوق زن در امر ازدواج مالکیت واطفال ایجادشرایط مصئون اجتماعی برای تشکیل خانواده مطابق رضایت واقعی زن ومرد و مبارزه علیه ازدواج اجباری یکی‌از اهداف دیگر سازمان است .



زنان شجاع‌ومبارزمادرگذشته‌چون‌حزاستوارذر برابر دشمنان رنگا رنگ استواری ومقاومت را از دست نداده وباهوشیاری به مبارزه توده یی ادامه میدادند .



نجیبه هوتکی عضو هیأت رهبری سازمان‌دموکراتیک زنان افغانستان

همچنان تامین حقوق و آزادی های وسیع دموکراتیک مثلا حق انتخاب کردن وانتخاب شدن آزادی بیان شرکت در احزاب ،اجتماعات حمایه کودك در برابر ظلم و استثمار و کار اجباری و مبارزه جدی علیه امپر یالیزم ملتارلیزم و فاشیزم وپشتیبانی و همدردی از زنان ملل ستمدیده که برای آزادی واستقلال میرزمند از جمله اهداف اساسی این سازما ن بشمار میرود .

سازمان دموکرا تیك زنان افغانستان وظیفه خود می داند که از یکسو وظایف صنفی و سیاسی خویش را به سویه ملی انجام دهد و از سوی دیگر علیه جنگ ، تجاوز تحریکات امپریا لیستی مبارزه کند و از نهضت های رهائی بخش در سراسر جهان واز مبا رزات سازمان های مترقی زنان و زنان ترقیخواه جهان بخاطر صلح ، آزادی ، دموکرا سی پشتیبا نی نموده و هر گونه پلانهای شوم امپریا لیزم را خنثی سازد. .

آیا سازمان دموکرا تیك زنان با فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان ارتباط دارد؟

ـالبته که سازمان مابافدراسیون بین‌المللی زنان ارتباط دارد . .

سازمان دمو کراتیك زنان افغانستان سه سال قبل توسط فدراسیون دمو کراتیك بین‌المللی زنان برسمیت شناخته شده بود .وفعلا عضو فعال فدرا سیون می باشد واز پشتیبانی و کمك فدراسیون و دیگر سازمانهای دموکرا-تیك و مترقی بر خوردار می باشد .

تا به‌حال هیئت نمایندگی سازمان دموکراتیك زنان افغانستان در اثر دعوت سازمان های اتحاد شوروی به‌آن کشور ها مسافرت کرده اند دمو کراتیك زنان کیوبا ،آلمان دموکراتیك ،، و چند سازمان دیگر نیز از نماینده های سازمان دموکراتیك زنان افغانستان دعوت بعمل آورده اند .

مشکلاتکه پیش‌از انقلاب شکوهمند ثور بان روبه‌رو بودید چه بود؟

ـواضح است که شرایط پیش از انقلاب ثور شرایط سیاه استبدادی بودواصلا تاقبل‌ازانقلاب ثور هیچ قانون دمو کراتیك و مترقی در جهت بهبود بخشیدن وضع رقتبار زنان کشور در معرض اجرا قرار نگرفته بود . و سلطنت های مطلقه ارتجاعی افغانستان روز به روز عرصه مبارزه را برای شرکت زنان تنگ وتنگتر می ساخت . وعمدتا مشکلات از دو ناحیه بروز می کرد .

یکی هم موجودیت نظام های مستبد ارتجاعی که فاقد خصلت دمو کراتیك بوده وهمواره می کوشید با سیاست ارتجاعی خود مانع آگاهی تشکیل و رشد زنان شود. و از جانب دیگر



سازمان دموکراتیك زنان افغانستان این‌گردان پیش‌آهنگ ونجات بخشای زنان‌درافغانستان

تسلط رسوم وعادات خرافی قرون‌وسطایی که عملا زن رادر جامعه مابرده ودربند زنجیر اسارات قرار میداد. باعث شد تازنان را از نهضت ومبارزات آزادیخواهی شان دورنگهدارند ولی باوجود این همه موانع‌و دشوار یهاسازمان زنان با قدرت رزمندگی و سازما ندهی که داشت قادر شد که یکتعداد قابل ملاحظه زنان را که در تحت شرایط فئودالی قرار داشتند منحیث اعضای وفادارخودجمع‌کند ودریك صف فشرده و آهنین وبا استواری و ایمان راسخ به مبارزه بصورت یك پارچه و متشکل درجهت مبارزات اقتصادی وسیاسی وحتی اید لو ژیك سمت دهد .

لطفا بگوئید که‌شرایط عضویت درسازمان به‌چه اساس است؟

ـ سازمان دمو کراتیك زنان افغانستان یك سازمان ملی دمو کراتیك و توده ای زنان افغا نستان است .

وعضویت سازمان به اساس خواست داو-طلبانه تمام زنان افغانستان اعم از زنان کارگر دهقان، پیشه ور وروشنفکر وزنان خانه صرف نظرازتفاوت های نژادی قومی ، قبیلوی ،مذهبی ونظریات سیاسی میباشد.

و هرتبعه زن افغانستان که سن ١٦ راتکمیل کرده باشند و مرامنامه سازمان را قبول ودرراه تطبیق آن بکوشد حق العضویت بپردازد می تواند عضو سازمان شود .

در دوره ترور و اختناق امین جلاد چگونه فعالیت داشتید؟

ـباوجود یکه قبلا تذکر دادم بازهم میگویم که سازمان دموکرا تیك زنان افغانستان درطی پانزده سال حیات خود با قبول فدا کاریها بر ضد دشمنان داخلی و امپر یالیزم ستمگر به‌ستمگر به‌پهلوی حزب دموکراتیك خلق افغانستان به پیکار قهرمانانه ادامه داده است.

باوجود اختناق دوره سیاه امین ومشکلات گو ناگون که باند تبهکارش دربرابر ما ایجاد کرده بود سازمان لحظه ای از مشی اصولی و بر حق خود انحراف نکرد و فعا لیتهای خود را گسترده تر ووسیعتر درمیان اقشار مختلف زنان روشنفکران ، کارگران ، دهقانان بسط وتوسعه داد . ومسیر مبارزه را بصورت‌اصولی تعقیب نمود. وزمانیکه مشی خاینانه وانحرافی امین آدمکش احساس شد سازمان دموکراتیك زنان افغانستان باهوشیاری انقلابی ایکه داشت مبارزات سازمان را شکل مخفی بخشیدو با استفاده از امکانات و شرایط متنوع مخفی فعالیتهای انقلابی را تنظیم کرد و موضع گیری قاطعانه وا صولی را در برابر مش فا شستی امین اتخاذ کردو مبارزه جدی تر علیه باند آغاز نمود و قهرمانی چشمگیری از خود نشانداد .

هر عضو سازمان در پیشبرد کار و فعالیت انقلابی ووظایف که‌برایش تعیین میشود ابتکارات ودلاوری خا صی ازخود بخرچ می داد . و کار انقلابی را موفقانه بانجام میرساند. با افتخار تمام میتوانم اظهار کنم که با همه ظلم وستم ها ووحشی گری ها شکنجه‌دادنهاو حتی قتل گروه گر و ه از جوانان انقلابی این فرزندان قهرمان وطن این دلیر-مردان تاریخ کشور که نام شان زنده وجاویدان است و شجاعت شان در خاطره ها باقیست . اعضای دلیر سازمان دمو کراتیك زنان‌افغانستان چه در زندان و چه در بیرون از زندان لحظه‌ای ازپیکار انقلابی واجرای وظایف دست‌نکشیدند و با غرور و قاطعیت و جسارت بی امان مبارزه راتاسرحد پیروزی وسرنگونی امین جلاد پیش بردند .

کدام‌گفتنی‌اگر به‌زنان‌کشور داشته باشید ؟

ـدراخیرازتمام زنان شرافتمندومادران‌قهرمان وطن دعوت بعمل‌می‌آوریم که‌در گرد سا زمان دموکراتیك زنان افغانستان این یگانه سازمان با تقوا و رزمنده حلقه زنند و بصورت یك مشت و یك پارچه در صف متحد با حزب د. خ.ا. علیه دشمنان جنایتکار علیه باندید های آدمکش و دشمنان صلح و آرامش مبارزه‌نموده و در راه تطبیق دستاورد های مرحله نوین انقلاب ثور در راه تامین نظم و آرامش و ترقی جامعه سعی لازم را بخرچ دهند .



گرچه ظلم واستبداد سلطنتی به‌اوجش رسیده بود مگر در عزم واراده خلل نا پذیر زنان قهرمان ماتاثیر نمیکرد



عشق و امید

در جهان عشق سعی باطل افکار نیست
در مقام جلوهٔ حق پردهٔ پندار نیست
(آفتاب آمد دلیل آفتاب) عشق ما
کارما راگر دلیلی هست غیراز کار نیست
حق نمایانست چون مه درمیان اختران
معنی روشن اسیر صورت افکار نیست
سینه های خلقها آیینهٔ کردار هاست
هیچ تصویر دگرگویاتر از کردار نیست
کوه وکوتل میتراشد وهم مادر راه ما
عشق ماخام است یاران راه ناهموار نیست

بی جهت ازلیلی مطلوب دورافتاده ام
ورنه صحرای گریبانرا درو دیوار نیست
ساده لوحان ایمنند از دام نیرنگ زمان
چون صفای خلوت آیینه را اغیار نیست
از کدورت باخیال خویش گردی روبرو
آنچه را بیگانه پنداری بجز زنگار نیست
میخورد خار وگل اینباغ از یکریشه آب
در گلستان معانی فرق نوروفار نیست
بی امیدوعشق هرکاریکه باشد مشکل است
یادما گر عشق گرددکارمادشوار نیست

حیدری نجشیری



گلچین گیلانی

 راه 

راه است وپای خستهٔ من، کفش تنگ من
چاه است وچاله، پیچ وخم ونام وننگ من
کوه است ودره ، جنگل انبوه وسنگ وگل
دندان شیر وگرگ و تپش های درد دل
رنج است ونا امیدی و میخ است وخارونیش
میراندم به پیش ، که میراندم به پیش ؟
این هستی من است ونمیدانم از کجا ست
ازکیست ؟ بهرچیست؟ چنین پرخطرچراست؟
این چیست در دل من ؟ مهر است یا نیاز ؟
یاآز ؟ یا نشانهٔ انگشت چرك راز ؟
دل چیست ؟ ازبرای که اینجوش واینخروش؟
این جست وخیز دمبدم موج سرخ پوش ؟
در دره های مغز من این رود های مار
سوی کدام دره یا هستند رهسپار ؟

نیکویی

جهانا سراسر فسونی وباد
به تونیست مرد خردمند شاد
به کردار های توچون بنگرم
فسوس است وبازی نماید برم
خنک آنکه زو نیکویی یادگار
بماند اگر بنده گر شهریار

راستی

نبینی به جز راستی پیشه‌ام
بکژی نیاید خود اندیشه ام
به گیتی به ازراستی پیشه نیست
زکژی بترهیچ اندیشه نیست

در نیکی

بیا تا جهان را به بد نسپریم
به کوشش همه دست نیکی بریم
نباشد همی نیک و بد پایدار
همان به که نیکی بود یادگار
به پاداش نیکی بیابی بهشت
خنک آن که جز تخم نیکی نکشت

فردوسی

چه دانی

به هرجایگه یاردرویش باش
همی رادبردمردم خویش باش
ببین نیك تادوستدار تو کیست
خردمندواندوه گسار تو کیست
ببخش وبیارای وفردا مگوی
چه‌دانی که فرداچه آیدبروی

ژوندون

علی احمد شیر زی

کاشکی باغوان وای

کاشکی با غوان و ی لو بید لم به‌له گلو سره
وم به فطرت سره ملگری خیال دښکلو سره
ښکلی مخو نه به می ښکل وه له‌نسیم سره گله
مستو نشو کی لمبید لم به لـه‌ملو سره
یابه می غیږ کی ټینگو له د فطرت‌ناو کـــی
یابه تړلی دام دزلفو کی کا کلوســـــر ه
کله چی پیغلو ایښو دل دعقیدت‌گلو نـــه
تلم به مزار دشهیدا نو ته سنبلوســـــر ه
دکه زولی به می دگلو او غنچـــووروړه
یولاله‌زار به‌په مزار وه خما تللوســــر ه
دتورو ز لفو په ټالو نو کی دگلوامیـــــل
له لونگین سره به گډوم لـــه‌اور بلو سره
کاشکی با غوان وای چی د گلـوغاړ کی ســره
دتور اوږ بل دپا سه خو ښ به‌وم‌زا نگلو ســره
له عند لیب سره به‌گډ دسوز سازیـه نغمـــو
راز او نیاز به می همیشی وه له‌بلبلو ســره
وم به او لس سره ملگری دخپل‌شعر په ژبه
څکه او لس ته خد مت کیږی ښولیکلو ســره
شیر زی دا څو ټکی ویلی‌دبا غوان‌له ژبـــی
دده په هیلی پکښی و مو مــــی‌کتلو ســره

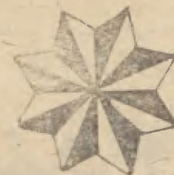


سره یو دی

امپر یالیزم وشیو ونیزم سره یودی
صهیونیزم او فـاشیزم سره یـــودی
ماکیاولیزم وریو ونیزم سره یودی
انار شیزم وترور یزم سره یـــودی
دوکتور زیار

نامهٔ وداع

پرسان پرسان رسیدم از راه
پیدا کردم نشان او را
بفشردم زنگ ودر گشودند
گفتم گولیدش آید اینجا
دیدم کامد زخانه بیرون
سنگین سنگین وسر فگنده
ترسان ، چون کودك گنهگار
لرزان ، چون آهوی رمنده
آمد رویش ز شرم گلگون
لب هابیرنگ وسرد وخاموش
چشمان تبدار وپوزش انگیز
زلفان آشفته بربناگوش
بسپردم نامه را بدستش
گفتم با طعنه ای دل آزار
بستان ! این نامهٔ وداغ است
رفتم ، رفتم، خدا نگهدار .



شبگرد

یك شب تاریك و عالم در سكوت
كوره باریك بود و كس نبـــود
مه نبود اند یشه بودوجا م بود
شیشه‌بود و من بد م او هام بود
دیدم از ظلمت سرا ی دور نور
چهره خود می نمود اما چه سود
تارسیدم پا ی گور نا شنا ســ
شمع او خاموش مرد ی مرده‌بود
نعش بیجان مجا ور سرد بـــود
حیف گفتم خود به ره گشتم‌روان
تاشفق شدصبح سیمین‌تن دمید
پای شبگردی لب ساحل رسـید
پرنیان شن بودو بحرآرام بـــود
من بدم اندیشه بود و جام بود ،
خوشه چین

شعر سپیده

بایك بهار ، رویش گلهای رحمتی
بامن بمان كه برزخ دنیای غربتی
من در كنار پنجره تفسیر كرده ام
این قصه را كه آیت زیبای جنتی .
در جلگه های خرم این فصل نوبهار
شعر سپیده‌ای وزباغ فراغتی .
در حجم های كوچك فردای خاطرم
حتاكه بی نشانه ترین مرز ساحتی .
من درپناه غربت شبها نشسته ام
تو باطنین روز ، ندین كوب راحتی
توچون نگین ناب به انگشتر نگاه
در هركجای شهر چه فرخنده آیتی .
بشیر سخاورز

بسلسله مصاحبه های اختصاصی ژوندون باهنرمندان

گفتگویی بانور یالی شفق دایرکتر پرودیو سر سینما

از آفرینندگی وخلای
وبی هدفی

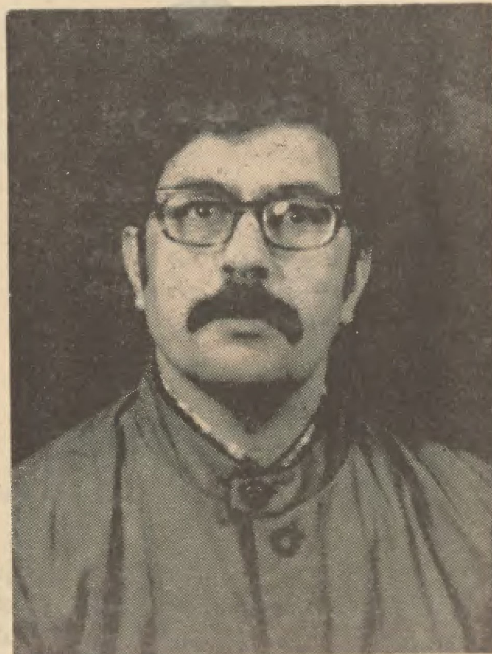
شفق رادر دفتر کارش ملاقات میکنم وبااوبه گفت وشنود صمیمانه‌یی‌پیرامون‌امور سینما یی میپردازم که بیشتر به جدل میماند وردوبدل اندیشه ونظر ما در باره هنر هفتم -باتوجه به نظرات خاصی که اودراین زمینه دارد حاصل این نشست چندساعته رابه‌صورت مصاحبه‌گونه‌ی فشرده و مقداری پیرایه بندی قلمی که خواه نخواه سایه انداز صمیمیت وساده گویی‌میگردد که در صحبت ما حاکم بوده است به نگارش میاورم تاچه در نظر خواهی از شفق در باره‌هنر سینما آغاز میگردد.

-شفق جان ! باتوجه به‌امکانات وسیعی‌که سینما درباز‌آفرینی‌یعنی‌واقعیت‌هاواثر‌گذاری در اندیشه بیننده والقای‌مفاهیم دارداز‌سوی‌دیگر‌با قبول‌این نظرکه‌این‌هنر‌به‌خاطر ارزانترین‌بودنش درمیان وسایل گونه گون‌تفریحی بیشترین گروه های مردم رابه سالون های نمایش میکشاند- هر روز ساحه مطالعه وتحقیق نیز پیرامون اثرات روانی واجتماعی آن روی بیننده گسترده تر میگردد ونظرات تازه یی در ابعاد مختلف آن ارائه میگردد که هریک طرفداران و مخالفانی دارد .

به صورت عموم امروز میتوان مجموعه این نظرات رادر دو بخش فشرده ساخت ، نخست اینکه سینما باید نقش آموزشی داشته باشدوبا استفاده از امکانات فنی وکار بردو سیع خوددر پروراندن یک قصه مسیر اندیشه تماشاگررا دریک جهت خاص اخلاقی رهنمون گردد ودیگر



این‌چهره ها واعمال خلاف اخلاق اجتماعی‌مسأله‌یی است که باز مانند شرایط نابسامان‌گذشته به‌خوبی درفلم جنایتکاران مورد بررسی قرار میگیرد.



نوریالی شفق کارگردان فلم جنایتکاران

آشنا شو یم

نور یالی شفق بعد از آنکه‌تحصیلا تش را دررشته امور سینمایی در کشور هند بپا یان‌رسانید ، عملا وارد کار سینما شدو نخستین تجربه هایش را در این‌زمینه با مو نتاژ (پیوند) فلم وکمک کارگردا نی سا خته های افغان فلم‌به‌آغازگر فت .

روز های دشوار نخستین پرو دکشن هنری بود که وی کمک دایرکتش آنرا عهده‌دار بود وبعد ازآن‌باکارگر دانی دو فلم هنری مجسمه ها می خندند وغلام عشق مستقل‌به پیاده ساختن تجربه های هنری خود در زمینه تو لید فلم پردا خت.

شفق اکنون صا حب امتیاز و مسوول شفق فلم است که اولین محصول هنری آن جنا یتکا ران به‌کار گردانی خودش به زودی روی اکران خواهد آمد .

وی سی‌و دو سال دا رد ودو بارازدواج کرده است .

• اگربه گردانندگان امور سینمایی کمک‌نگردد، سینمای ملی ورشکست میشود.

• وقتی سینما گر روشنگر نتواندانداندیشه های مترقی‌دوران خودرادر قالبهای ساده بیفگند به خاطر گریز از قیچی سانسور به افاده تصویری‌سمبولیک میپردازد زدوحرفش رامیگوید .

یت تادنبال رویی
رسینما

• اگر هنر هفتم باز تا بـــی ازواقعیت های عینی جا معه با شد، باید گر گ در آن گر گ تصو یـر گردد و بره ، بره

• هر ساز ند گی وخلا قیتی رادرسینما وهنر نمیتوان به‌تایید گرفت. باید دید که این آفرینش چه را می‌خواهدبگوید وچه رانفی می کند .

* * *

اینکه هنر هفتم نیز مانند هر هنر دیگری‌باز تابی باشد از واقعیت های درونی وعینی جامعه که‌در آن بابرش های قطعاتی از زندگی عادی وروزانه بیننده به عمق‌مسایل وحوادثی کشیده شود که هرروز به‌نحوی باآن سروکار دارد- امادر این نشاند هی هرگز تعیین گر نباشد، اندرز ندهد- خوب هاوبدهارابام‌وازین خا ص اخلاقی که‌سینما گر به‌آن اعتقاد داردبه خورد مردم ندهد وبگذارد که‌تماشاگر خود به تفکر کشیده شود ودراین نوع دوم ، هنر بیشتربه خاطر هنر مطرح باشد تابه‌خاطر آموزش‌دهی، بایاد آوری این نکته که طرفداران چنین سینمای عقیده دارند که‌باز آفرینی واقعیت اگر کامل وبی عیب وهنر مندانه صورت گیرد خودبه خود تماشاگر را یاری‌میدهد که راه درست را از نادرست تشخیص دهد وانگیزه هارا بتواند به درك گیرد .

نظر شما در این زمینه‌چیست -شما معتقدبچه نوع سینمای هستید وخوب‌وبدرا دراین‌هنر باچه معیار ها وضوابطی تعیین می‌کنید؟

-این مساله فرق میکند که سینما را در کدام جامعه ،درمیان کدام مردم ودرچه سطحی از فرهنگ ودانش همگانی به‌طرح میاریم. من اعتقاد به‌سینمایی دارم که‌آموزش‌درآن نه دریک چوکات خاصی اخلاقی ، بلکه دریک بنای وسیع اجتماعی مطرح باشد ، سینما بهر صورت وبهر شکل که‌ارائه‌یابد بایدخصوصیت باز آفرینی و بازتابی خودرا ازواقعیت‌هاازدست‌ندهدبگونه‌یی که تماشاگر رابه تفکر در باره زندگی وادارد به‌اوکمك کند که‌بادیدن معلـول ها در پـی علت باشد . به‌او بیاموزاند که زندگی هرگز درساحه پندار ها، خواست ها وامیال اوخلاصه نمیگردد . سینما باید بتواند تماشاگر راازسطح به‌عمق بکشاند واحساسات اورا برانگیزاند - عاطفه های انسانی‌را با هم‌گره زند ومیان انسان ها درهمه جا پیوند بر قرار کند -با چنین‌معیار هایی است که‌من‌به تعیین خوب هاوبد هـای سینمایی‌میپردازم‌ودرپهلوی‌همه‌این هابه آفرینش هنری درکار سینما ارزش فراوان قایلم -چنانکه اگر آفرینش وخلاقیت درسینما مطرح نباشد آنرا در حدیك ابتذال میدانم ونه یك ارائـــه هنری .

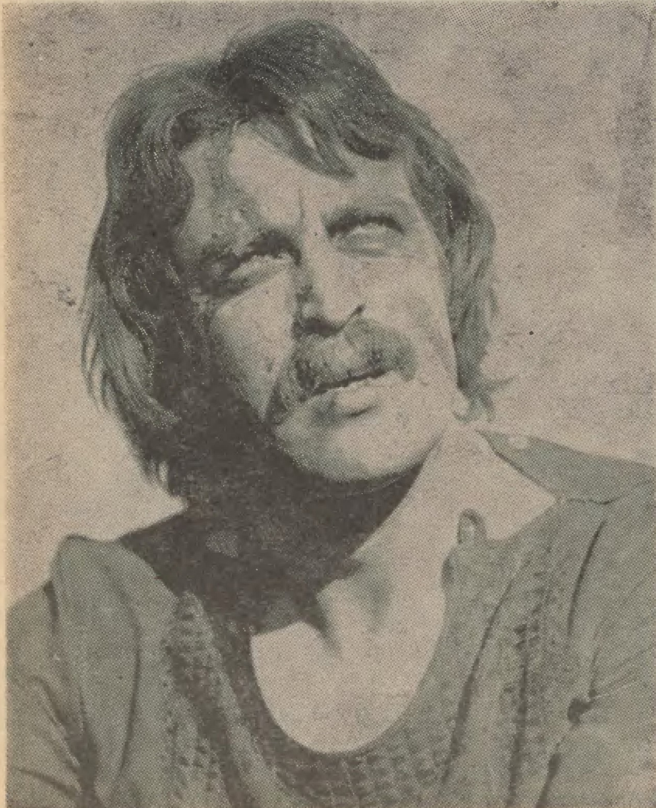
-من‌فکر میکنم نمتیوان هرخلاقیتی رادر هنر به تائید گرفت . ممکن است یك آفرینش‌هنری باهمه زیبایی که دارد دراصل ازفلسفه‌ی دفاع کند که‌درآن منافع انسانی درنظر گرفته‌نشده باشد ویا ازاقلیتی دفاع کندکه‌چپاو لگرانه به‌جان‌اکثریتی بزرگ افتاده باشند ویا واقعیت های عینی زندگی اجتماعی رامسخ کند وماننداین ها - شما دراین مورد چگونه آفرینشی‌رادر هنر به تائید می‌گیرید ؟

-گفته پیشترم را یکبار دیگر تاکید میکنم اگر سینما واقعا باز تابی باشد از عینیت های جامعه،خـودبه‌خودگرگ، گرگ‌تصویر میگر دد وبره . بره حرف شمارا قبول دارم اما دره‌وردی که خود سینماویا هنر از مسیر اصلی خـود منحرف گردد ، من آفرینش های را قبول دارم که‌از درون جامعه ازروابط انسانها باهم ،از شرایط وضوابط حاکم وموجود در درون آن‌جامعه مایه‌گرفته‌باشد ونه‌ازوهم‌گرایی‌وخیال‌پروازی‌های غیر واقع .

لطفاً ورق بزنید



محمدجان گورن یکی از ورزیده ترین‌بـا ز یگران و هنر پیشه گان سینمای‌ملی افغانستان است که‌بدون شك خواهـد توانست باپیگیری خود موقف یك هنرپیشه‌ای جهانی را احراز کند



ابراهیم طغیان دریك نقش منفی فلـم جنایتکاران ظاهر میگردد



لیلی درفلم جنایتکاران نقش اول رابـــعهده دارد

ـدر کشور های عقب نگهداشته شده که‌از سوی سطح سواد ومیزان آگاهی عمومی پائین است وازسوی‌دیگر اختناق‌فکری درهمه‌جاسایه گستر است‌وقدرت های‌حاکم سیاسی میکوشند هرواقعیتی را وارونه جلوه دهند به‌نظر شما روشنفکر هنرمندودراین‌شمارسینماگر روشنگر چگونه میتواند باساخته‌های خود بیانگرواقعیت های عینی جامعه باشد وتصویر های گو یای خودرا از قیچی سانسور بدور نگه دارد ؟

ـوقتی هنر مندر تنگنایی قرار می‌گیرد که نمیتواند حرف‌خودرابگوید،ناچار برای رساندن پیام خودبه مردم شیوه های دیگری را مورد استفاده‌قرار میدهد که سمبولیزم یکی ازاین روش هاست، سینما گردرچنین‌شرایطی‌میتواند باارانه سمبولیك حداقل بخشی از اندیشه‌خود راباز گوکند ومقداری از واقعیت هارا بر هنه سازد .

به نظر من هنرمندباید درست‌مثل یك ماراز کوچکترین منفذهاهم برای رخنه کردن استفاده برد . در غیرآن او نمیتواندتحرك هنری خودرا حفظ کند . هنرمند نباید در انتظار مساعد شدن شرایط باشد-اوبایدخود شرایط رامساعد گرداند .

ـمن دشواری رادر سطح یك کشور عقب نگهداشته شده به‌طرح آوردم ودرك‌سمبو لیزم به‌آگاهی نیاز دارد . اگر دراین زمینه کشور خودرا مثال بیاوریم ۹۵ در صد مردم ماحتی



محمدجان گورن دریکی از صحنه هـــای فلم جنایتکاران

سواد عادی نوشت وخوان را هم ندارند .آنها چکونه میتوانند دریك فلم زبان سمبول ها را بفهمند . آنـرا در ك کنند وازطریـــق آن به افشا گری سینما گر در زمینه‌واقعیت‌هـــای ناهنجار جامعه برسند ؟

ـحرف شما کاملا درست است ، اما اگر سمبول ها پیچیده نباشند وپیوند تصویری هنرمند انه باشد به گونه ی که سمبول مورد نظر بتواند ارتباط منطقی تصویری خودرا با- تصاویر قبلی وبعدی فلم حفظ کند در واقـــع گره سمبول را خود فلم باز میکند ومفاهیم‌رابه تماشاگر می‌رساند .

ـشما میتوانید بیك نمونه ازاین کونه ابداع درارانه سمبول های تصویری درساخته های سینمای خود اشاره کنید ؟

ـمن مثالی از فلم «جنایتکاران» میاورم که‌به زودی روی اکران‌خواهد آمد،دراین فلم دختری جوان ربوده میشود تامورد تجاوز قرار گیرد. شات های بعدی مادر این دختر رادر حـال کالا شوی نشان میدهد- مادر بعدا تغاره راکه آبش کثیف شد سرازیر میکند. کمره‌دوش‌این آب را تاجوی آب پاك روان تعقیب میـــکند وبـــد و ن فا صله در نـــمای بعدی دختر به چشم تماشاگر کشیده میشود که مورد تجاوز است ، خوب این صحنه ـ صحنه روش آب های چتل در آب‌پاك وتاکید تصویری که روی آن میشود یك سمبول‌است که‌نشان میدهد چگونه ندانم‌کاری هاکثافت‌هارا مجال آمیختگی باپاك هاو ناپاك ساختن آنها میدهد وپیوند تصویری فلم نیز به‌بیننده کمك میکند کـــه منظور سازنده وتصویر گر رادریابد ویااورابه تفکر درباره کثافت سازی‌هاوادارد .

ـآقا ی شفق به اجازه شما میپردازم بـــه موضوع تیپ سازی درسینما بایاد آوری این نکته که‌تیپ سازی موفق درواقع به‌تماشاگـر سینما موقع میدهد تااوبه اصل تداعی ذ هنی برسد ونمونه های فراوانی راازتیپ موردنظر ارائه شده در سینما در زندگی روزانه خود بیاد آورد، آنها را بشنا سد، باخصو صیات روانی وعاطفی شان آشنا گردد ، شیوه فکری شان رادریابد ،انگیزه های‌اعمال شان را بداند وضعف هاوتوانایی های شان رابه‌بررسی‌گیرد من‌می‌خواهم ادعاکنم که‌سینمای ما تـــاکنـــون نتوانسته است تیپ های زنده‌یی را ارائه‌دهد، شما این نقیسه راچگونه تو ضیح می‌کنید؟

ـمحترم راصع، من نظرت راردنمی‌کنم، اما توهم نباید فراموش_کنی که‌مادر پرودیـــوس های سینمایی بامشکلات ودشواری های‌فراوانی روبرو هستیم که مانـــع تهیه کار های خوب وبی‌عیب میگردد- کمبود وسایل فنی، کمبود پرسونل و مخصوصا بازیگر بااستعداد در سطح که تو آنرا به‌طرح آورده ای .فقرپولـی وده ها پرابلم دیگر ازاین قبیل میباشد که نمی‌گذارد کارها درست به‌انجام آید. دایرکتر در شرایط سینمای مابایك گروه باز یکن‌حرفه وی سروکار ندارد که در هر نقشی بهترین هارا برگز یند وآنها رادر قالب های هنری‌شان جای دهد ، ما مخصوصاتاجای به‌کمبود بازیگن زن درسینما روبرو هستیم که‌وقتی کسی حاضر میشود در فلم بازی کند بی تو جه به سطح ومیزان‌استعدادوتواناییاودراین رشته‌پزیرایش میگردیم ومیکوشیم تاجای امکان از او چیزی بسازیم ـدر این گونه شرایط نباید سطح‌توقع رازیاد بالا ببریم .

بقیه درصفحه ۵۲

بقیه صفحه ۱۵

بسلسله گفت وشنود های...

مقصود شکوری رئیس تنظیم امور اراضی دولت .

همانطور که همه آگاهی دارند اصلاحات دموکراتیک ورادیکال اراضی یک عمل انقلابی بود که به اثر آن قدرت سیاسی، **اقتصادی واجتماعی در روستا های کشور** از فیودالان ، ستمگران و مفت خواران به دهقانان، کارگران زراعتی وزمین داران کوچک ومتوسط انتقال میابد که **این کار به اساس مشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پرتو انقلاب ثور آغاز یافت و تا اندازه ی هم به انجام آمد .**

اما با تاسف وضع اقتصادی ، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما در جریان زمامداری ننگین و نفرت بار امین جاسوس شناخته شده «سیا» **زیر چنان ضربات شدید قرار گرفت که در تاریخ کشور ما نمونه ندارد و اثرات سوء و نابسامانی ها یی که این دوره در زند گی مردم ما** وارد آورد تامدت های مدید جبران پذیر نمیباشد.

در زمینه ضرورت تجدید اسناد متنوع **ملکیت به یك سند متحد الشکل و رسمی** قانونی یاد آور میگردم که کشور عزیزما دارا ی مقیاسها ی مختلف عنعنو ی اندازه گیری مساحت زمین مانند «پیکال تخم ریز» (قلبه) مالیه (پاگا وشنگل) **واندازه گیری حقابه مانند «شبانه روز» «پار شب» «ساعت» «کاسه» «کاریز و درجه زمین به‌نام های (سیر) (من) (پیمانه)وغیره میباشد که‌این امر باعث تشتت‌در محاسبات ملی وسنجش های روز مره شده و در تعد یلات آن مشکلا تی را بار میا ورد .**

به همین تر تیب سند ملکیت زمین نیز در کشور ما متنوع بوده و به نام های: «فرمان» «وثیقه شرعی» «ترکه خط» **«تملیك‌خط» «سند عرفی» «سند مالیه دهی» «ثبت املاك» و غیره یاد میشوند که تنظیم، تعدیل و بر رسی آن موجب ضیاع وقت دوایر وسر گردانی مراجعان میگردد** این مشکلات را میتوان به صورت فشرده **دراین موارد خلاصه کرد :**

۱ـ به وجود آمدن مشکلات در تشخیص مورد حکم سند ها ی مختلف نظر به نبودن نورم وا ستندرد ثابت وواضح .

۲ـ عدم موجودیت اکثر مشخصات کمی و کیفی در چنین اسناد ویا موجودیت آن به شکل نا قص .

۳ـمساعد شدن زمینه ترتیب و ساخت **اسناد جعلی زمین .**

٤ ـ گریز ازمالیه ومسوولیتهای زمیندار .

٥ـ عدم مراعات عدالت اجتماعی نظر به موجود بودن اسناد مختلف در نزد اشخاص مختلف برا ی عین قطعه زمین .

٦ـ عدم مراعات سیستم مناسب ثبت سند و مشخصات زمین در دفاتر مربوط.

۷ـ بروز دعاوی در وقت بهره برداری وانتقال زمین ازیك شخص به شخص دیگر .

۸ـنبودن سند متحد الشکل جهت‌جلوگیری **ازتشتت صدور اسناد مختلف.**

۹ـتعاملات و بیروکراسی پیچیده به منظور تر تیب اسناد زمین .

۱۰ـ در گذشته چون کمیت وکیفیت، حدود اربعه ، حق آبه ، و دیگر مسایل قطعات زمین زمیندار در دفاتر و اسناد معتبر درج نبود ـ احتمال جعل کاری موجود بود ـ اما اکنون سند رسمی ملکیت زمین این احتمال را کاملا از میان میبرد.

به منظور رفع مشکلاتی که از آن یاد کردم و رفع دعاوی بیشمار رو لا ینقطع زمین ـ دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، اسناد ملکیت را به نحو مطلوب وبه منظور بر آورده شدن اهداف اصلاحات ارضی طور متحد الشکل دیزاین گردیده و مطابق احکام قانون تنظیم امور زمینداری و مقرره شماره شوم فرمان شماره‌هشتم مورد تطبیق قرار می گیرد .

محمد رحیم نماینده دهقانان ده سبز:

ـمتحد الشکل شدن زمین ملکیت چه اثراتی در از میان بر داشتن مشکلات دارد ؟

ناتمام

سمسور سپاهی زوی

دنړۍ د پرمختګ په هکله

درسم بنستیز ارزښت

کله چې انسانانو دنړۍ پر مخ سترګې پرانستلې نود نړۍ پر مخ یې راز ،راز شیان تر سترګو ورغی

په هره اندازه چې زمان بدلون ومونداو بشري کهول دزمان په غېږه او د مکان په لمنه کې عمرونه تیر کړل نوبشري کهول ورووررو دنړۍ په ډیرو پټو او پیچلو رازونو پوه شو. چې پدې ترڅ کې بشري کهول پدې راز هم پوه شو چې و کولی شي درسم په واسطه خپل لیدلي اجسام او یاپه بل عبارت خپل دتصوراتو او تخیلاتو مجموعه درسم په ذریعه ځلا نده او ښکاره کړي .دغه کار دتاریخ په اوږدو کې‌به ډول،ډول سره خپل ځان ښکاره کړ یدی کله رسم یوازې دګر ښنو او کله دښکاره اجسامو او کله د محضو تصور او تخیل په چوکات کې داجسامو او شیرو په څیر دنړۍ دمخې دانسانانو له مخیلو نه څر ګند او ښکاره شو یدی .

دنړۍ دمخې هغه انسانان چې درسم په واقعي ارزښت باندې پوه شویدي هغوی هڅه کړ یده چې رسم یوازې درسم په دنیا کې زندانی ونه ساتي بلکې کړي په کړي رسم ته دبشري دژوند اړیکو او آو ښتون سره سم او جوخت‌بدلون او آو ښتون ور کړي اودرسم په ذریعه چې دنړۍ دمخې دټولو اجتماعي ، او ښتونو بنسټ او زیر بناګڼل کیږي زړه پورې او بیساري بدلون ور کړي .

همدغه راز چې دنړۍ دمخې حالات ګړی په ګړی آوړي او راآوړي بشر اود بشر ذهن اودماغ او انفعالات او ضرورتونه هم آوړي او راآوړي او په هره شیبه کې خپل رنګک او اړخ. بدلوي . بشر پخوا هرڅه‌ته په ابتدا یې او طبعي صورت کتل خو کله چې د طبعیت جریان او سرو او تودو بشر پدې پوه کړ چې همدا ـ خارجي نړۍ ده چې دانسان په‌پو ـ هولو او راپو هولو کې لوی لاس‌لري

نود همغې ګړۍ څخه یې دخپل‌چاپیر یال دپیژندلو او خپل ژوند ته دودې اود پر مختګ ورکولو خیال‌او فکر یې‌هم ددماغ په ماغزو کې ورو ګر ځید .

که انسان دنړۍ دمخې دټولو اجتماعي چارو دپر مختګ په هکله ژور فکر وکړي نوپه پای کې دې ـ حقیقت ته رسیږي چې دبشر دپیداـ ینښت نه آن تر ننه پورې بشر بریالی شویدی چې دهمدې رسم‌په سکیل‌او چوکات کې‌خپلې غو ښتنې‌او اړتیاوې ځای کړي او هغه ته وده ور کړي او پر مخبو ځي .

څکه که چیرې په لو مړي سر کې دیوې سا ختما نې چارې لپاره یو سکیل او چوکات موجود نه وي نو بیا هېو دسا ختما نې چارې مخ په وړا ندې تللی نشي . په لو مړي‌سر کې همدا سکیل دی چې درسم په ډول ښکاره شو یدی او یا په بل عبارت رسم دی چې انسان د هغه په لوښې کې خپل ټول مرا مو نه او غو ښتنې ښکاره کوي او بیا په بیلا بیلو ډو لونو او ښکلو نو یې پر ـ مختیا یې اود هغه‌دبد لون‌سره جوخت دبشر په ټولنیز ژوند بنسټیز ـ بدلون او تحول منځ ته را ځي دبشري کهول معا صره ترقي اوپر مختګ خا ص درسم له لو ښې څخه دسکیل له‌لوښې څخه‌راو تلی ښکاري ننني نړۍ لاپدې پر مختګو را ضي او قا نع نه ښکاري شپې او ورځې هاند اوز حمتو نه ګالي شپې اوورځې هڅه کوي تر څو درسم دنیا لاپسې ارته او پرا خه کړي او ددې لوښې په چو کات کې خپل ځانو نه هغو پر او نو ته ور نږدې کړي چې دوی یې دپو هې له مخې اټکل کوي . د مثال په توګه که چیرې مونږه دیوې ودانۍ او یا یوې آلو تکې او یا یوه ـ مو ټر ا صلي جوړونې ته‌په ښه‌شانې ژوره کتنه او پا ملرنه و کړو نو مونږ ته‌پته لګیږي چې‌په‌لومړي‌سرد هغوی

پاتې په ٤٤ مخ کې

در محکمهٔ فامیلی چه خبر است؟

یک ماجرای سردرگم

اینبار تعداد زیاد مرا جعین در دهلیز محکمه فامیلی توجه‌ام راجلب میکنند که انتظار ملاقا ت با رئیس محکمه را دارند.

چهره ها حا لات مختلف دارنـد کسی از گریه چشم و روی سر خ رنگ پیدا کرده ، کسی لبخند ی روی لبانش دیده می شود و غر ق تفکر است ودیگر ی با صدا ی بلند می خندد وبلند، بلندحرف‌میزند،زنی باچادر نماز کودکی را به آغو ش گرفته است ودر حالیکه چا درش را سخت بادندا ن گرفته بدیوارمقا بل دروازه رئیس محکمه تکیه نمـوده است .آنطرف تر دو مرد ،یکی‌جوان ودیگری میانسال گـــو شه ی را انتخاب نموده وساکت نشسته اند ، مرد جوانی هم باقد مها ی آهسته طول دهلیز را می پیما ید و گاهی‌می ایستدوباخود زمزمه ای میکند ...

دوزن چادری دار هم که معلوم میشود نوبت شان اول‌بود به اتاق رئیس داخل می شوند .

ازمیان همه توجه ام را بیشتر **زن جـوا نیکه چا دری فـو لادی** وپیراهن سبزکوتاه بتن‌دارد جلب‌می کند زیرا آوازش بسیار بلندو توا م باخنده وگریه بود .

بطر ف اونزدیک می شو م خود **را معرفی نموده ومیپرسم‌که میتوانم ســـو ا ل کنم کـه برای چه مقصد بــه محکمه آمده ایــد، میگوید** : دهرچه میپرسی بپرس و قبل از ینکه مرا مجال سوا ل‌نمودن بدهد فوراً سر گپ می آید :

ـ اوه همشیره ! دلم کو فـت کده . اگر بقچهٔ دلمه پیشت بازکنم وتو قصهٔ‌مره بشنوی‌تاشو خلا ص نمی شه . مگم اگر میخا ی‌مه کمشه برت میگم . . .

همومردکه ره که می بینی(بطرف مردجوا نی اشاره میکند که کمی دورتر نشسته بود) به سرمـــه دعوی کده ومیگه که مه زنش هستم وچند ماه هم‌یکجا زند گی کدیم ـتو خوب ببین مه‌و او چقه فرق داریـم «خاك به سر او چهره زرد نبو ك‌که مره به این روز نشانده ...»همیشره جان ،مه روز وشو خوده نمی فامم مچم چطورکنم . تازه دو ماه میشه که ازشوهر اولی ام طلاق گرفته ام اومردکهٔ بسیار ظالم بود و قـــتی خیلی خورد بودم مره به‌اوداده‌بودند

یکبار زن جوا ن به گریه می‌افتد ودستهایش را برویش می گیرد و هق‌هق گریه میکند ... مگر بعد از لحظه ایکه دستهایش را از رویش برمیدارد من اشکی ویا آثار اشکـی به چشمایش نمی بینم حتما گر یه **بی اشك بود !**

مرد جوان که کمی دور تر بـود حرفها ی زن را بخوبی شنیده می توانست در حالیکه چهره‌اش حا کی از خستگی وناراحتی زیاد بود وزهر خندی برلب داشت هیچ‌گپ نمی زد فقط طرف زن‌نگاه میکرد .

مردجوان دیگرکه‌قدبلند ی دا شـت وکالای نوبه تن و لنگی به سرداشت خود را برادر زن جوان معر فی‌نموده سخنان خواهرش را با اشاره سر تایید نموده میگفت :

راس میگه ،راس میگه ....

موصو ف به سخنا نش چنیـــن ادامه داد :



این خواهر وبرادر میگفتند کـه‌آنمرد دروغ میگوید وقطعاً طویانـه وباچیز دیگر بما نداده واصلا مساله‌نامزدی‌واینطور حرفهادرست نیست.

اصل‌قضیه اینطور است که همی خواهر مه که شمامی بینید دو ماه پیش ازشوهرش طلاق گرفته و به خا نـه مـا د ه مـر اد خا نـی آمده وبا ما زند گی می کند ده روز قبل بود که بچه‌خاله‌ما ببهانه مریضی بخانه‌ماآمد وگفت به‌شفاخا نه خود رانشان میدهد . چند روز ازآمدنش تیرنشده‌بود که‌از خانهٔ ما قهر کرده ورفت ...

چند روز بعد بودکه به محکمه جلب شدیم ....

برادر زن در حالیکه خیلی جد ی حرف میزد سخنانش رااینطوردنبال کرد ..

خواهر مه ببین و اینرا ببین به کدام روز وحال خود میخوا هه که شوهر خواهرمه شوه... مگم مــه زنده نباشم . دگه‌نمی خوا هم کـه خواهرم زجربکشه همی بچه‌خا لیم از خود زن‌واو لاد داره، مگم‌خواهرمه خوش کده ومیگه‌ما اوره برش داده بودیم ، باش که قاضی صا حب چه میگو ید ...

به طر ف مرد مخاطب که تا هنوز سکوتش را حفظ نموده ویگان دوو دشنام راهم می شنو د مگر مثـل اینکه هیچ کلمه یی نشنیده با شد بروی خود نیاورده و خو نســرد ایستاده است . به اونزدیك میشوم ومی پرسم :

ـ شماحتما سخنا ن اینـــها را شنیده اید . چه نظر دارید ؟

میگوید . بلی شنیدم ، ای‌خواهر وبرادر راست نمی گویند هـــو ش کنی‌که گپ های شانه باور نکـــنی هرچه گفتن راست‌نبود . چند وقت پیش خالیم همی دختره بمه دادچهل هزار افغا نی طویانه خواست کـــه قدری از آنرا نقد وچیز شه جنس (مثل قالین وگلیم و چیز های‌دیگر) برایشان دادم چندوقت هم همراهی شان بودم ، درست است که ز نو اولاد دیگر هم دارم تصمیم داشتم دختر خاله خوده هم که نامزد م‌شده بود طوی کده ببرم همی بود که‌برای کار ضرور ی وبانجام کار ها ی که داشتم به هلمند که‌جای اصلی ام است رفتم همی که پس آمـــد م وضعیت اینها بسیار تغییر کده‌بود که بعد از اینکه خوب به خودمعلوم کدم که اینها ازخیال خود، وکر ده خود پشیمان شدن و دختر را به‌من نمی دهند از خانه‌شان به کوتـهـ

برای رفتم ویکراست به محکمه فامیلی عریضه کدم که‌چرا چی گپ شده‌وپول مه خواز او نامده و .... دوباره ساکت شد .

زن جوان گفت : چشم دروغ‌گو بترقه اینطور انسان بی چشم وروی ده عمرم ندیدم ـ مگم مار سرمه خورده که تره بگیرم چه علاقه یی بتو دارم؟

برو گمشو ای فکر هاره ازسرت دورکو .

برادر زن گفت : ما هیچ‌ازی پول نگرفته ایم خود ماروز گار خوب داریم بلانزدیم که خواهر خوده‌نان داده نتوانم ـ ضرور نیست که‌حتما شوهرکنه همی فعلا خوش اس ومه خوشی خواهر خوده می خواهم حالی باشد ...

وقتی خواستم عکسی از آنها بگیریم دختر چادری خود راجا بجا نموده وبرادرش هم در پهلوی خواهر خود قرار گرفت و گفتند . عکس مارا تنها بگیرید .

بعد زن جوان رویش را به طرف پسر خاله‌اش نموده‌گفت حالی توهم عکسته بگیر .

گفتم باهم گپ دارین هنوز ؟

زن گفت: بلی خداز ده بچه خاله مه اس .

و در ینوقت نوبت اینها می‌رسد وبه اتاق رئیس داخل می شوند .

من برای اینکه ماجرای اینهارا بدانم که بکجا انجامید جریان اینها را که چندی قبل تهیه نموده بودم بچاپ ندادم ومدتی‌بعددر باره اینها از رئیس محکمه فامیلی پرسیدم ـ در جواب گفت بعد از همانروز تاکنون مراجعه نکرده اند. انشاء الله که بیك توافق مثبت رسیده باشند .



این مرد ادعا میکرد که من چهل‌هزار افغانی چیزی نقد وچیزی‌جنس طویانه داده ام .

مقصر ازدواجهای نافرجام کیست؟

ازدواجهای قبل از موقع نه تنها برای خانواده ها واطفال باعث مشکلات می گردد بلکه سبب بروز بعضی پرابلم ها برای جامعه نیز می شود و سوالی که پیش میاید اینست که این عجله برای چیست ؟و عوامل آن چه می باشد ؟

به عقیده روانشناسان و جامعه شناسان عواملی که بعضی از پدران و مادران را علاقمند به ازدواج فرزندان خود در سنین کوچکی می سازد برای خود شان هم واضح نیست بسا دیده شده که والدین ناخود آگاه و غیر معقول به ازدواج فرزندان خود در سنین پائین اقدام میورزند .

بعضی‌از والدین خود شان در ایام‌جوانی کمبود هائی داشته اند مثلا آنها نظر به ایجابات و شرایط محیط و زمان .سطح وسویه زندگی شرایط خانوادگی در قسمت معاشرت‌و بر خورد با محیط اجتماعی ،تهیه لباس وغیره محدودیت هایی داشته اند که میخواهند با جامه عمل پوشاندن آرزو های دیرین بالای فرزندان خویش‌محرومیت های دوره جوانی خود را جبران کنند .

برخی هم با فراهم نمودن شورو نشاط در اطراف خود میخواهند خاطرات جوانی خود را زنده نگهدارندوبرای اینکار سرگرمی های برای پسر و یا دختر جوان خود فراهم میسازند ،و فرزندشان هر چه بخواهند بدون کوچکترین ممانعتی میتوانند انجام بدهند مثلا فرزندانی آنها با خاطر آسوده دوستان خودرا درپارتی های رقص، سگرت و حتی قمار دعوت می نمایند که چنین وضع سبب لجام گسیختگی و انحراف در جوانان گردیده واکثرا به عشق های آتشین و ازدواجهای قبل از موقع‌منجر میگردد .

در قسمت تهیه لباس نیز گاهی والدین بی‌توجه میباشد مثلا برای دختران شان لباس هائی انتخاب میکنند که خیلی بالاتر از سن شان میباشد و یا آنها را آزاد میگذراند که هر چه خواستند بپوشند وخودرا بیارایند طبعا لباسهای جلف و نیمه برهنه ویا خیلی تنگ وآرایش غلیظ در کوچه وبازار ومجالس ومهمانی ها نظر ها را بطرف خود جلب نموده و زمینه خواستگاری و ازدواج برای دختران بوجود می آید .

گروهی هم طرفدار این عقیده هستند که معاشرت پسرو دختر از آوان کودکی‌سبب میشود تا در بزرگی ، آنها از همدیگر شرم وو حشت نکنند درحالیکه جامعه شناسان مخالف این عقیده بوده و مستقیما میگویند که : بازیهای ساده کودکانه،درس‌خواندن پسر و دختر در مکاتب به جای خود مگر در صورتیکه همین بازیهای کودکانه تا سنین بالاتر ادامه بیابد و جایش را به معاشرتهای بی قید و بند بدهد ممکن عواقب ناگوار وخطرناکی ببار آورد.

والدین باید بدانند که برای ورود درهر اجتماع ، هرسن ازخود اقتضای خاصی دارد درست نیست که آنها پسر و دختر نوجوان خود را که هیچ تجربه و آمادگی قبلی ندارند وارد اجتماع بزرگتر ها میکنند و انتظار هم دارند که گمراه و منحرف نشوند.

روانشناسی درینباره گفته است: پدران و مادرانی که در جوانی با ندازه‌دوستان وآشنایان‌شان‌سوکسه‌مقبولی ویاصفات دیگر نداشته اند، همیشه دروحشت و ناراحتی‌این بسر می برند که مبادا دختر و یا پسر شان نیز دچار چنین وضعی بشوند واز ترس آنکه نکند چنین چیزی پیش‌بیاید فرزند خویش را تشویق میکند که هر چه بیشتر از جوانی وشادابی جوانی‌استفاده کند و هم این را برای خود نوعی افتخار میدانند که خواستگاران‌متعدد به پشت دروازه شان صف ببندند و جوانان برای بدست آوردن دختر شان سرودست همدیگر را بشکنانند .

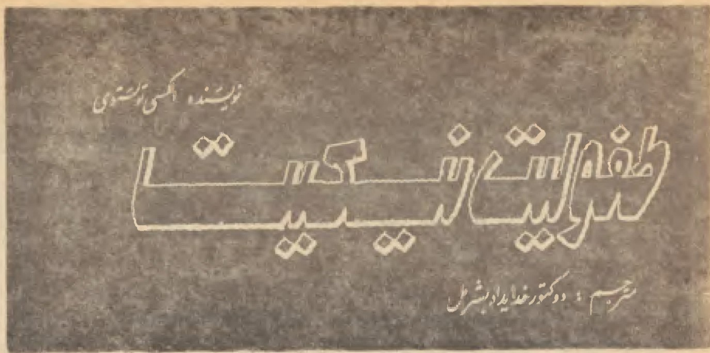
روانشناسان و جامعه شناسان برای آنعده پدران و مادر انیکه دختران‌وپسران جوان دارند بعد از تحقیقات ومطالعات وسیع توصیه هایی نموده اند تا آنها با بکار بردن این توصیه ها تا اندازه‌یی مانع از دواجهای نافرجام وقبل از وقت آنها گردند و به آنها اجازه بدهند تا تحصیلات خود را تمام و با عقل و فراست همسر آینده خود را انتخاب کنند .

۱ـاز معاشرتهای بی قید و شرط‌دختران جوان با پسران مخصوصا در سنین‌پائین جلو گیری نمائید وازین بیم نداشته‌باشید که دیگران شما را کهنه فکر و قدیمی بگویند بلکه آیند فرزند تان اهمیت بیشتر دارد . وهم متوجه باشید که دختران تان چگونه دوست وخوار خوانده یی دارند پی بردن به‌شخصیت وطرزتربیت دوست شان نیز مهم می باشد .

۲ـدختر و یاپسر جوان باید بدانند که اوقات بیکاری خود را چگونه سپری نماید و چطور به اجرای کار های مثبت اقدام نماید.

۳ـهرگز به فرزندان تان اجازه ندهید که از بزرگتر ها تقلید بی جاو بی موقع کنند مخصوصا در قسمت حرف زدن ، رفتار ، کردار و همه کارهای شان‌متوجه باشید سن نوجوانی بسیار خطرناك است کوچکترین‌غفلت‌سبب لغزش‌وانحراف‌جگر گوشه هایتان می گردد که پشیمانی سودی نخواهد داشت .

بقیه‌در صفحه ۵۰



را حشرات آبی، کرم های حشره وبقه های چوچه تشکیل میداد ، در زیر قایق شنا می کردند ، عنکبوت هابر روی آب می دویدند، زاغ ها از آشیانه های شان از فراز بیدها بسوی شان میدیدند .

وازیلی نیکینویچ طناب حلقه دار شخصی دریا سالار را بریسمان بادبان کشتی بست، بالای آن یك بقه كـه برپا های عقبی اش بریك زمین سبز ایستاده بود رسم شده بود، در حا لیکه گـونه هایش راپف نموده‌بـود به کشیدن ریسمان بادبان پرداخت ، طناب کوتاه حلقه دار بالای دیرك قرار گرفت ودر قله‌اش منتشر گردید، زا غها از آشیانه هـای شان از بید هاپرواز کردند، با اعلان خطر فریاد نمودند .

نیکیتا بـرقایق سوار شد وجایش را در سکان قایق انتخاب کرد ، ارکادی چمچه هارا گرفت ، قایق درآب عمیق تر نشست، بعد بالاشده از ساحل دور گردید و برسطح آئینه وار حوض که بیدها، سایه بان سبز، پرنده هاو ابرهارا منعکس می نمود سبـك تربحرکت آمد، قایق بین زمین و آسمان شنامی‌کرد، یك جمعیت پشه بالای سرنیکیتا جمع شد، آنهاگردهم هجوم آورده وباقایق راه می رفتند .

«بسرعت تام به‌پیش ، سرعت تام!» وازیلی از ساحل فریاد زد :

مامی دست هایش را حرکت داد وخندید، ارکادی چمچه زد واز میان نی زار سبز و کوتاه به مرغابی ها رسید، بافریاد و تـرس نیمه آب بازی می کردند ونیمه در پـرواز بودند .

«برکشتی سوارش کـن ، سالاربقه ها!، هورا ! ـ وازیلی نیکیتیویچ فریادزد:

زیلتوکین ...

زیلتوکین بریك تودهٔ گیاه در آفتاب بیـن کنج دالان ودیوار خانه نشسته بود، اونیکیتا وابا هراسی کـه در دلش بود می دیـد . سرزیلتوکین (یك نوع مرغی‌است) برپشتش آرمیده بود، منقارش باتریشهٔ زرد مستقیما پایین برموهای انبوه وکوتاهش قرار داشت. تمام پرهای زیلتوکین ژولیده بود، پاهایش به بالا بزیر شکمش کش شده بود. وقتیکه نیکتیا بسویش خمید او منقارش راباز کرد تابچه را بترساند . نیکیتا او را بین دودستش گرفت، اویك ساربود، هنوز رنگ خـاکی داشت . معلوم بود کـه می خواست از آشیانه اش دورتر پرواز نماید، چو نکه بال هایش هنوز مهارت کافی نه داشتند بز مین افتاده بود در کنج بالای برگهای کاسنی که برزمین هموار بود پناه گاه اختیار نموده بود. قلب (زیلتوکین) در نا امیدی ضربه می زد «قبل ازینکه نفس برآرم» او تصور کـرد «اومرا خواهد خورد،» ـ اوالبته می دانست که چطور کرم ها، مگس ها وکرم هـای درخت را بخورد .

پسر اورا بدهنش بالا کرد (مراد از پسر همان نیکیتامی باشد) چشم های زیلتوکین بایك پرده پوشیده بود ، قلبش در زیر پر هایش پرید، اما نیکیتا تنها برسر او پف کرد واورا با خود بخانه برد ، باین معنی‌که او گرسنه نبود واوزیلتوکین را بعد تـر خواهد خورد .

زمانیکه الکزاندرا لیرنتیفنا ـ سار ـ ردید آن را مانند نیکیتا بالا کرد وبردست گرفتـه برکله اش پف کرد . «اوبسیار خورد است ، بیچاره،» اوگفت «چنین منقارزد، زیلتوکیـن.»

آنها سارا رابر آستانهٔ کلکین که بسوی باغ باز شده بود وباپرده حمایت می شـد گذاشتند ، داخل کلکین نیـز از نصف بـالا با یك پرده پوش شده بود ، زیلتوکیـن فورا چاپلوسانه فروتنی کرده تلاش کردکه نشان دهد او حیات خودرا از آن نخـواهد فروخت، در بیرون، آنطرف پردهٔ سفیـد، برگ ها در اهتزاز بودند، گنجشك هـای حقیر دزدان ورذیل ها، دربته هادادوبی‌دادمی کردند، طرف دیگر، همانطوریکه در عقـب پرده، نیکیتا بطرف اومـی دید و چشما نش بزرگ بود، نفهمیدی وافسونگر بودند ....

«من گم شده ام، من گم شده‌ام،» زیلتوکین تصور کرد .

هنوز هم نیکیتا شام اورا نخورد ، نـام زیلتوکین از **کلمهٔ روسی «ژولتی» بمعنـی** زرد گرفته شده زیلتوکین بسوی کرم کور سرخ که در جلو بینی اش مانند یك مارپیچ وتاب می خورد از زیر چشم دیـد، « اورا نخواهم خورد، آن یك کرم حقیقی نیست ، این یك فریب است .»

آفتاب غروب کرد اما هنوز هم چشما ن خواب آلود زیلتوکین، باآستانه کلکین متوجـه بود، وباپنجه هایش محکـم چسپیده بود ـ چیز دیگر نبود که دیده‌شود ،پرنده هـای باغ خاموش شدند . یك رایحه شبانه ازاثر رطوبت وگیاه احساس می گردید. سـروی عمیق تروعمیق تر در پرهایش فرو رفـت . باحوادث ناگهانی ، زیلتوکین به جلو وبعد به عقب بالای دمش تکان خورده پر هـایش را ازغضب درهم وبرهم نموده دو باره بخواب میرفت ، اما گنجشك ها اورا بیدا کردند ، آنها آشوب برپا می نمودند ، برشاخه ها ی درختان ارغوان باهم می جنگیدند . یـك سارهم با شتراك هدهد در یك فا صلهٔ دور با صدای خوش وشیرینش به سرودن آغاز نمود . «تحملش را ندارم، آنقدر گرسنه ام که‌احساس نـاخـوشی میکنم » زیلتو کین تصور نموده وکرمی را دید که در میان درز آستان کلکین فرورفته ، بالایش جست زده واز دمش گرفته آنرا بیرون آورد وبلع نمود. «بدنبود، یك کرم لذیذ،» در خاطرش خطور کرد .

نور آفتاب به شعاع آبی تبدیل شد، پرنده ها بسرودن پرداختند ، یك شعاع روشن و گرم نور آفتاب از لابلای برگهای درختـان برزیلتوکین افتاد. «خوب، هنوزهم زنده‌ایم.» درتصور زیلتوکین آمد، به جست و خیـز شروع کرده مگسی را قاپید وبلع کرد .

درهمین لحظه آواز قدم های کسی بگوش رسید، نیکیتا به کلکین آمد و دست‌بزرگش رابه عقب پرده دراز کرد، او انگشتانش را کشود ومگس هاوکرم هارا که روی آستانهٔ کلکین بود منتشر نمود، زیلتوکین از ترس دوباره به‌کنج خود رفت، بالهایش را کشود، بطرف دست دید اما آن بالای سرش پرید وبعدا پشت پرده ناپدید گشت ، دو بـاره همان چشم های جذاب ودرخشان به‌زیلتوکین خیره گردید .

نیکیتا رفته بود ، زیلتوکین پر هایش را بامنقار صاف نمود وبفکر کردن پرداخت . «پس با اینکه او می توانست مـرا نخورد . پس او پرنده ها را نمی خورد . پس جـای ترس وجود ندارد .»

زیلتوکین بقدر کفایت خورد ، پرهایش را بامنقار خود صاف نمود ـ بامتداد آستانه کلکین بجست وخیز پرداخت بیرون بـه گنجشك هادید ـ گنجشك پیری بنظرش‌خورد که پرهای سرش ژولیده بود ـ به آزاردادنش شروع کرد سرش را باشلاق پیش و پس میکرد : «فیـوت، چلـك، فیوت،» گنجشك قهر شد ـ سینه اش راباز نمود وبا منقار باز بسوی زیلتوکین پرواز نمود ـ نیکیتا دو باره آمد ، دستش را پشت پرده برد اما این بار دستش خالی بود وآن را نزدیك پرنده برد ـ زیلتوکین بالایش جست ویك انگشتش را باتمام قوه اش نول زد ـ به عقب جست وآمادهٔ جنگ شد اما نیکیتا تنها دهنش را باز نمود وغرید ، «ها،ها،ها.» روزبهمین منوال گذشت. چیزی نبود که بترسد ، غذا بااینکه کمـی یکنواخت بود باز هم خوب بود ـ زیلتوکین بمشکل برای غروب انتظار کشیده می توانست وآن شب بسیار خوب خوابید . روز دیگر بعد از ناشتا ـ او خواست از پشت پرده دورتر بگریزد ، او دورا دور تمام کلکین جست و خیز زد اما یك درز کو چکی هم نیافت‌سپس بطرفش پرید وبه نوشیدن آغاز نمـود ـ منقارش را از آب برکرد ـ سرش را به‌عقب برد وقرت کرد ـ از گلویش یك چیزمدور کوچك پائین رفت .

این یك روز دراز بود ـ نیکیتا کرم هـای زیادی آورد وکلکین را با پرهای قاز پاك‌نمود بعداً گنجشك بایك زاغچه جنگید و چنـان ضربهٔ خورد که مانند یك سنگ از لای‌برگ ها پائین برزمین افتاد ودر حالیکه همه پـر هایش سیخ شده بود، به بالادید .

یك زاغ دیگر نیز بعلت نامعلومی مستقیماً نزدیك کلکین پرید ، چند آهنگ زمزمه کرد ، تندتر پرید ، دمش را جنباند و کدام حرکت معنی داری از او سر نزد ـ یك‌سینه سرخ برای وقت زیادی سرود وبا شرینی‌راجع به شعاع گرم آفتاب ودر مورد خواص عسل نغماتی سر داد ـ این کار زیلتوکیـن را غمگین ساخت ، بحدی که در گلویش غرغر می‌کرد ـ اوهم می‌خواست بسراید لیکن اودر کجا می‌تواند این کار را انجام دهد .؟ نـه در کلکین ، در یك قفس .... ! دو بـاره در آستانهٔ کلکین سفرش را آغاز نمود ویك حیوان ترسناك رادید : او بالای پاهای کوتاه ونرمش می‌خزید ـ شکمش روی زمین کش می‌شد ـ سرش مدور بود ، موهای پراگنده اشی شخ به بیرون برآمده بود ، چشمان‌سبز داشت وحدقه‌های کوچکش‌از شرارت شیطانی روشنانی می‌داد ـ زیلتوکین بزمین هموارشد وتکانی هم‌نخورد.

وازیلی وازیلی ویچ (پشك) بانرمی جست، به کنار آستانهٔ کلکین خود را باپنچه هایش چسپاند ، از لای پرده بسوی زیلتوکین دید ودهانش را باز کرد ... اوه خدایا ! نیشس های دراز تر از منقار زیلتوکین .... در دهن بود !.... پشك باپنچه اش مجادله نمود وگاز را پاره ساخت ... قلب زیلتوکین فرو رفت. بال هایش پائین آویزان گردید . درهمین وقت : نیکیتا پیدا شد وپشك را از پوست‌نرم گردنش گرفت وبطرف دروازه پرتاب کرد ـ وازیلی با غضب نالید، در حالیکه دمش را بود که در آب غرق نمی شد ـ او با احتیاط پائین گرفته بود ، رو بفرار نهاد . زیلتوکین بعد ازین تصادف تصور می کـرد ، «هیچ حیوانی قوی تر از نیکیتا وجـود ندارد .» وقتیکه نیکیتا دوباره آمد او گذاشت تابـر سرش دست بزند بااینکه از ترس بردمش عقب‌نشست . باین شکل این روز پایان یافت ـ صبح دیگر زیلتوکین که بسیار خوش بود در حدود قلمرو خود برای تفتیش به سفـر رفت وناگهان سوراخی که گربه در پرده ایجاد کرده بود بنظرش خورد ـ زیلتوکیـن سرش را از سوراخ بیرون کشید ، اطرافش رادید ، بیرون شد ، بجریان هوای ملایـم پرید وبال هایش را دیوانه وار باهم زد ـ فقط روی زمین خاله می پرید ... وقتیکـه بدروازه رسید باطاق دیگر که چهار نفردور یك میز مدور نشسته بودند پرواز کرد ـ آنها در حال خوردن بودند وپارچه های کلان غذا را گرفته در دهن شان گذاشتند ، هر چـار آن سر های شان را دور دادند وبدون‌حرکت زیلتوکین را تماشا می کردند . او می‌دانست که باید در هوا توقف کوتاه نموده بر گردد ـ اما او این دور مشکل را در پرواز نمی‌توانست انجام دهد ـ بایك بالش زد وبر میز بیـن

ظرف مربا وکاسهٔ قند نشست ـ بعدآدید که نیکیتا در مقابلش نشسته ـ بدون تاخیر بظرف مربا پرید ، از آنجا به شانهٔ نیکیتا وهمانجا باپرهای نامرتب ،وچشمان نیمه باز نشست.ـ او برشانهٔ نیکیتا مدتی نشست سپس زیر سقف پروازنموده مگسی‌را گرفت ،بردستگاه رابری که‌درکنج گذاشته شده‌بود فرود آمد، دور شمع دان چند شاخه چرخ زد، احساس گرسنگی کرده ودو باره به کلکینش پرواز کرد که در آنجا کرم های تازه انتظار اورا داشتند .

طرف شام ـ نیکیتامودل یك‌خانه‌چوبی‌کوچکی را که یك دالان ویك دروازه ودو کلکین‌داشت باخود آورد وبر کلکین گذاشت . زیلتوکین ازآن خوشش آمد ـ درونش تاریك بود ـ او بداخل آن پرید ـ دوسه بار دور خوردو بعداً بخواب رفت . در همان شب وازیلی‌یعنی آن گربه نسبت به جرمی که کرده بود در یك ذخیره خانه (تحویلخانه) محبوس شده بود ، با خشونت میومیو می کرد وحتی نمی خواست موش بگیرد . او فقط نزدیك درنشسته بود وآنقدر با عجز میومیو می گفت که حتی خودش هم احساس نا راحتی می کرد .

حالا خانه عضویت سوم قلمرو حیوانات را هم پیدا نمود ـ برعلاوهٔ خار پشت و پشک ـ زیلتوکین نیز جا گرفته بود .ـ او بسیار خود مختار ، ذکی وبا تدبیر بنظر می رسید ـ او علاقه داشت باشخاصی که حرف می زدند گوش دهد ووقتیکه آنها نزد میز می نشستند او گوش می‌داد ، سرش را به یکطرف کج می‌ساخت وبه شکل یکنواخت چهچه می‌زد، «زاشا !» ومی خمید .ـ الکزاندرالیونتیفنا تصور می کرد او برای وی خم می شد ... هنگامیکه زیلتوکین را می‌دید او برایش می‌گفت، : «سلام، سلام!» پرنده گك کوچك! پراز حیات وسرور ..» زیلتوکین فوراً بجای معین خود روی لباسش می پرید ودر هوای آزاد بالاو می رفت . بهمین ترتیب او تا خزان زیست ـ کلان شد ـ پروبال سیاه و بزرگ پیدا کرد ـ روسی راخوب یاد گرفت و تمام روز درباغ بسر می‌برد ، همیشه بخانهٔ کوچکش که در تاریکی برآستانهٔ کلکین گذاشته‌بود مراجعت می کرد .

درماه اگست ـ مینا های وحشی او را اغوا نموده در قطار خود در آوردند وپریدن لازم را برایش آموختند ، وقتیکه او باغ راترك می کند او با طلوع روز روی دریا بسوی افریقا در راهرو پرنده ها پرواز می نماید .

کلیو پك ....

فعالیت های بهاری در کشت زار هابه‌پایان رسید ، باغچه هابیل زده شده وآبیاری‌شدند ودیگر چیزی باقی نمانده بود تا اجرا شود مگر فرا رسیدن روز سنت پیتر که وقت‌درو است ـ گله های یابو های بارکش به‌چرا گاه های آنطرف تالاب که گیاه های خوش مزه داشت برده شده بودند، صبحگاهان بخار آبی رنگ به کشت زار ها بنظر میخورد و درختان سیاه وبزرگ کاج که هر کدام از یکدیگر دور تر قرار داشتند ، طوری معلوم می شد که از اثر هوای شفاف نمو کرده و بالای زمین معلق اند .

ملیشکا کوریا برای وارسی از اسپ ها باگله ماند ـ در حالیکه پاهای برهنه اش‌بر رکاب وآرنج هایش در هوا حرکت می نمود بریك زین قزاقی سوار بود . بامتداد کشت زار های سبز از پشت یك مادیان جوان که‌از گله دور شده‌بود چارنعل نموده و قمچینش را مانند فیر تفنگچه به صدای می آورد ـ و اورا فریاد می زد تا بر گردد ـ بعداً ازاسپ سرکش که فوراً با پرسه وآواز به کندن گیاه شروع می‌کردفرود می آمد وبر یك‌تپهٔ کوچك خاکریز ـ کنار نهر وچوب های تراش شده می نشست ویا اینکه پاچه های پطلونش را بر زده داخل تالاب می شد وریشه ها و پیاز های نی ها را از آب گرم تالاب بیرون می‌کشید . ریشه‌های نی مانند مار سیاه و دراز بودند ـ پیاز طعم ترش اما ریشه ها طعم شیرین ومعطر داشتند لیکن زیاد خوردن آن معده را بدرد می آورد ـ نیکیتا تمام‌روزش را با ملیشکا در کشت زار آنسوی تالاب گذشتاند واسپ سواری راآموخت • بالاشدن برزین مشکل نبود • اسپ پیر خاکستری که مگس ها اورا می‌گزید باآرامی می ایستاد واتفاقاً برای راندن مگس های خود ـ پای عقبی اش را نزدیك شکمش می برد ـ اما وقتیکه بر اسپ سوار می شد جلو رابدست میگرفت واسپ را می راند ـ نیکیتا گاهی‌به یکسو وگاهی بسوی دیگر می لغزید ـ زمانیکه اسپ خاکی در حدود سی قدم برمی داشت نا گهان توقف نموده بخوردن گیاه شروع میکرد ـ نیکیتا ازقاش زین با تمام نیرویش محکم می گرفت وگاهی نیز بالای گردن اسپ می لغزید وپاهایش را بر پاهای مادیان تکیه می‌داد . اسپ به همه این هابابی تفاوتی کامل عکس العمل نشان می‌داد . ملیشکا گفت :

«بزمین افتادن درد نمیکند ، نترس ،تنها اینقدر که گردنت را کش نموده وسعی‌نکن که زمین را بادست هایت بگیری ، خود را مانند توپ بطرف بالا پرتاپ کن ـ نشانت خواهم داد که چطور بدون زین وجلو براسپ بالا شده بپری• »

ملیشکا بطرف یك گروپ اسپ های سه ساله که گاهی برای سواری از آنها استفاده نشده بود دوید ودر حالیکه دست هایش را بسوی شان دراز کرده بود صدا می زد :

«فید، فید، ••• » درین اثنا سنتار ـ یك مادیان خاکی خالدار که پاهای باریك ، گوش های هموار ولب های بخملی داشت بامیدآذوقه بسویش آمد ـ سنتار کلهٔ زیبایش را بطرف نیکیتا پرتاب نمود وبرای اینکه ملیشکا را از خود خشنود کرده باشد شانه هایش را بادندان خود خارید ـ ملیشکا دستش را بر پشت اطلسی اش کشیده او را نوازش نمود ـ سنتار با اخطار به عقب گام گذاشت ـ از شانه اش گرفته بر پشتش جست، سنتار با حیرانی وغضب بیك سو خیز زد ، سرش تکان داد وبقوت پرید، بعد به عقب رفت وبه دوش با یك چارنعل تیز ازگله گذشت. ملیشکا خودرا بر پشت آن چسپانده بود ـ ناگهان مادیان بر روی پاهایش توقف کرد وسپس به عقب رفت ـ ملیشکا مانند توپ بر گیاه افتاددر حالیکه خون رااز خراشیدگی رویش پاك می‌نمود بجانب نیکیتا لنگان لنگان می رفت .

«مستقیماً به شاخچه ها رفتم که از تند وزیدن آنها مادیان مرا بزمین انداخت ،»او گفت ،«اما چون تو بسیار چاق هستی این‌کار را نمی توانی انجام دهی .»

نیکیتا با خود گفت «گردنم را خواهم شکست ،»اما اسپ سواری رابهتر ازملیشکا یادخواهم گرفت • » اوراجع به سنتار بالای میز نان صحبت کرد که مامی را در تشویش زیادانداخت .

« گوش کن ،» او گفت ،« برایت گفتم که حتی نزدیك اسپ هائیکه بسواری عادت ندارند نرو ،» وبا التماس بسوی وازیلی نیکیتیویچ دید .

«وازیا ، حداقل ازمن پشتیبانی کن ... او دست وپایش را خواهد شکست .... !»

«خیلی عالی، » وازیلی نیکیتیتویچ جواب‌داد، «وقتیکه اینقدر باو علاقه داری از سوارشدن وگردش او را منع کن زیرا او خواهدافتاد وبینی اش را خواهد شکست ـ او را دریك مرتبان انداخته در نخ به پیچان وبه یك‌موزیم بفرست .» همین را توقع داشتم ،» مامی‌گفت، «می‌دانم درین تابستان یك لحظهٔ آرام نخواهم داشت ...»

«زاشا! تو باید متوجه شوی که بچه ده ساله شده‌است •»

«معهذا ...»

«لطفا ، مرا ببخش ، من نمیخواهم او یك آدم نازدانه بار آید •»

«کاملا درست، اما این باین معنی نیست که او را فورا تحفه کلیوپك سازی •»

«اولتر ازهمه، یك صغیر هم می تواند سوار کلیوپك شود»

«اونعل شده است •»

«من دستور داده‌ام که نعل نشود •»

«درینصورت هرچه میخواهی بکن، براسپ های وحشی سوار شو، گردنت را بشکنان،» چشمان مامی از اشك پر شده از کنار میز فوراً برخاست وباطاق خواب رفت .

وازیلی نیکتویچ بسرعت ریش خود را بدو بخش نوازش داد ، دستمال کاغذی‌اش را انداخت وعقب مامی رفت، ارکادی که تمام وقت در همانجا نشسته بود طوری که گویی مباحثات با او کاری نداشت ، به نیکیتا دید، عینك هایش را مرتب نموده به نجوا گفت :

«حالت خوب نیست، برادر!»

«ارگادی ایوانوویچ، مامی را بگو من نخواهم افتاد، قسم می خورم، نخواهم ...،»

«شکیبایی، تحمل و ثبات شخصیت،» ارکادی ایوانوویچ بازرنگی یك مگس را که مکررا میخواست بر بینی اش بنشیندگرفت،«سه صفتی است که اگر می خواهی سوار کار خوب باشی برایت ضروری است،» در عین زمان با صدای بلندی که در اطاق خواب مشغول گفتگو بود به آواز بلند گفته شد «درین سن بچه‌هاکاملا آزا دانده » در کجا آزاداند ؟» مامی با یاس گفت : «در امریکا آنها آزاداند .» حقیقت ندارد .» من میگویم که در امریکا بچه ها آنقدر آزاداند که ما وشما هستیم » خدایا ، اما ـ امادرامریکا نیستیم ...»

صحبت بر سر آزاده یك هفته طول‌کشید. مامی تسلیم شده بود وبا غمگینی بسوی نیکیتا می دید، گویی که یقین داشت‌نیکیتا برای نجاتش ترتیب اثری خواهد داد . در جریان هفته نیکیتا متداوما در میدان کنار بزرگ ، در قسمت بالائی در جائیکه دوشیشهٔ تالاب درس های سوار کاری رافرا میگرفت، ملیشکا اورا تمجید نموده و چال تند سوار شدن را برایش نشان داد، بادویدن، جستن وبرنهایت عقبی پشت اسپ نشستن را، مانند جفتك بازی .

«اوترا انداخته نمی تواند ـ در همین وقت این کار را کرده نمیتواند، وقتیکه میخواهد تراپایین اندازد برکفل آن سوار شده می باشی •»

بعد از مدتی در ختم ناشتا در بالاخانه در جاییکه نبات هندی (مانند عشقه پیچان) برتار بالامی شد و سایه اش بر روی میز، پیاله وروی آنها افتاده بود، مامی ، نیکیتا را نزدش خواست او را پیش رویش ایستاده نموده با آواز پر از قهر گفت : «تومیدانی که ده ساله شدی، وتوباید آزاد باشی، درسن توبچه های دیگر کاملا، کاملا » صدایش لرزید وباترشرویی بجانب پدر نگریست . «مختصر اینکه پدر راست میگوید تو دیگر یك طفل نیستی• » وازیلی نیکیتیویچ چشمانش راپایین وبرکنار میزبه طبل زدن پرداخت . «فردا، مابه کیمبولاتووا می رویم وتومیتوانی برکلیوپك سوار شوی ••• تنها پرسیدم، «مامی ، قسم می خورم هیچ چیزی بمن رخ نخواهد داد،» ونیکیتا چشمانش، رخسارهایش زنخ ودستهایش را که بوی انگور را می داد بوسید، روز دیگرنان شام را وقت ترخوردند وازیلی نیکیتویچ به نیکیتا گفت تازین را بردارد ، یك زین انگلیسی خاکی که از پوست بزکوهی ساخته شده بود ودر عید مسیح برایش تحفه داده شده بود ، و دروقت رفتن به اسپ خانه ها برایش گفت :

«توباید مهتری اسپ، زین کردن ومالیدن اورا بعد از سوار کاری یاد بگیری . از اسپ باید مراقبت لازم صورت گیرد، اوباید پاك شود ، اگر چنین شود، تویك سوارکار خوب خواهی بود .»

ناتمام



پیوست بگذشته

هیله

از تاریخ باید آموخت

جوانان رزمنده‌ی وطن !

بنظر نگارنده تاریخ سرزمین افسانوی و باستانی هند هرچه بیشتر، مبسوط تر ووسیع تر تشریح شود و اززاویه های جداگانه بررسی وتحلیل شود به همان اندازه مفید وآموزنده است زیرا این رویداد های تاریخی درپهلوی آنکه چگونگی مبارزات مردم شریف هندرا بااستعمار انگلیس نشان میدهد چهره واقعی استعمار، ارتجاع وامپریالیزم را هم می نمایاند و به ماوبخصوص جوانان می آموزاند که استعمار چون هیولای خطرناك وسفاك هستی جامعه ی راکه برآن مستولی شود برباد می دهد ودر ظلم واستبداد واستثمار هیچ رحم و مروت وقناعت از خود نشان نمیدهد ، برای آموزش خوبتر گفتار بالا ومستدل شدن کلام بخشی از نوشته‌ی «ویل دورانت» فیلسوف ونویسنده‌ی امریکایی را در ینجا نقل می کنیم : «وی در کتاب معروف خود بنام«اختناق هندوستان» می نویسد:

تاسال ۱۹۰۷ بودجه‌ی تمام معارف هندوستان که تحت اداره‌ی انگلیس بود دو ملیون دالر وبودجه نظامی آن برعکس چهل وسه ملیون دالر بود ولی باید دانست که مقصد انگلیسی درهند، معارف ابتدایی نه‌بلکه تمویل مدارس عالی بود که بتواند هندی را انگلیسی بسازد... مالیات روز افزون‌انگلیسی نیم عایدات دهقان هندی رابه اسم و رسم گوناگون از دستش می گرفت ومردم را مجنون ووحشی می‌ساخت . باوجودآن‌انگلیس جداً می کوشید ، هندوستان را یك کشور زراعتی بسازد نه صنعتی زیرا خود انگلستان صنعتی بود وباید محصول صنایع آن درهند مصرف می شد . واردات انگلیس در هند از پرداخت مالیه کاملا معاف بود، در حالیکه صادرات هند باید مالیه ی گزافی می‌پرداخت. در فابریکه های هند انگلیسی دو ملیون هندی (بشمول اطفال وزنان) در هفته‌ی ٥٦ ساعت کار می کردند، زنان کارگر اطفال خود راباخوراندن تریاك‌می‌خواباندند تا خود شان بتوانند در فابریکه بیشتر کار کنند. مشروبات عمدا از طرف انگلیس در هندترویج می گردید وتریاك از طرف خود انگلیس ها در هند کشت می شد وبفروش می رسیدواز درك فروش تریاك یك نهم بخش عایدات دولت استعماری بدست می آمد .

زعمای هند لوایحی را جهت منع کشت واستعمال تریاك ارائه می کردند ولی از طرف انگلیسها بشدت رد می شد . انگلیس به حیل وتوطئه های گوناگون مبارزین آزادیخواه هندوستان رابه تریاك معتاد می ساختند . در هند رسما هفتصد دکان تریاك فروشی مفتوح بود ودر برما مردم را جبرا ومجانا تریاکی می ساختند .

آری استعمار وآنهم استعمار امپریالیزم چون حیوان درنده خوی ودرعین حال روباه محیل هر آنچه ملت ومردم تحت استعماررا ترسو، تنبل وبدبخت می ساخت بر آنهاتحمیل می‌نمود» جوانان مادر پهلوی آنکه از رویداد های زمان تسلط انگلیس برهند به ماهیت اصلی استعمار خو بتر پی میبرند یك حقیقت دیگر رانیزمی بینند وآن اینکه اگرانگلیسها در زمان استعمارگری خود برهند و سایر نقاط جهان مخدرات از جمله تریاك و چرس وغیره راترویج می‌گردند وبازور وحیله مردم وبخصوص مردم آگاه، وطن پرست و مبارز رابه آنها معتاد می ساختند اینك حالا خود دولت های ممالك امپریالیستی چیزی را که کشت کرده بودند درو می کنند . وبگفته‌ی سخنور نامدار شیراز یعنی شمس الدین محمد حافظ شیرازی که چه خوش گفته است :

«مزرع سبز فلك دیدم وداس مه‌ی نو
یادم از کشته‌ی خویش آمدوهنگام درو
هرکه در مزرع دل تخم وفا سبز نکرد
زرد رویی کشد از کشته اش هنگام درو
ویاسخن پرمفهوم پیر خرد مند عبدالرحمن بابا که گفته است :

ادامه دارد .

خوشبختی خانواده به‌چه‌عواملی ارتباطدارد؟

دست یافتن بیك زندگی دلخواه وایده‌آل آرزوی هر خانواده وبخصوص آرزوی هر زن وشوهر است . زیرا حیات خانوادگی اگر توام با خوشی وسعادت نباشد ازبد ترین وجانگداز ترین لحظات زندگی انسان بشمار خواهد رفت وبه یقین هیچ خانواده وهیچ زن وشوهری را سراغ نداریم که نخواهند زندگی شان دلخواه ودوستداشتنی باشد ولی گاهی اتفاق افتاده که این روابط شیرین وسعادت بار خانواده رابعضا مسایلی بظاهر بسیار کوچك و پیش پاافتاده کدر وتاریك میسازد.

برای اینکه از اینگونه مسایل جلوگیری بعمل آید چه باید کرد ؟

این سوال را بهتر است اززن وشوهریکه در طول زندگی خانوادگی شان کمترین ناراحتی داشته وهمیشه خوشبخت وسعادتبار زندگی کرده اند پرسید .

زن میگوید : به عقیدهٔ من بهترین راز خوشبختی یك خانواده موجودیت یك یا دو کودك در خانواده است . زیرا وجود کودك نشاطی را برای خانواده می‌آورد که قابل تخمین نیست . بهر حال باید هرزن و شوهر که خواهان زندگی سعادتمند خانوادگی می باشند باید بیشتر از یك تا دو کودك نیاورند. این‌امر دو مزیت دارد: اول اینکه پدرومادر میتواند از تربیت سالم کودك بدرستی بدر شود . دوم اینکه مادر باداشتن یك یاد وکودك



به امور منزل وارسی کرده میتواند زیرا تنها مسایل تربیت کودك نیست که خانواده را خوشبخت می سازد، بلکه ده ها مساله دیگر است که هریك آن به‌نوبه خود در امر خوشبختی خانواده نقش مهم وارزندهٔ دارد .

یك موضوع را نباید از نظر دور داشت که بعضی از خانواده ها وبخصوص بعضی ازپدر هاومادران برای اینکه پسری داشته باشند اولاد های زیادی را بدنیا می آورند ، که‌این امر بعد هاباعث ناراحتی ومشکلات فراوان برای خانواده میگردد . همانطوریکه قبلا تذکر دادم داشتن یك یادو کودك برخانواده حلاوت وشیرینی وگرمی می بخشد وبیشتر ازپیش خانواده را سعادتمند میسازد اماهمینکه تعداد کودکان در خانواده زیاد شد، چون پرورش وتربیت آن مشکل است این وضع باعث یك سلسله ناراحتی های برای پدرومادر میگردد که محیط وفضای خانواده را بیشتر تحت تاثیر خویش قرار میدهد .

هرپدر ومادر که‌به سعادت خانواده شان علاقمند اند و به آینده کودکان شان توجه دارند باید این موضوع را بخاطر داشته‌باشند که تربیت وپرورش کودك در شرایط امروزی کاری سهل وسادهٔ نیست، بدین مناسبت باید هرپدر ومادر توجه نماید که داشتن کودکان متعدد وقدونیم قد برعلاوهٔ اینکه تربیت وپرورش سالم آنان مشکل است ممکن است این امرباعث ناراحتی‌های زیاد خانوادگی گردد .

شوهر در این مورد میگوید :

من حرفهای همسرم را قبول دارم ودرضمن علاوه میکنم که تنها وجود کودك نیست که خانواده را خوشبخت میسازد ، شاید باشند خانواده هایکه اصلا صاحب کودك نباشند اما در زندگی و حیات خانوادگی شان خوشبخت اند.

پس من چنین عقیده دارم که یگانه مساله خوشبختی بین خانواده ومخصوصا میان زن‌و شوهر دوستی و رفاقت بین آنهاست . وقتی زن وشوهر از همدیگر شان شناخت داشته

ژوندون

باشند این امر بین آنها علاوه از ارتباط زن وشوهری نوع دوستی ورفاقت را بوجودمی‌آورد که در امر خوشبختی خانواده رول بسزایی دارد . شکی نیست که بسیاری از جوانان امروزی ماکه تشکیل خانواده را میدهندبدین نکته ملتفت اند که دوستی ورفاقت وهم‌نظری وتوافق های روحی عوامل مهم خوشبختی در خانواده محسوب میگردد .

زمانیکه بین زن وشوهر علاوه از روابط زن وشوهری رابطه رفاقت وجود داشته باشد بسیاری از مسایل وپرابلم های زندگی که خواه ناخواه هرخانواده به آن سردچار می گردند بدون کدام مشکلی حل میگردد.

اشتراك مساعی در امور منزل یکی ازمسایل بسیار مهم در امرخوشبختی خانواده محسوب میگردد . وقتیکه زن وشوهربین شان صمیمیت ورفاقت موجود باشد کارهای منزل را بااشتراك هم پیش می‌برند واین امر بیشتر بـر دوام واستحکام خانواده می‌افزاید امروز که‌ایجابات عصر وزمان حقوق زنان رابا مردان مساوی ساخته است پس‌مردنباید فکرکندبرای‌اینکه‌مرد است در کار های خانه سهم نگیرد . دیگر زمان مرد سالاری سپری شده امروز زن و مرد هردو در تمام مسایل زندگی دوش بدوش هم کار میکنند وعرق می‌ریزند پس آن شوهرانیکه با عقاید گذشته که مرد نباید به امور منزل دست بزند واین تنها وظیفه زن است که در منزل کار کند بدانند که اگر واقعا می خواهند خوشبخت باشندوزندگی خانوادگی شان سرشار از لطف وصمیمیت و یکرنگی باشد باید در امور منزل با همسر شان کمك کنند وهرگز اینطور فکر نکنند که چون مرد در خارج از خانه مصروفیت های دارد پس نباید در کار های خانه با همسرش کمك کند . چه دیده شده که زنهاهم مانند مردان مصروفیت های اداری دارند ومانندآنان کار میکنند، زحمت میکشند وعرق میریزند. بناء زن هم از خود خستگی دارد وانرژی‌صرف میکند پس بادرك این حقایق است که مرد نباید یکجانبه قضاوت کند و کوشش نماید که زن رادر امور منزل یاری دهد وهمین مسایل کوچك است که تضمین کنندهٔ خوشبختی خانواده محسوب میگردد .

عبدالخلیل رومان

جوانان و نقش آنها در جامعه

بر همگان معلوم است که جامعه دارای یك سلسله قوانین میباشد که ناگزیر طبق آن باید تکامل نماید . برای ساختن یك جامعه امر ضروری است که باید پدیده‌های کهنه جای خویش رابه پدیده های نوبگذارند. یا بعباره دیگر سر انجام پدیده زوال یابنده بابه سر آغاز پدیده های رشد یابنده باشد، ازینرو برای ساختن جامعه نیروی خروشان که بطور جدی آن رابا ید درنظرگرفت همانا نیروی جوان میباشد. این نیروی محرکه در جامعه وزندگی اجتماعی رول بسزایی را دارا میباشد که باید طوری سازماندهی شود که بتواند برای هرنوع فداکاری خدمت و ازخودگذری آمادگی جسمی و معنوی داشته باشد.

از آنجاییکه جوانان سازندگان جامعه خویش میباشند وفردای کشور به جوانان‌امروز تعلق میگیرد وجوانان چرخانندگان چرخهای آینده کشور خویش میباشند، بیشترجوانان طرف توجه قرار میگیرد باید طور آگاهانه وفداکارانه از آوان جوانی قسمی خو درا پرورش دهیم تا از قضاوت نسل های آینده سرفرا زبدر آییم وهر عملی راکه انجام میدهیم سطحی ننگریم ودر کار های خویش نظر انتقادی داشته باشیم .جوان امروز دیگر بیشتر از دیروز باید آگاه ، با شهامت‌متین ومتواضع باشد تا ازیك طرف برای وضع نظریات واندیشه های خرافاتی و غیر معقول مبارزه نماید واز جانب دیگر قوانین جدید ومبرم حیاتی را کشف نموده بکار اندازد . دیگر جوانان با تمام آزادی میتوانند در همه مسایل اجتماعی اعم از سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی وکلتوری ابراز نظر نمایند ونقش فعال در تمام عرصه های زندگی داشته باشند. قوانین رشد یابنده را پی ریزی نموده وبرای رفع عقب ماندگی جامعه خویش فعالانه سهم میگیرند .

در شرایط امروز جامعه ما ، در دوران اتوم وعصریکه انسان توانسته است طبیعت را به نفع خویش بکار بیاندا زند ، دیگر برای جوانان ماجای گوشه گیری و انزوا باقی نمانده است. باید بایك تکان از خواب گران بیدار شد وهمراه با آهنگ کاروان عصر خویش به پیش تافت . باید بطوراعظمی ازنیروقدرت خویش استفاده نموده و درراه آبادی وطن وجامعهٔ خویش گام بگام باسایر وطنپرستان کشور عزیز مـان افغانستان ـ افغانستیکه قصداً بنا بر مداخلات امپریالیزم وارتجاع عقب نگهداشته شده بود ، به پیش رفت .

جوانان ارجمند

بیائید یکجا وباهم متحد وفشرده مشت‌های کوبندهٔ ای بدهن ارتجاع وامپریالیزم بکوبیم ونگذاریم باز ارتجاع وعناصر ضد ترقی سد راه ما گردند ما دیگر بروی زندگی شرافتمند انه پیکار می نماییم ، حاضریم تا در مقابل دشمنان وطن وخاك ، دشمنان آزادی وشرف ، دشمنان ترقی وعدالت اجتماعی جان خویش راقربان نماییم . طوریکه هزاران‌شهید قهرمان دراین راه دلیرانه وسربازانه به پیش رفته اند وراه فروزان مارا باریختن خون سرخ خود رنگین نموده اند ، مانیز در تعقیب راه این دلیران وشهیدان سهل انگاری‌ننمائیم وبیرق عدالت اجتماعی ـ برابری رشادات را تا آخرین لحظات زندگی با اهتزاز وسر بلند نگهداریم .

راه صادقانه ما راه هزاران انسان شریف ووطنپرست ، راه دلیران وآزاد گان است . راهیکه هرگز دلیران وراهیان این کاروان ترقی وعدالت خستگی احساس ننموده اند و تا سر حد مرگ از آن عدول ننموده اند . باابراز وفاداری به این راه روح شهیدان خویش اطمینان بخشیم وبیك آواز بگوئیم که: «رفیق شهید ! من راه ترا تا آخرین لحظهٔ حیات تعقیب خوام کرد.»

آیا بخاطر فرار از تنهایی باید به خواب وخیال پناه برد؟

آیابه عقیدهٔ شما بخاطر فرار از تنهایی توسل به خواب وخیال کار معقول و درستی است ؟

درست است که دورهٔ جوانی دورهٔ بخصوص وخیلی احساس زندگی است . در این دوره است که احساسات مختلف‌بر او هجوم می آورد ووی را در خود می پیچد . اما باتمام این هاراه حقیقی راهیکه میتواند جوان را به سرمنزل مقصود وبه آرزوهایش برساندقبول کردن حقایق زندگی است با وجود اینکه این



حقایق برایش دشوار باشد .

اماپناه بردن به‌انزوا وخودرا در خواب وخیال قرار دادن کاری درست ومعقول‌نیست. زیرا شرایط امروز با گذشته تفاوت کلی پیدا نموده وامروز جوانان مارسا لت مهم وارزندهٔ بدوش دارند که با خواب وخیال نمیشود این رسالت رابه پایان رسا نید و انجام داد .

قرار احصاییه های بدست آمده بیشتر دختران به انزوا طلبی وپناه بردن به خیال علاقه دارند تا پسران .

شکست در عشق یکی از عللی است که دختران را بیشتر وامیدارد تا گوشه گیری اختیار نمایند وبه خیال وخواب پناه ببرند.

ولی حقیقت اینستکه نباید جوانان ما دراین مراحل حساس زندگی بیشتر به موضوعات عشقی فکرکنند . زیرا در این مرحله کمتر میتوان به مفهوم حقیقی عشق پی برد وبیشتر عشق های‌که در این دوران بوجود می آید سطحی وزود گذراست البته نباید این حرف راصد در صد تایید وتصدیق کرد ، زیرا در همین دوران است که عشق های واقعا حقیقی ومحکم نیز بوجود می‌آید امابصورت‌کل دراین سن وسال کمتر انسان موفق میشود که‌عشق حقیقی وراستین را از هوس های زود گذرتشخیص دهد.

بنابر آن جوان امروزی مااین صبروحوصله واستقامت را داشته باشد تا با این مسا یل مبارزه نماید ودر لابلای این مسایل راه‌حقیقی ولازمی زندگی را جستجو نماید .

جوانی که عنان احساسات خود را خود بدست دارد ، درزندگی موفق است ودرآینده هم موفق خواهد بود . زیرا استقامت درمقابل مشکلات زندگی جوان را وا میدارد تا در آینده نیز این استقامت را داشته باشد اما برعکس آن عده جوانانیکه اختیار ارادهٔ خود را بدست ندارند همینکه کوچکترین عملی به او وارد شد خودرا در مقابل آن عمل‌زبون مقاومت را از دست میدهد واین امر باعث میشود که گوشه گیری وانزوا را اختیار کند وخودرا به خواب و خیال بسپارد این عمل باعث میشود که جوان از راه‌حقیقی که استقامت در برابر مشکلات است دورشود وای بساکه ادامه این وضع اورابه ورطه سقوط بکشاند وبیشتر این سقوط و کشیدن هاسوی نابودی بخاطر عشق یاشکست درعشق بوجود می آید درحالیکه جوانان نباید چنین باشند .

امروز در روشنی حقایق زندگی جوان ما باید خوب وبد زندگی را بهتر وخوبترتشخیص نماید زیرا همین تشخیص است که آیندهٔ او رامیسازد پس پناه بردن بخواب وخیال علاوه از اینکه هیچ دردی را دوا نمیکند بر عکس اوراعا طل وباطل بار آورده از او موجود میسازد که نه بدرد خودش می خورد و نه بدرد اجتماع .

واگر این وضع دوام یابد اورا به نابودی وبی چارگی میکشاند .

بنابراین حقیقت جوانان ما باید این موضوع را درك نمایند که وطن و اجتماع بیشتر از هر چیز دیگر به جوانان معقول صاحب عزم واراده وتوانا ضرورت دارد ووقتی این مامول برآورده میشود که جوانان ما بیشتر به مسایلی فکر کنندکه خیر ملت و مملکت درآن باشد تاموضو عات خصو صی وغیره ...



گزارش از : ضماد

نمایشگاه نقاشی آثار هنرمندان افغانی و شوروی



یکی از تابلو هاییکه درین نمایشگاه نظر هربیننده رابخود جلب میگرد .

اگر به تاریخ کشور عزیز ما افغانستان نظری انداخته شود ، نقطه پر توجه یـــی به چشم میخورد که روزی برای اولیـــن بار دست ها ی رهبرا ن دو کشور و.ای.لینن و غازی امان الله به منظور تداوم درتعاون ورعایت حقوق همسا یگی همه جا نبه ،باهم فشار عمیق وپا یه داری را احسا س نمود.

یقینـاً نهال دو ستی یرا کهاین ر هبران دو کشور شصت سا ل قبل غر س کردند، باپیروزی انقلاب شکـوهمند ثور ریشه عمیق تر و مستحکم تری گر فته است .

به اسا س پر نسیپ ارتبا ط تباد لهفرهنگی کشور ها ی دو ست وبرادر ، افغانستان و اتحاد شوروی ، اینك انجمن دوستیافـغان-شوروی وانــجمـن دو ســتیوارتباطفرهنگی شوروی با افغانستان ، نما یشگا ه بزرگ آثارمشترك هنر مندا ن افغانستان و شوروی را در حالی بر پا کردند که یکصدو دهسال از تو لد رهبر کار گرا ن جها ن و اولین مو سس کشور سو سیا لستی در جهـــان میگذرد . نما یشگاه مشتر کیکه بـهاشتراك بیش از چهل تن از هنر مندان افغا نستان و چهل تن از هنر مندان شوروی دایــر گردیده ، در حدود دوصد اثـر هـنری از هنر مندان افغانی : یکصداثر از نقا شانی معروف کشور دوست اتحــاد شوروی واز جمله صد تا بلو از شا گردان هنر ها ی زیبا ی پو هنځی ادبیات به نما یش گذاشته شده که انعکا س دهنده حیا ت مردم این سر زمین ها میبا شد .

خبر نگار هنری ماسری به این نمایشگاه که به تا ریخ ۲۳حمل افتتاح شده وتا سوم ثور ادامه دارد ، زده و گزا رشی تهیهدیده که خد مت شما تقدیم میگر دد :

در شرو ع عنایت الله شهرا نی آمـر دیپـار تمنـت هنـر هــای زیبای پو هـنځی ادبیات و متصد ی نما یشگا ه در جوا ب سوا لی چنین گفت :

درین نما یشگاه آثار هنر مندان معروف کشور چون استاد غوث الدیـــن ، خانـم شکورولی، استاد غلام محی الدیـــن شبنم، آقای گند می ، استاد قربان علی عزیز ی و دیگر استاد ان به معرض نما یش قرارگرفته و همچنا ن آثاری از شا گردان ساز مان هنـر ی غلام محمد میمنگی نیزدرین نمایشگاه به چشم میخورد که خیلی دلچسپ میبا شد

-این آثــار از کدام سبکهــای هنـــر ی نما یند گی میکند ؟

-هنر مندا ن شوروی اکثرا از سبـــك ریالیزم پیروی مینما یند و انعکا سدهنده واقعیت ها ی زند گیست و هنر مند ازشرایط محیط وماحولش متاثر میباشد.

هنرمندان افغــانی از سبکهای مختلـف در نقا شی خود استفاده مینما یند طور مثال خانم شکور ولی آثارش ابسترکت و بـــه شکل مدرن کارشده همچـــنان آثار شان از ریا لیزم نیز نما یند گی میکند . هنر مندان



افغانی نیز موفق نه توانسته اند شرایط محیطی را در آثار شان طور شاید و باید انعکاس دهند.

- آیا بعداز ختم نمایشگاه، این آثار به فروش میرسند یا چطور؟

- یک تعداد آن قبلا ریزرف شده و به فروش میرسد ویک تعداد دیگر آن به موسسات شان دوباره سپرده خواهد شد.

- آیا از هنر قدیم افغانستان هم آثاری درین نمایشگاه جا دارد؟

- استاد هما یون اعتمادی که از میناتورنیست های بزرگ کشور ما هستند با آثار شان که از هنر قدیم افغانستان عزیز یا بهتر بگویم «هنر میناتوری» اشتراک کرده اند که تابلو های شان زیاد طرف توجه واقع گردیده است.

باید تذکر دهم که یک تعداد شاگردان هنری از ولایت هرات با آثار شان درین نمایشگاه که میناتور کار شده حصه دارند.

از عنایت الله شهرانی خواستم تا به طور نمونه از چند تابلوی خوب این نمایشگاه را نام ببرد که در پاسخ گفت:

همه آثار این نمایشگاه قابل قدر و توصیف است و به طور نمونه از چندتابلو یاد آور میشویم که عبارتند از: «سال ۱۹٤۱ مداخله فاشیست ها در شوروی»، روز پیروزی، و لدنگ کاران، شب بهار، دهقانان، زندگی دهاتی، مراسم بعداز تدفین، در راه نبرد، سواران انقلاب، پیر می فروش، دختر افغان، مرواريد های بیابان، قالبین، طفل ومادر، خرابه های لشکر گاه، نی نواز و غیره که با روغنی، شبکه، توش، نوک آهنی، چوب برجسته، گچ، کولاژ، رنگ آبی، موزاییک، خطاطی، چاپ دستی، ذغالی سلکسکرین و پارسل کار شده است.

از غلام عمر اسحاق محصل صنف چارم دیپارتمنت هنر های زیبای پوهنځی ادبیات وعلوم بشری که سه تابلو درین نمایشگاه دارد پرسیدم:

کدام تابلوی شما درین نمایشگاه زیاد تر جلب توجه نموده است؟ گفت:

- یک تابلویم به نام «ستدیوی هنرمند» است که راستی طرف علاقه هنردوستان قرار گرفته است، درین تابلو کوشیده ام فقر یک هنرمند راتمثیل نمایم وچنانچه خود دیدید، بیننده هنرمندرادراتاقش می بیندکه درهم وبرهم بوده وتابلو های نیم کاره نیز به چشم میخورد همچنان چشم تیز بین تماشاچی می بیند که هنر مند به چه نوع مشکلاتی در زندگی رو برو ست که همه این ها دست به دست هم داده وهنرمند را زهیر و پیرنز ساخته است.

- از کدام نوع رنگها استفاده مینمایید؟

- از رنگهای گرم.

- رنگهای گرم را اگر کمی توضیح دهید!

- رنگهای گرم عبارت از رنگهای است که زود تر به چشم بیننده کار کند وعبارت از رنگهای سرخ، نارنجی وزرد.

- آیا تا حال از آثار خود نمایشگاهی دایر نموده اید؟

- نمایشگاه مستقل از آثار خود دایر نکرده، اما در دونمایشگاه که درپوهنتون دایر شده اشتراک نموده ام.

- نظر شما به صفت یک هنرمند درمورد این نمایشگاه چیست؟

- این نمایشگاه وسیله ایست تا هنرمندان باهم در مورد هنر شان تبادل افکار کنند و از یکدیگر بیاموزند، همچنان این نمایشگاه در مجموع بیانگر زندگی واقعی مردمان دو کشور دوست وبرادر میباشد.

- در طول چار سال در پوهنځی چند تابلو کار کرده اید؟

- فقط پنج تابلو!

- بسیار کم نیست؟

- ممکن کم باشد، اما مواد اولیه اشرا در دست نداشتم تا زیاد کار کنم امیدوارم در آینده زیاد تر آثاری به وجود آورم.

از عبدالسمیع مسعود محصل صنف ۲هنر های زیبا پرسیدم:

- شما درین نمایشگاه چند تابلو دارید؟

- شش تابلو! از جمله: سلمانی، دهقان وتابلوی فرامین هفت و هشت.

- از کدام سبکها نمایندگی میکنند؟

- از کوبیزم و میناتور.

- یعنی دو سبک متفاوت، چرا نمیخواهید ازیک سبک به صورت درست استفاده کنید؟

- چون فعلا محصلم، میخواهم از هر سبک نمونه یی داشته باشم و در اخیر یک سبک را انتخاب نموده آنرا ادامه میدهم.

- شما کدامیک آنرا انتخاب خواهید نمود.

- فکر میکنم، میناتور را.

به‌آرزوی موفقیتش صحبت رابا فریدکمالی یک تن دیگر از هنرمندان این نمایشگاه دنبال میکنم.

- او میگوید درین نمایشگاه یک‌اثر به‌نام «پشکها» اند که یکی از خصایل طبیعی این زنده جان را تمثیل مینماید.

- وی پیرو سبک ریالیزم بوده و عقیده دارد که یک هنرمند باید بالای اثر زیاد کار کند تا تابلوی یا اثری به وجود آرد که به هنرش لطمه نزند.

عبدالشریف عزیز یار که تابلو های کوچه هندو گذر، جنگ گوزن و طبیعت بیجان را درین نمایشگاه به معرض تماشا قرار داده است میگوید: از ریالیزم آثار زیادی دارم اما میخواهم پیر وسبک امپرسیونیزم باشم.

- آیا آثاری ازین سبک مدرن کار کرده اید؟

- خیر، اما در همین نزدیکی نزدیک تن‌از کسانیکه درین رشته معلومات کافی دارد، آثاری ازین سبک هنری به وجود خواهم آورد.

ومن با آرزوی موفقیت تمام هنرمندان این صحبت رابه پایان رسانیده وسعادت وکامگاری برای شما خوانندههای عزیز نیز از بارگاه ایزد متعال تمنا دارم.

پیروزی تاریخی

از زمان پیروزی بر فاشیزم جرمنی تا نهم ماه می سی و پنج سال می گذرد به هر اندازه که زمان از جنگ بگذرد اهمیت تاریخی شاهکار ابدی خلق‌شوروی وقوای مسلح آن در امر سقوط قوی‌ترین ماشین جنگ جهان سرمایه داری وقوه ضربه امپریالیزم جهانی در پیشگاه بینش جهانیان روشنتر می گردد در نبرد بی دریغ که یک هزار و چهار صدو هژده شبانه روز طول کشید اردو و بحریه شوروی نه تنها از سر زمین خود دفاع نمود بلکه بشریت را از چنگال فاشیزم نجات داد.

اردوی هتلر در اثر مبارزات اردو وقوای مسلح شوروی نابود شد بلخاصه قوای زمینی آن نقش قاطعی را ایفانموده فعالیتهای **بحریه شوروی در مناطق ساحلی به** ستیز پرداخت ملاحان در حصه خود فعالیتهای چشمگیری را برای از هم پاشیدن قوای دشمن و نابود ساختن شبکه های مخابراتی آن انجام دادند بحریه شوروی درین‌نبرد درخدمت قوای‌زمینی قرار گرفت و همه سواحل را که قوای زمینی شوروی نیز در آن قرار داشتندنیرومندانه حراست نمود ملاحان شوروی در اوراق تاریخ قهرمانی نبرد قوای مسلح خاطرات روشنی از خود بجا گذاشتند وخود را نمونه جرات، شهامت و فداکاری وقهرمانی ثابت کردند.

اردو و بحریه شوروی درین پیروزی به اقتصادی سوسیالیستی اتکا داشت‌اقتصاد رایش سوم و اقمارش در آن زمان نسبت به اقتصاد واحد شوروی نیرومندتر بود در سالیان جنگ صنایع شوروی از یک ونیم تا دو چند ظرفیت تولید تانک، توپخانه، هاوان و طیارات را نسبت به آلمان فاشیست داشت.

پیروزی اتحاد شوروی بر آلمان هتلری به اثبات رسانید که تشکیلات عسکری این کشور سوسیالیستی بدون شک حایز تفوق بر اردوی دول امپریالیستی بود. قوماندانی سوق الجیشی شوروی نسبت به قوماندانی هتلری بهتر بود علاوه بران موضوعات چگونگی جنگی از طرف شوروی ها عمیقا ارزیابی می شد ستراتیژی و فن جنگی شوروی فوق العاده قوام گرفته بود وظرفیت‌آنرا داشت تا با حوادثیکه در آن زمان ستراتیژی و فن جنگی آلمان قادر به مقابله با آن نبود دست و گریبان شود. صد ها عملیات‌سوق الجیشی ازطرف اردو و بحریه شوروی که مدبرانه صورت پذیرفت بحیث نمونه فن نظامی در اوراق تاریخ جا گزین شده است.

ضربه محکمی در پیکر دشمن و متحدین آلمان وارد شد افراد جنگی پولند، چکوسلواکیا و یوگوسلاویا و دیگر کشور های اروپایی که برای نجات سر زمین شان قیام کرده بودند علیه نازی ها دلیرانه جنگیدند.

سرکی گورشکوف که در سال ۱۹۱۰ تولد یافته از سال ۱۹۲۷ به بعد درخدمت قوای مسلح اتحاد شوروی ایفای وظیفه میدارد در زمان جنگ وی قوماندان یک دسته نیروی بحری شوروی بود بعد ازجنگ موصوف قوماندانی بحیره سیاه راعهده دار بود. از سال ۱۹٥٦ به بعد او قوماندان اعلی بحری و معاون وزیر دفاع گردید او یک قهرمان عضو کمیته مرکزی حزب کمونست و معاون صدر هیئات رئیسه اتحاد شوروی است.

مردم شوروی سهم گیری همه کسانی را که درامر شکست آلمان فاشیست اشتراک داشتند به قدردانی یاد می کنند.

با آنهم اوراق تاریخ به صراحت ثابت می کنند که قوای آلمان از جبهه مشخص خویش جنگ را علیه شوروی ها آغاز کردند و تا شکست نهایی در حمله وتجاوز بودند درین تجاوز آلمان صرف قوای فاشیستی آن دخیل نبوده بلکه متحدین آن در عرصه چهار سال جنگ از موقف آلمان هتلری حمایت داشتند و درین نبرد مسلحانه تا پای جان از تجاوز کنارنرفتند وجبهه جنگی شوروی وآلمان نسبت به جبهات دیگر عریض تر و وسیعتر بود جبهه شوروی و آلمان که یک ساحه شش هزار کیلو متر را احتوا می کردچهار برابر جبهات مانند افریقای شمالی و ایتالیا و کشور های غربی بود.

در دوران جنگ که در آن آلمان فاشیست سیزده میلیون و ششصد هزار نفوس خود را از دست داد تنها در جبهه شوروی و آلمان ده میلیون نفر آن ازبین رفت در جبهه شرقی سه حصه از طیارات دشمن از بین رفت همچنان تانک وتوپخانه دشمن کاملا فلج شد. ارتش سرخ عساکر

بقیه درصفحه ۵۰

یک داستان در یک شماره

عشق به انسان

ترجمه : میرحسام الدین برومند

گرچه فصل شکار پرنده های دریایی‌آنجا فرا نرسیده بود، باوصف‌این، پیوترریابینکیس یك قازوحشی شکار شده از بحر را با خود همراه داشت . پیوتر به نحو ی که گویی نادم از کردهٔ خود است . پرندهٔ مذکورورانظاره داشت ... متعاقب آن نگاه های غصه آلودش به دوردست ها کشیده شد . از نگاه هـای رقتبار مرد پیدا بود که اوبه دنیای پرندگان دریایی می اندیشید وبه اینکه بعضا چـه بیرحمانه این پرندگان را شکار میکنند .... «تلیانیکوف» مفتش ساحهٔ شکار ازپس یـك جزیرهٔ کوچك ظاهر گردیده وقایقش رابسوی او میراند ، نگاه های مرد مذکور غم آلـود مینمود . او همان نگاه های سرزنش آلـود وملامتبارش را بسوی پیوتر ارزانی داشت . مفتش وظیفه داشت، ناظر بحر بوده و بدون از فصل شکار وساعات معین شکار پرندگان دیگر به هیچ فردی حق شکار قاز هـای وحشی آن بحر را نمیداد .

«تلیانیکوف» اصلا پیوتر را نمی شناخت فقط این سومین باری بود که وی رابا قایقش در آغوش بحر مشاهده مینمود . پیوتـر در دفعات قبل بجز اینکه بیهوده باروت بافروزد،

کار دیگری نتوانسته بود انجام بدهد انکار شکار ونشان‌گیری رابلد نبوده‌باشد ... پیوتر چون نزد برادرزاده کوچکش از زیبایی قاز های وحشی بحر تعریف کرده بود ، پسـرك اورابه غصه نشاند . برادرزاده اش که سخت متمایل برفتن با او گردیده بود تا توانست اصرار نمود . پسرك که نامش «هولگا» بـود هشت سال بیش نداشت، هولگا را از شکار بیحد خوشش می آمد معذالك او در شکار و نشان گیری دست کوتاهی از شکارچی ماهر نداشت . هولگا پرندگان زیادی راکه برشاخه های درخت منزل می پریدند همیشه شکـار

کرده بود، از طرفی قشنگی قاز های وحشـی هولگای کوچك را وسوسه کرد ... آنـروز هولگا باکاکایش نیزدل بدریا زده بـود ، ... راستش اینکه لحظاتی بعد این هولگا بود که قازوحشی را صید داشته بود ، نه کاکایش پیوتر . «تلیانیکوف» که از ابتدای ورود با قایق خود، ناظر ومشاهد قایق کوچك آنـدو بود بوضاحت دریافته بود که هولگا شکارچی خوبی است . او صدای پیوتر را شنیده بود که ازهولگا تعریف کرده وبا تحسین مخاطبش ساخته ، میگفت :

– آفرین پسرم ، تو واقعا نشان زن ماهری هستی ، مرحبا !

وپسرك بدون آنکه برخود ببالد فقط جواب کاکایش را با خونسردی تحویلش میداد :

– هان، نشانم خوب بجان قاز اصابت‌کرد.

هولگابمحض اینکه نگاه های «تلیانیکوف» بسوی کاکایش دوید دریافت که میان آندو یك‌دیوار وجود دارد ... یك دیوار باریـك که هرآن باریکتر شده میرود. پسرك دریافته بودکه نگاه های مردبیگانه ، نگاه های عادی نیست ، نگاه های ملامتبار است ... پسرك هرآن‌متجسس ترشده میرفت، دلش میخواست

این مرزرابشکند، میخواست بفهمد نگاه های مردچرا ملامتبار است وسر انجام به واقعیت این امرپی برد ... آری او فهمید که‌کاکایش

کار نامناسبی نموده، قانون را رعایت نکرده چونکه شکار قاز ها ممنوع بود . پیوتر در حالیکه سراپا خاموش بود و غافل از اینکه مردی بخاطر حرکتش ازوی رنجیده ، قاز را

در گوشه قایق گذاشت ، درین اثنا صدای «تلیانیکوف» توجه اش را بخود کشید کـه مدعی بود :

بایستی تو مطابق پروتوکولی که همیـن اکنون من وتو امضاء میکنیم، پس از یـن عمل کنی . پیوتر با آرامش ظاهری که در پشت آن یکنوع شرارت نهفته بود ، گفت: پروتوکول ... درنگ دیگر برای چه؟

«تلیانیکوف» که خو د انسان رموز فهمی بود متوجه گشت که پیوتر حالش بهم خورده ونزدیك است اعصابش متلاشی شود ، ابتداء بانگاه های دلسوزانه‌بسوی«هولگا» نگریست... بعد از نو بسوی پیوتر رخ نموده، گفت :

– توخود مقصر هستی ، مقصر برای آنکه قانون را خوب بلدی ومی شناسی ولی بدان

عمل نمیکنی ، علی الرغم اینهمه بی توجهی ها سعی میکنی خودت را خشماگین جلـوه دهی ... مطمینا وقتی پروتوکـول ر ا امضاء نمایی ، بدین حوالی دیگرسری نخواهی زد، وآنگهی «تلیانیکوف» بلادرنگ قلمش رابیرون آورد ... دست پیوتر روی کاغذدوید، دریـن میان پیوتر از نوبه پاروزدن قایقش متوسـل گردید ... قایق پیوتر بسان صاعقه ازقایق مفتش فاصله گرفت ... قایق مفتش حالـت نوسانی داشت ، شخص تصور میکرد کـه

قایق در حال غرق شدن است اما خیر، لحظه به‌لحظه سرعت قایق تندتر گشته‌ودل آب ها راپاره میکرد ... موتور هردو قایق قوی بود ومطمئن، منتهی ازنگاه ساختمان قایق ها ازهم متفاوت بود وتفاوت سرعت میان دو قایق را همین عامل باعث شده بود . قایق ها بطور اسرار آمیزی در میان امواج بحر بـازی میکردند . «هولگا» خودش را روی عرشهٔ کشتی بسوی بحر آویخته بود ، گویی او میخواست با امواج بحر برزمد .... طبیعت منظرهٔ دلفریبی به بحر داده بود، نور وسایه بحر را در بر کشیده بود، انعکاس نـور پردرخشش آفتاب از بالای قلهٔ «آلین» درآب

بحر، برای رویا های کودکانه «هولگا» رویایی وبرانگیزنده بود ، نور مهتاب پس از عبـور میان شاخه های درختان واشجار کنار ساحل که روی آب بحرافتیده بود، منظرهٔ وجدآوری برای «هولگا» ساخته بو د . «تلیانیکـوف» همینکه دید پسرك خودش راروی عرشهٔ قایق خم کرده و با رویاهایش در جـدل است، اینبار برخلاف سرعتی که قایقش را بـدان سرعت میراند ، نه‌تنها ازسرعت‌قاق کاسته بلکه متو قفش سا خت . حالانکه درین اثنـا ، قایقیکه پیوتر وبرادرزاده اش «هولگا» سوار آنبودند با سرعت هر چه بیشتر میراندند ، قایق دل آبها را پاره میکرد ، آبهارا کنار میزد وبجلو راه می پیمود ، انگار قایق بادو سرنشین اش قصد پرواز داشتند . «هولگا» باردیگر از جهان تخیلات ورویا هایش بجهان حقایق برگشت ، از خودش پرسید : چرا اینهمه ناراحتی ! بزودی متوجه گردید که این غصه و ناراحتی را قاز بدوبار آورده‌است والی درین هوای سرد وتوفانی، سرگردان در بحر قایقراندن، هیچ لزومی نداشت .... آنان از قانون سر پیچیده بودندچه قانونا حق‌شکار آن قاز های وحشی را نداشتند، «هولگـا» پسر حساسی بود، ر نجش لحظه به لحظه فزونی میگرفت ، با خودش میگفت : ازقانون سرپیچیدن، بعدش هم فرار کردن ابدا عاقلانه نیست .

«هولگا» تصور کرد که‌چیـزی در درو نش است کـه می آزاردش ایـن نـدا نـدای باطنش بود، ندای فرار وگریز از قانـون ، ندایی بخاطر بی التفاتی در برابر ضابطه هـا

ومقرره های اجتماع . قایق عقبی باز هم براه افتید وتندتر وتندتر حرکت کرد انکار می خواست . قاز وحشی را که هولگا شکار کرده بود از ایشان باز ستاند . به یکبارگی پسرك ازین اتفاق متحیر گشت ، التماس کنان از کاکایش خـواست قـایق را متو قف سـا زد. وآنوقت دوقایق بسانیکه گـو یی بهمدیگر چسپیده باشند، کنار هم قرار گرفتند .

برخلاف حدس وتوقع، «تلیانیکوف» با نگاه های ملامتبار آندو را نگاه نکرد، بلکه این نگاه ها نگاه‌های دلسوزانه بودند. «تلیانیکوف» وظیفتا بایستی آندو را توبیخ ونکوهش میکرد که چرا بدون اجازه وفرا رسیدن موعدشکار، به‌شکار پرندگان پرداخته بـو دند لا کـن تلیانیکوف بر کاکا وبرادر زادهٔ مذکورسخت



دلش سوخته بود مخصوصا بیچاره هولگای کوچك بیمورد وبخاطر هیچ چرا چنین کار شاقه را بسر میرسانید ودر بحر سر گردان میماند . همچنان تلیانیکوف دلش بحال آنانی میسو خت که‌در بـــر ا بـــر طبیعتو خوبی های‌آن بیتفاوت مانده وبعضا طبیعت از وجود چنین اشخاص کم التفات صدمه وزیان می بردارد ، معذالك به «هولگا» گفت : اگر گلی را از گلبته جدا کنیم جز اینکه حیات گل مذکور را گرفته باشیم وبخشی از زیبایی یك گوشه طبیعت را کاسته باشیم، کـــاری نکرده ایم، اگـــر بیرحمانه پرنده هـــا و موجودات وحیوانات راکه به طبیعت زیبایـــی می بخشد، محیط باغها وابحار را تماشایـــی میسازند، ازبین می بریم جز اینکـــه نسل پرندگان وحیوانات مذکور را ازبین بـــرده باشیم کار دیگری را ازپیش نبرده ایم .

تلیانیکوف متعاقبا از نگاه های سراپاغرق درتفکر وبهت زدهٔ پسرك فهمید که او تاچه حد نادم است بناء محزونانه گفت : ما شتباه کردیم، طبیعت زیبا و دوست داشتنی است باید قلبا طبیعت را دوست داشت . «هـولگا» از مرد مفتش پرسید :

ـ این قاز ها بعضا دورتر از بحر پرواز میکند برای چه ؟

ـ برای ادامه حیات، برای چیدن دانه . اگر این پرندگان بالای چمنزار هابه پرواز می آیند، روی سبزه وعلف هامی نشیننـــد برای آنست که محل مناسبی رابرای گذاشتن تخم هایشان بیابند، تو «هولگا» اگر روزی تخم پرنده یی را دریك بیشه پیدا میکنی‌که صاحب تخم آنرا پنهان کرده بدان آسیبی مرسان . پیوتر که میدانست با متوسل شدن به شکار قاز وحشی مرتکب یك اشتباه شده، نیز بسان «هولگا» نادم از کرده اش بود . قلب کوچك پسرك برای خوبی ها می تپید .

اودیگر مصمم شده بود که همیشه پسرخوب ومطلوبی باشد . پسرك دوماهی راکه قبلا با چنگك گرفته بود خواست از ماهیان شوربایی درست کند ... آتش را روشن کرد . درین میان صدای خش خش برگهای درختان توجه «هولگا» را بخود کشید . «هولگا» نزدیـــك آتش زانوزده بود، هولگا درین هنگام به‌آتش وحرارت آن فکر می کرد وبه جرقه های آن. سوالاتی چون آتش چگونه تولید میشود، قاز هارا چرا نباید شکار کرد ...، می اندیشید. درین میان رشتهٔ افکارش به یکبارگی ازهم گسست . به بازوی پیوتر چسپیده وپرسید:

ـ آیا مابه قایقرانی درین بحر برای شکار گاهی دیگر هم خواهیم آمد ؟؟

«پیوتر» که او هم مصروف آشپزی بـود فقط با جنبانیدن سر ، تایید کرد که حتما اینکار را تکرار خواهند کرد . «تلیانیکوف» خطاب به «هولگا» گفت :

ـ پسر من اینکه هرگاه هرکس بـــرای شکار قاز ها اینجا بیاید مطمئنا پس از مدت کوتاهی هیچ پرنده‌یی درین بحر نخواهدماند. مگر ماچرا بیهوده نسل این پرندگان را‌زبین ببریم ؟ آیا این عمل زیاد مضحك نیست ، هرگاه این پرندگان بیرحمانه شکار نشوند تاسال دیگر شمار این پرندگان دو چند می شود «هولگا» گرچه ظاهراتوسط «تلیانیکوف» مخاطب ساخته شده بودلاکن چشمان کاوشگر او ملتمسانه به آتش که به رنگهای زردو سرخ میسوختند ، خیره شده بود . بازهم



بقیه‌درصفحه۵۰

بقیه صفحه ۱۸

تصویب اصول اساسی

بخش مهم دیگر در اصول اساسی ج ، د، ا حقوق اساسی ومکلفیت های مردم افغانستان میباشد . درین بخش وظایف وحقوق ومکلفیت های اتباع بشکل دموکراتیك ومترقــی آن تشریح شده است . در اصول اساسی حقوق تمام اتباع ج ، د ، ا در برابر قانون مساوی اعلان شده است این تساوی حقوق را هیــچ چیزی از قبیل فرق نژادی ، قبیلوی ، زبان، جنس، متوطن بودن در هرجا، دین ، مذ هب، سویه تحصیلی ،نسب ،دارایی وموقف‌اجتماعی نمیتواند برهم بزند. همچنان در افغا نستان

هیچکس حق ندارد تا بااستفاده ازین حقوق علیه منافع جامعه ودولت وآزادیها و حقـوق سایر افراد استفاده نماید . در پهلوی ایـن حقوق مکلفیت هایی از قبیل احترام بقانون ورعایت آن ، رعایت اصول اجتماعی وانسانی، انجام صادقانه ی وظایف و وجایب ، احترام‌به

حقوق وآزادیهای سایر افراد جامعه و غیره درج گـردیده است. همچنان کار مفیــد و اجتماعی لیز وظیفه افتخار آمیز هر فرد قلمداد شده است . در اصول اساســی ج ، د ، ا خدمت در راه دفاع وطن قهرمان ومقدس مایعنی خدمت زیر بیرق اردوی ج ، د ، ا یك عمل پر افتخار دانسته‌شده است. هم چنان وظیفه‌ی اساسی اردوی قهرمان وطن دفاع از تمامیت ارضی ، دست آورد های انقلاب شکوه آفرین ثور ، استقلال ملی وحاکمیت ملی وطن‌وامنیت وطن ومردم می باشد وهکذا دولت مکلفیت دارد که در راه تقویه ورشد سیاسی واجتماعی ومادی منسوبین قــوای مسلــح ج ، د ، ا مساعی بخرچ بدهد .

برای رفاه‌وبسر بردن‌حیات مطمئن هموطنان شریف ما ایجاد نظم دموکراتیك دولتــــی واداری بحیث یکی از اهداف اساسی دولت ج ، د ، ا قبول شده است . لویه جرگــــه (شورای عالی دولتی) که به اساس رای‌گیری مستقیم ،سری، عمومی ، آزاد و مساو یانــه تشکیل خواهد شد . در اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان تذکر رفته است که لویه جرگه طی اولین اجلاس خود سند مهم یعنی قانون اساسی ج ، د ، ا را به‌تصویب میرساند .

در مورد حقوق وآزادیهای دموکراتیك‌مردم مادهٔ بیست ونهم چنین می گوید : «برای اتباع جمهوری دموکراتیك افغانستان حقوق وآزادیهای دموکراتیك ذیل تامین وتضمین میگردد :

۱- حق زندگی ومصئونیت . ۲- آزادی کامل ادای مناسك دین مبین اسلام وهم‌چنان ادای مراسم مذهبی برای پیروان سایر ادیان مطابق به قانون . ۳- حق کار ... ٤- حق وقایه صحت وتامینات اجتماعی ... ٥-حق تحصیل... ٦- آزادی فعالیت های علــمی، تخنیکی ، کلتوری وهنری مطابق به اهداف انقلاب . ۷- حق بیان آزادانه وعلنی فکر ، تشکیل اجتماعات وتظاهرات مسالمت آ میز وهم چنین حق اتحاد وطنپرستانه درسازمانهای دموکراتیك ومترقی اجتماعی . استفاده ازحقوق متذکره در چوکاتیکه نظم اجتماعی ، آسایش وامنیت کشور را مختل نکند توسط قـانون تنظیم می‌گردد.۸- مصئونیت منزل، محرمیت مراسلات ، صحبت های تیلفونی ، مخابرات تلگرافی وسایر انواع مخابرات به استثنایی حالاتیکه در قانون پیش بینی شده است .

۹- حق شکایت ، عرض حال فردی ودسته جمعی به اورگانهای مربوطه دولت ..»

در موضوع تامین عدالت وحل وفصــل موضوعات جرمی وحقوقی وغیره در اصــول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان‌بصورت همه جانبه ومبسوط تذکر رفته است . درین مورد هم تمام جوانب دموکراتیك اعلامیه‌حقوق بشر وهم چنان اهداف مترقی انقلاب ثــور در اداره‌ی سالم ومترقی متجلی گردیده‌است.

بطور مثال در ماده‌ی سی‌ام اصول اسا سی درمورد جرم، مجرم، حالات جرمی ودلا یــل جرم‌وموقف مجرم‌وشرایط اتهام وسلب آزادی وطرزالعمل دفاع قانونی وحقوقی از خود وغیره چنین تذکر رفته است : «هیچکس رانمیتوان متهم به ارتکاب جرم نمود مگر مطابق بــه احکام قانون . هیچکس را نمی توان گرفتار وتوقیف نمود مگر مطابق به احکام قانون . هیچکس را نمی توان مجازات نمود مگربحکم محکمه ومطابق به احکام قانون که هنگـام ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ باشد . متهم حق دفاع را دارد .

متهم تا زمانیکه بحکم قطعی محکمه محکوم نشده است بی‌گناه شناخته می شود . جرم یك امر شخصی است وبه ارتکاب آن‌شخص دیگر مجازات نمی گردد . مجازات مخا لف کرامت‌انسانی، شکنجه وتعذیب‌مجازنیست...» آری نکات فوق نمایانگر روشن یك نظــم دموکراتیك وتامین کننده‌ی شرایط مطمئــن ومصئون برای همه مردم بلا استثنا می باشد .

فصول سوم وچارم اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان مبین نظام وطرزالعمل قوه های جداگــانه‌ی دولتی یعنی اجرائیه ، مقننه وقضائیه می باشد در مورد لویه جرگه وطرزالعمل بمیان آمدن آن قبلا تذکر داده شد وبعداز لویه جرگه عالی ترین ارگــان با صلاحیت دولتی شورای انقــلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان شناخته شده است . شورای انقلابی مطابق به احکام اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان وظایف قوه‌ی مقننه را اجرا می نماید . اموری را کــه شورای انقلابی پیش می برد عبارتند ازتشکیل هیات رئیسه ی شورای انقلابی، حکو مــت وسایر ادارات عمده‌ی دولتی ، بمیان آ وردن پروگرام های انکشاف اقتصادی واجتماعی و منظوری بودجه‌ی دولت وغیره . بایددانست‌که درخلال مدت بین جلسات شورای انقلابی ، هیات رئیسه‌ی این شورا عالی ترین ارگان باصلاحیت دولتی میباشد . همچنان اصــول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان بــه صورت ماده وار صلاحیت های هیات‌رئیسه‌ی شورای انقلابی را متذکر شده است . همچنان درین فصول اصول‌اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان وظایف وصلاحیت ها وطرز العمـل خارنوالی وقوه‌ی قضائیه بروشنی کامل بیـان شده است . وهکذا درفصول بعدی صلاحیت‌ها وطرزالعمل حکومت وادارات محلی بیان شده است .

بامرور کوتاهی که فوقا از اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان صورت‌گرفت دیده می توانیم که اولا دولت انقلابی ما هر آنچه می گوید در عمل پیاده می نماید و ثانیا تصویب این اصول اساسی را می‌توان آغاز دوران جدیدی در رشد سیاسی وحقوقی جمهوری‌دموکراتیك افغانستان نامید. همچنان تصویب ونافذ شدن این اصول دموکراتیــك، ملی ومترقی بمثابه گام فراخی است درجهت تامین حیات سعادتمند ،مصئون و مطمئن وخوشبخت برای همه مردم شریف افغانستان. مادر حالیکه تصویب این اصول اساسی ر ا نمایانگر انقلابی بودن، دموکراتیك بودن و ملی بودن حــزب ، دولت وحکومــت ج.د. افغانستان می دانیم آنرا به‌هموطنان تبر یــك می گویم . زنده باد مردم

د۳۳مخ پاتی

دنړۍ پرمختګ...

بنا کوو نکواو جوړوو نکو یو سکین رسم کړی او بیا هغه سکیل یــی دډول او شکل او ما هیت له مخی دودی وړ گرځولی ترڅو دهغه له‌مخی وکو لی شی چی ژوند داړ تیا و لری کولو ته یی پــــه کار وا چــوی

تاسی چی دا پور تنی ځیره گوری داد یو هلك پور تریت (رسم) دی چی په خپل لاس کی یوه کو تره‌لری او په (۱۷۸۲) کال کی ترسیم‌شویدی دغه رسم اوس دو ارسا په ملــی موزیم کی مو جود دی اود پو لنډ دیو مشهور نقا ش «انتولی برددوسکی» واسطه رسم شو یدی .

ځنگه چی :ددی رسم د کښلوځخه ځه کم دوه سوه کا له تیر یږی اوس نو تاسو ددی پته لگولی شی چـــی دپو لیند په هیواد کی څومره تر قی او پر مختگو نه دهغه هیواد دوگړو په ژوند کی منځ ته را غلــــی دی

بقیه صفحه۲۲

مختصر یادداشتی

در روز های دفاع از استالینگراد من معتقدشدم که : سر با زی کــه برای امر حق پیکار می کند قو یتـر از آتش وفلز است ونیرویی وجود ندارد که بتوا ند او را بزانودرآورد.

محا صره شهر از سیزده سپتمبر سال ۱۹٤۲ تا سیو یك ژا نو یـه سال ۱۹٤۳ تا ابد ، الهام بخشــں تمام مردم آزاد روی زمین خوا هد بود. زیرا مقا ومت و حمله متقا بل‌آن

ها‌نقطه تحول در جنگ ملل متفــق‌بر ضد نیروی متجا وز وا قــع شد .

نیرو های جنگ دوم جهان و پاـ یمردی های ار تش وخلق شوروی‌و

اضمحـــلال فا شیزم صفحات درخشان وجاودانی را بر تا ریخ جنگــها ی عادلانه افزود که ورق ورق آن از

شهـا مت ومردا نگی پا یدا ری‌وخودـ گــذری میهن پر ستی وانتر ناـ سیو نالیستی مردمی سخن مــــی گوید که فا شیزم را نابـ ودنموده‌و

بشر یت راز خطر نا بودی نجات داد، واین‌پیروزی‌دربهار سال۱۹٤٥با اهتزاز پر چم سرخ بر فراز بر لین شکست فا شیزم را بجها نیان اعلام داشت ...

بیست و چهار جــــون ۱۹٤٥ پیروزی در میدان سرخ مسکو برـ گــذار شد . بیرق ها ونشا نه های لشکر واخورده فاشیزم در پـــــای آرا مگاه لینن کبیر بز مین ریختـــــه شد.

زیرا فا شست ها بد ون قیدو شرط تسلیم شده بود ند .

رئیس جمهور ایالات متحده‌امرـ یکا در اخیر جنگ نو شته بود :

(بدون شك ار تش شو روی ومردم شوروی ، نیرو های مسلـــح هتلر راوادار سا ختند که در راه شکشت نهایی حرکت کنند) .

مردم شو روی در ین جنگ بیست ملیون نفر قر با نی دادند .

ژوندون

بقیه صفحه ۹

از پنج تا ده‌سال ...

رول تربیوی که دارند مسالهٔ کمبود پر سو نل با تر بیه دو کتو را ن جوا ن- تکنیشن - لبرا نت ها طی دوره ها ی معینه ترینننگ جبران میگر دد چه دسته‌یی از استا دان متخصص دسپلین ها ی مختلفه طب طی دو سا ل گذ شته یا جا م شهادت نو شید ه اند و یاازوطن و کشور متوا ری گشته ویا از ساحه طب وطبابت کنار کشیده شده اند روی این اصل دسته‌ی از دو کتو را ن‌که از دم سا طور امین خون اشام در قید حیا ت با قیما ند ه اند واز مسلك بدور نگهدا شته شده بودند واپس

به ادای و جا یب مسلکی ووظیفوی ایشان گما شته شده اند و برای ازبین برد ن ضا یعا ت علمی و فر هنگی تعدا د قا بل ملا حظه پر سو نل تابع پروگرامهای تر بیوی فو ق الذکر قرار گر فته اند در شرا یط کنو نی دو کتو را ن ما دررشته های آتی زیرتربیه قرار داده شده‌اند:

رشته جرا حی عمومی - ارتو پیدی-جراحی عصبی- جراحی قلبی وجراحی‌اطفال.

رشته داخله عمومی - داخله اطفال امرا ض سا ری بشمو ل توبر کلوز ریوی .

ر شته طب عد لی و بینی رشته چشم- ر شتهٔ عقلی و عصبی وهم چنین در دسته ها ی رادیو لو ژ ی وخد مات لا براتوار ی وانستیزی و پتا لوژی ومدیکل ریکارد نیز پر سونل درداخل خدمت زیر تربیه میباشد.

-غالبا مرا جعا ن مرا کز معا لجوی کشور وخاصتا مراجعان شفاخانه های و لایات شکایا تی دارند که میتوا ن ا نگیز ه‌عمده ترین موارد آنرا در کمبود متخصصا ن‌وکدر مسلکی - کمبود دوا وبستر وو سا یل لابرا توا ری - عرضه خدما ت نا کا فی‌و نا قص برا ی بیما را ن و مقدار ی هم بی مبا لا تی و بی تو جهی کار کنا ن این مراکز خلاصه کرد بدون شك تجهیز شفا خا نه ها به وسایل مورد نیاز بسط و تو سعه سا حه خد ما تی آن وافزایش‌بودجه و پر سو نل بایك مراقبت جدی از نحوه کار میتوا ند در رفع این شکا یا ت مو ثر

با شد شما برا ی از میا ن بر دا شتن این نوا قص چه طرح عملیا تی را برا ی تا سیسا ت معا لجوی و شفاخانه ها پیش بینی کرد ه اید ؟

-بر یا ست طب معا لجوی هدا یت‌داده شده تا در این زمینه عملیا تی علمی راکه درآن درحد امکا نات بتوانیم مشکلات مرا کز معا لجوی را رفع سازیم در دست اجرا بگیرد .

نکا ت مهم این پلان در این مواردخلاصه میگر دد :

همه مو سسا ت صحی معا لجوی ولایاتی ومر کزی کشور را از نگا ه و ضع تسهیلات فزیکی سامان وآلات طبی ،ادویه، و قوای بشری و ضع ما لی و بود جوی زیر مطا لعه بگیرد .

تا بسا ما نی ها ی ار مغان ها ی شو م قبلی را دو باره مورد مطا لعه قرار داده وبا اسا س قدامت ها او لیت ها تا جا ئیکه امکا نا ت میسر با شد پر سونل مسلکی واداری وادویه تهیه بدارد.

از آنجا ئیکه خا لیگا ه علمی در سا حه پروگرامهای تربیوی بخصوص دو کتو ران جوا ن طب طور متبارز محسوس بود یک گروپ از دو کتوران (٦١) نفردررشته ها ی مختلفه طب در مو سسا ت مر کزی که رو ل تر بیوی را به سو یه تخصصی عهده دار میباشند تحت پر وگرام مر تبه تر یننگ قرار داشه شوند بر علاوه برا ی رفع نیازمندی پرسونل طب دندان یکصدو ده نفر در مکتب عالی طب دندا ن وهمچنان یك گروپ در چو کا ت فا کو لته طب‌دندان جهت تر یننگ گما شته شده اند. درساحه پذیرش متعلمین در رشته خدما ت نر سنگ در سا حه طب دندا ن نیز تدا بیر عملی اتخاذشده است.

هم چنین -تدویر کورس اسیستا نت رادیو لوژی .

، تدویر کورس در سا حه تکنا لو ژ ی طبی -

طرح پرو گرام تر بیوی تخصیصی‌در رشته انستیزی برا ی دو کتو را ن وگروپ از نر سها .

،متمر کز ساختن سرویس های‌ساری درچو کات «ابن‌سینا دساری نا رو غی روغتون » بمنظور عر ضه خدمات مو ثر برا ی مر یضا ن مبتلا با مرا ض سا ری وپیشبرد سیستماتیک وعملی کردن پروگرام های تر بیوی دوکتوران‌وسایر کتگو ر ی پرسونل مورد نیاز در شمار کارهای انجام شده میبا شد

-برا ی تو حید و منسجم سا ختن امور مربوط به احصا ئیه صحی فعا لیت ها‌ی مو سسا ت صحی معا لجوی طرح و پروگ‌ام کورس تر بیو ی رشته مید یگل ریکا رد دوام دا رد به خا طر پیشبرد پرو گرا مهای تر بیو ی پر سونل مورد ضرورت ولا یات کشور و بمقصد عر ضه خدمات طب عد‌لی بمیا ن آورد ن یك وا حد منظم اداری در چوکات‌ریاست طب معالجوی روی دست است .

وادغام شعبه پتالوژی انستیتوت ملی لابرا توا ر ها ی مر کزی‌به‌دیپار تمنت‌پتالوژی پوهنځی طب کابل، جهت فرا هم آو ر ی تسهیلات بهتر ومو ثر برا ی ترننگ دو کتورا ن جوا ن و عر ضه خد ما ت مربو طه بشمو ل خد ما ت درسا حه طب عد لی ، منتا ژ پنج پا یه دستگا ه اکسر یز (بشمول نصب یکپایه دستگاه اکسریز باتلویزیون) در انستیتوت ملی را دیو- لوژی و نصب یك دستگا ه اکسر یز در روغتون علی اباد در جمله کار ها ی دیگری است که بزو دی به انجام خواهد آمد .

تدویر شعبه طب دندان برای‌اطفال در چو کا ت ریا ست ستو ما تو لو ژ ی‌و منتا ژیك دستگاه تداوی دندا ن در کلینك



سوم ریاست‌ستو ماتو لو ژی ،

-طرح و تطبیق لا یحه مواد غذائی ورژیم غذایی مریضان ، پرسو نل بادر نظر داشت پر سونل نو کر یوا ل) رو غتو ن ها ی مرکزی وولایا ت .

،و طرح و تر تیب لایحه مبنی بر کمیته تنظیم وعرضه خدمات‌صحی موسسات مر بوط طب معا لجوی و .

تجدید نظر در مورد مقرره پرکتس‌شخصی اطباء و منسو بین طب در دست اجرا بوده ویقین دارم باعملی شدن ا ین کار بخشی عمد ه‌یی از شکا یا ت در زمینه حل ورفع گر دد .

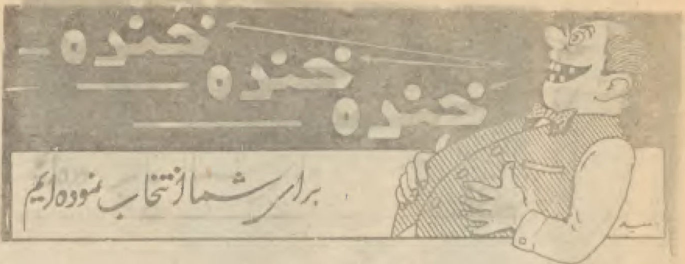
بقیه صفحه ۱۹

نگرشی کوتاه...

های رنگی در کا غذ جلا دار که به فراوانی در متن مجله به چا پ رسید ه و حتی یك سوم آنرا احتوا میکند قیمت مجله را بلند میبرد که این در شرا یط اقتصادی کنو نی نمیتوا ند مورد تا ئید قرا ر بگیرد و از سوی دیگر این گما ن را به و جود میا ورد که گردانند گان «طفل ومادر» به فورم وشکل نسبت‌به‌چگونگی‌ارائه‌محتوای مجله‌ارزش گذاری بیشتر می کنند .

دو مطلبی که پیرا مو ن ارزش دیکورا- سیون «دیکور شن و تا ثیر آن بر رو ح» اسبا ب با زی با لای کود کا ن «نقشی بازیچه ها در انکشا ف ذکای کود ك » به نشر رسید ه است نشا ن مید هد که توجه کمتری به و ضع اقتصادی و سویه زند گی همگا نی مردم ما شده است چه آنچه در این دونگارش مطرح گردیده و مخصو صا کلیشه ها یی رنگینی که از اسبا ب‌با زی وفورم دیکور اتا ق ها به چا پ رسید ه‌است فقط میتوا ند مورد پز یرش یك اقلیت‌کوچك نیم‌فیصد جا معه ما قرا ر گیرد و بس وچه خوب بود که‌دراین مورد سطح اقتصادی عمومی مردم مادر نظر گر فته می شد .

نشر و چا پ‌مجله وزین «طفل و ماد ر»را به وزارت تعلیم و تر بیه،ریاست‌کودکستانها کار کنان آن وهمه ی اهل مطبو عا ت صمیما نه شاد با ش میگو ییم و آرزوداریم این مجله در شما ره ها ی بعدی خود بادرك شرایط ذهنی و عینی جا معه وخصو صیا ت فر هنگی واجتما عی واقتصادی که دارد با شنا خت هر چه بیشتر عوامل نارسا یی در میان خا نواده ها و آنچه که سلا متی و پرورش طفل و مادر را لطمه میزند و با نشر مطالبی‌پیرامون «سه‌بعد صحت »بهبود تام‌حالات بدنی ،روانی وا جتما عی » هر چه بیشتر روی هدف نشرا تی خود استوار با شند ودر زمینه ها ی آموز ش و پرورش نقش‌ارزشمند خود را برا ی مادرا ن و خانواده ها بـه ایفا گیرند .





ـهی،بیلی، اجازه میتی من ساندویـچ را بخورم ؟!

دختر متجدد

یکی از دختر ها پرسید :

ـ خوب ... پس ازدواج تو با احمد چه شد .

دختر دومی جواب داد .

ـ من تصمیم گرفته ام که دیگر هیچوقت با او ازدواج نکنم .

دختر اولی با تعجب پرسید .

ـ چرا ... برای چه ؟

دختر دومی آهی سوزناك کشیدو جوابداد .

ـ برای اینکه هر چه سعی و کوشش کردم نه نتوانستم اورا وادار کنم که از من‌خواست‌گاری کند !



بچه مادر جان یك مژده ... بالاخره مـن عکس آن دوراگرفتم

دلیل قوی

احمد که برای دیدن اسپهای خود به طویله رفته بود، دید نوکرش بیده بسیار خراب و بدی برای اسپها خریده است ... باعصبانیت او را صدا زدو گفت :

ـاین چه قسم بیده است که خریده‌یی ؟

نوکر جوابداد !

آقا ... بیده بسیار خوب است !

احمد گفت :

ـنخیر ... بسیار خراب است.

نوکر قدری از بیده ها را بر داشته ونزدیك دهان اسپ برد واسپ به اشتها آنرا خورد.

نوکر گفت :

قربان ، مـلاحظه کنید .

اسپ باید بیده رابشناسد نه ما وشما.

گریه وازدواج

دو مرد راجع به زندگی گذشته شان صحبت میکردند .

یکی ازآنها گفت :

راستی از دوران طفولیت تااکنون گاهی برایت اتفاق افتاده که گریه کنی ؟

مرد دومی قدری فکر کرد و بعد جوابداد!

نی تا بحال اصلا چنین موردی برای مـن پیش نیامده خوب ،خودت چطور ؟

مرد دومی سری تکانداد و گفت :

ـمن ازبچگی تاحال دومرتبه گریه کرده ام.

ـ چطور دو بار؟

ـ یکبار خودم وقتی که زن گرفتم ،و دفعه دیگر هم برای دامادم ، موقعی که بادختـرم ازدواج کرد !!

داستان خشو

رئیس محکمه پرسید:

فرمودید شوهر شما گم شده است ؟بلـی آقای رئیس !

چند روز میشود ؟

ـ سه روز یعنی از روزی که مادرم بمنزل ما آمده و گفت خیال دارد یك ماه پیش مـا بماند شوهرم مفقود الاثر شده است .

رئیس محکمه فکری کردوگفت : بیزحمت تا بیست و هفت روز دیگر مراجعه نکند .اگـر خبری نشد، آنوقت مجددا مراجعه فرمائید.



بدون شرح

خرید نان

خانمی برای همسایه اش درددل میکرد :

ـراستی خواهر میدانی چه بلای به سـرم آمده است ؟

ـتا حال درست یك ماه میشود که شوهرم برای خرید نان رفته و هنوز نامده است.

ـعجب حوصله ای داری اگر به جای تـو می بودم دیگر منتظرش نمی ماندم خودم میرفتم نان می‌خریدم !

عیب ندارد

داکتر به‌خانم ... شوهرشما احتیاج بـه استراحت دارد !

لطفا این نسخه را که چند تابلیت مسکنی است ازدواخانه بگیرید.

ـ زن ـآقای داکتر ... شوهرم چه وقت‌باید این تابلیت ها را بخورد ؟

داکتر ـ خانم .این تابلیت های مسکنـی را خودتان باید بخورید تاشوهرتان استراحت خوبی بکند ...

در رستورانتی ناگهان مشتری چشمش‌به یکی از گارسون ها افتاد و دید که می خواهد بشقاب هارا بادستمال جیبش پاك میکنـد ... او را صدا زد و گفت :

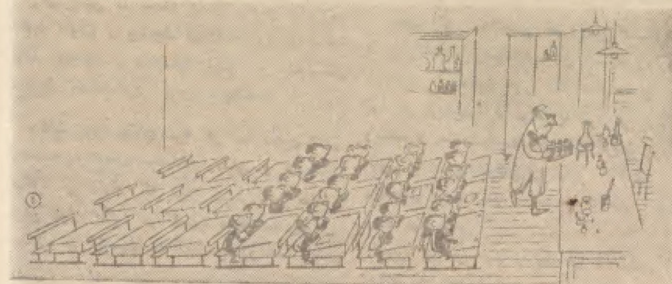
ـآقا این چه کاری است .

مگر دیوانه شده اید .

ـنخیر قربان عیب ندارد !

ـ چطور عیب ندارد !

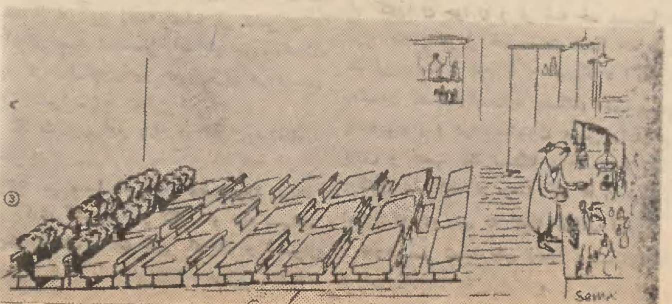
ـ آخر دستمال هم خودش کثیف است !!



یك تجربه کیمیاوی



بدون شرح



از بالا به پایین بدون شرح

تیر یکه به خال خورد

خانم اسمیت ، در لباس سیاه ، اشك ریزان‌وارد اسلحه فروشی شد و هق‌هق کنان بـــه اسلحه فروش گفت:

ـاوه مستر، دیدی‌چه‌به‌سرم آمد••• شوهر بیچاریم دیشب رفت وزیر موترشد وجا به جا هلاك شد •

اسلحه فروش هاج وواج گفت :

ـبسیار مناسفم هستم ••• تسلیت عرض‌می‌کنم ••• ولی از دست من چه کاری برای شما ساخته اس ؟

ـلطفا تفنکچه راکه پریشب از تان خریدم‌پس بگیرین •

گفت‌وشنودها

خانم ـببنیم ••• تو میدانی که شوهـــرم‌باسکرتر جدید ش سرو سری پیدا کرده‌است•

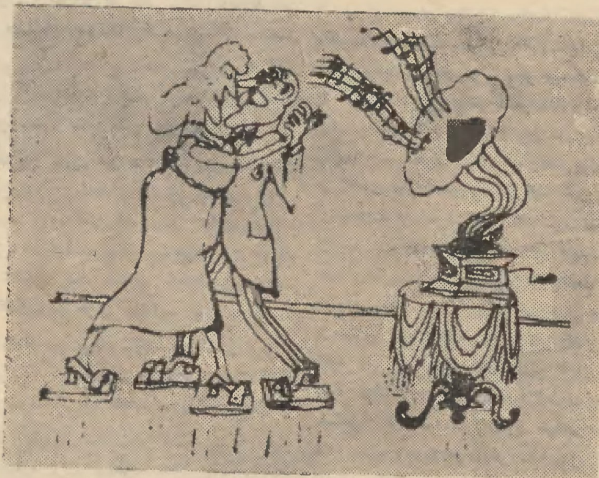
پیشخدمت ـنی خانم ••• این غیر ممکن‌است•••• شمابرای اینکه من حسادت کنم ایـــن حرف را میزنید !

• • •

مریض ـ آقای داکتر •••
این عملی جراحی بسیار خطرناك است:
داکتر ـنی جانم ••• مگر باسیصد افغانی میتوان عمل جراحی خطرناك را انجام داد •••

* * *

بچه اولی ـ در اینصورت بدنیا آمده ای••• برای تو قصه بگویند ؟
بچه دومی ـبلی بسیار دوست دارم •
بچه اولی ـ در اینصورت بدین آمده‌ای•••



بدون شرح



استخدام

رئیس موسسه پس از آنکه معرفی نامه ها واوراق واسناد مردی که برای استخدام به‌آنجا مراجعه کرده بود دید سری تکان داد و گفت :

ـبسیار خوب • شما از هر جهت برای‌کاری که مادر نظر داریم مناسب هستید •ولی من نمی توانم شما را استخدام کنم •

چرا آقای رئیس برای چه ؟

ـ برای اینکه شما ازدواج نکرده اید •

مستخدم من ازدواج نکرده ام ؟

ـبلی جانم • چون من کارمندی که به اطاعت کردن عادت کرده باشد ضرورت دارم •



لااقل اینجابگذارید آدم راحت بخوابد!

عشق زودگذر

پس فیضی هفده ساله‌وارد معاینه خانه داکتر شد وگفت :

داکتر جان نجانم بیتن چی شد ؟

ـدخترك گریه کنان گفت :

داکتر من عاشق پدرم شدم ولی او مناسفانه قبلا ازدواج کرده •

درصنف

معلم : فصل رختم را برای‌تان می‌گویم گوش‌کنید :

معلم‌به شاگرد ان تشریح کرد •

ـیکی از شاگردان حواسش جای دیــــگربود وبه حرف معلم گوش نمی کرد •

معلم : حسن از اینکه گفتم چه فهمیدی ؟

حسن : فهمیدم همه رفتند ، فقط من وشماماندیم !



سرگرمی ها و مسابقات

تهیه وتنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـدشمن خطرناك زحمتکشان‌جهان- براعظم است- امرمیان تهی - مرکز یکی از ولایات کشورما ـواحد پول خارجی -۲- اله انتشار اخبار ـکشتی بان ـاز آنطرف از شعرای متقدم کشور ما- فوت‌نشده- زهره- بی‌سروقو شده یك حرف دردو خانه -۳- سرش را قطع سازید تاماه کوچك شود ـمرکزیکی از ممالك اروپایی

از آنطرف نوعی از سنگها است - از حروف مغاره انتخاب کنید - ناقل آب - نصف‌حیرت- محبت خودش ـنصف کندن - ۰ -٤- ضد خیر- جدید ـمنظم آن اهدا است ـضمیر اشاره - از آنطرف دو پانزده ـمنظم آن در هااست- تکرارش آب مقدس است - ٥- حالا به پشتـو

روز اول آن بنام کارگر تجلیل میشود ماتم دار- خلال پراگنده ـنشر نشده ـنوعي از گوسفندان خان درهند وستان ـشروع اعداد -٦- مکتوب-

نورنا تمام ـمنسوب به‌یمن است- سال- از کتابهای مقدس ـیك‌حرف ودوخانه-۷- رهنمایی به‌جوزجان منسوب است - در ردیف اول‌افقی قرار دارد- رفیق سوزن - از کشور های امر-

یکایی-۸- آگاه‌ـاسپ به‌پښتو- از شهر های شوروی - از مراکز افریقائی -۹-از آثارتاریخی کشور ما-ازخواننده‌گان‌ایرانی ـدوستاره سینمای هند- یکی از انواع کریم ها - سرزمین‌فلاسفه- -۱۰- بین دو خانه ـجسم کوتاه -۱۱- نصف اسم نویسنده کتاب مادر ـردیف تیزاست -

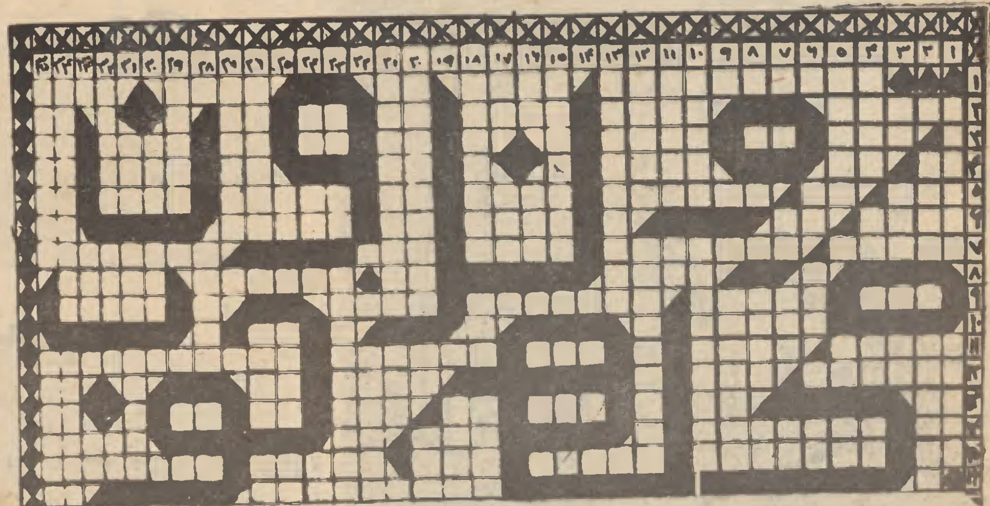
سر حد بین کشور ماواتحاد شوروی - ازممالك اروپائی ـاز فزیکدانان مشهور جهان -۱۲- نویسنده کتاب اعترافات - در مکتب خوانده میشود - در گوشت میباشد - خودما ـاز حروف آهنگر انتخاب کنید -۱۳- یکحرف ودو خانه- تیز نامکمل-بین غزنی وزابل- تنبل به زبـان عوام ـنداف سر بریده ـوقت آن گذشت ـمرکز اروپائی - خوگ بی سر -۱٤- بایك حرف ولد می‌شود- از آن طرف محل کارسکرتر را گویند- پوش درختان شکر معکوس- با تغییر حرف چهارم براتی میشود -۱٥- اسم بی آغاز ازآنـطرف یـکی از وزارتخانهای کشورما- از ولسوالی های بدخشان ـدست به‌پښتو-قصر- از کشور هایی شرقی -۱٦ - دو ولایت از کشورما ـرفیق شبان-

عمودی :

۱- از اسمای دخترانه - جمع مجلس -۲-از آنطرف داور است ـمرکز تحقیقات علمی وهنری -۳- درنده ـآسمان عربی ـجز نیست -٤-باامن از آنطرف علاقه‌نفی‌پښتو ـعمرـآغاز وانجام توت -٥- به‌معنی آنچه وهم وگمان متوجه آنشود- ردیف جذر- حرف ربط- ٦- واحد پول یـکی از کشور های آسیایی- از کوه های مشهور عربستان- یك حرف ودو خانه -۷- ازآن طرف از غله جات ـازنام موچی انتخاب کنید ـمریضی دارد -۸- وادی غیر منظم-راه کوتاه-۹-کاشف میکروب سل -۱۰- حرف نفی عربی رابا نوع از سازها یکجا سازید -۱۱- اگر پایش را قطع کنید یکی از خوانند گان رادیو کابل میشود- نصف رباط -۱۲-خود یارها-ازآنطرف دوهنرمند سینمایی هند -۱۳- از آواز خوانان مشهور هندوستان (بدون حرف‌آخر)-۱٤-۱٥- ازممالك اروپایی که شکل موزه را دارد ۰ -۱٦- دیوار یك بر پنجم عربی -۱۷- دوحرف مختلف در دو خانه ـفوری ولحظه موجوده را گویند -۱۸- از جمله براعظم هااست- شیر عربی- ازآنطرف یك پرندهٔ خوشخوان-۱۹- ازآنطرف چوروچپاول

[illegible]

تهی - با اضافه‌شدن (ی) گسیل‌میگردد -۱۲- سایکـلوژی- ازآن نان درست می‌کنند-۲۲- ابر را باران یکجا کنید-۲۳- مسند ناتمام- نصف سبقت - دو شهر بزرگ ازیك کشور آسیایی - اروپایی -۲٤- ضمیمه پښتو- چهره ـفلم‌هندی به‌اشتراك منوچکمار -۲٥- حـرف ربط- از شعرای مشهور کشورما- یك حرفـودو خـانه -۲٦- براعظم میباشد-قصاب ـکلمه نفی -۲۷ - از آن‌طرف نویسنده کتاب «پطرول» مگربه املای ناقص -۲۸- درگردن اسپ بسته میشود-۲۹-یکی ازشهرهای ایران -۳۰-روح پریشان- دوحـرف‌مختلف درسه‌خانه-۲۱- از انطرف ردیف اخلاق - آمر به‌نرفتن- نوعی‌ازگلها -۳۲- التهابی شده ـمیانش را خالی کنید تاتنش باقی بماند - ازآنطرف سراست -۳۳- باجمع حرفي درآخر ، مجله هفتگی رادیوو تلویزیون میشود ۰ - مات بود سرش هم شکست -۳٤- دو کشور از دو قارهٔ جهان اسرالیلی ها -۳٥- زمین وآسمان ـمنسوب به ننگین است ۰



طرح از خالده عالمی صنف نهم وسیده عالمی‌صنف هشتم لیسه جهان ملکه ولایت غزنی ۰

این شخص کیست؟



مابیو گرافی یکی از شخصیت های جها نرا برای شما شرح میدهیم بعداز خواندن بیوگرافی ومشاهدهٔ فوتویش اسم اورا برای ما بنویسید:

مردی که شهره عام و خاص است وشما خوانند گان عزیز نیزحتما بانام‌او آشنایی دارید زیراهمه ساله‌جوایز بزرگی رابه مختـر عیـن ومکتشفین وهمینطور به داکتران بـه بهتر ین نویسندگان ویابه اشخاصی که‌درراه صلـح در جهان گام نهاده اند تعلق میگیرد ۰ اودرسال ۱۸۳۳ درکشور سوید متولد گردیده او هوش ولیاقت راازپدر خودامانوئیل که بوظیفه‌مهندسی تعمیرات مشغول بود آموخت ۰ مدت کمی به مکتب رفت و تحصیلات کلاسیك راادامه داد اما

تاسن شانزده سالگی بطور خصوصی به تحصیل علم مشغول بود ودرسن‌بیست ویك سالگی‌بدون اینکه کدام شهادتنامه به دست بیاورد دررشته کیمیا لیاقت خودرا نشان داد و هم با لسانهای فرانسوی ـانگلیسی ـآلمانی وروسی تسلط داشت ۰ با آنکه علاقه او به ادبیات بود، اما بیشتر توجه خودرا صرف تحقیق در باره مواد منفجره (نیترو گلسیرین) کرد تاآنکه موفـق به‌اختراع دینامیت گردید چندی بعدیعنی در سال(۱۸۷٥) (ژلاتـین‌منفجره) را اختراع کردکه قدرت انفجار آن ازدینامیت بیشتربود، سیزده

سال بعداو موفق به اختراع (بالیستیت)شد که اولین باروت بیدود نیترو گلسرین می‌باشد ودر سال ۱۸۹٦ دیده از جهان فروبست ولی یکسال قبل از مرگش وصیت نامه مشهور خودرا که از بزرگترین‌وصیت نامه‌های تاریخی میباشد تنظیم کرداو در وصیت نامه‌اش تاکید کرد که بیش از ۳۱ میلیون کرون ثروتش را به صورت نقد در آورده وآنرا بعنوان سرمایهٔ بکار برند که‌از عواید آن‌برای اشخاصیکه منشابزرگترین فایده برای‌بشر بوده‌اند جوایز تهیه گردد • زمینه که وی مایل بود درآنها محرك پیشرفت شود عبارت ازفزیك ـکیمیاـفزیولوژی‌و یاطب ادبیات وصلح • دروصیت نامه‌خاطرنشان‌کرده که جوایز بین شایسته ترین افراد هر کشور داده شود وامر توزیـــع آن به سه موسسه سویدی ویك کمیته مخصوص منتخب پارلمان ناروی واگذار گردید این زندگی مردی بودکه در زمان حیات خویش‌کلیه‌وقتش را صرف‌ساختن وبدست آوردن مواد منفجره کرد در حالی که قصدش ازین کار فقط وفقط این بود که ازین مواد برای خورد کردن سنگها وکوه ها وراه یافتن بداخل آنها واستخراج معادن وکارهای ساختمانی استفاده شود • او هیچگاه نمیدانست که اختراعات او روزی برای‌ازبین بردن بشر نیز بکار میافتد واز جمله مهمترین و سیله‌حرب بشمار میرود • حالا اسم اورا برای ما بنویسید

یك تست بسیار جالب برای زنان و نامزدها

این رامیدانیم که هر زن آرزو دارد که عشق وعلاقه او وشوهرش‌عشق دایمی‌وجاودا نه‌باشد وهمیشه کانون زندگی مشترك شان راگرم و پایدار نگهدارد برای آنکه گل عشق همیشـــه شاداب وروح‌نوازباشدلازم‌است همراه احساسات ظریف زنانه از خردمندی و عقل بهره ور بودو به‌کمك زیر کی ازچانسها وموفقیت های خوب برای حفظ عشق استفاده نمود • درین مورد مهم اینست که‌تعادل میان پـیروی ازاحساسات و منطق رادر زندگی خود حفظ کنید شمابه تست ماجواب بگویید تابگوئیم که تاچه حد زیرك ودانا درزندگی زنا شویی خودهستید• ما یـك سوال مینمائیم به آن سه جواب داده شده‌است شما هم یك جواب را انتخاب کنید ۱۰ایـــن هم سوالات:

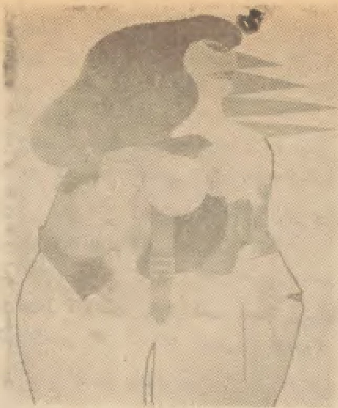
۱ـ تصور میکنید کدام اشخاص از دیدن شکل (۱) لذت میبرند ؟

الف : مردان احساساتی مهربان وآرام •

ب: مردانی که همیشه‌خودرا خشن وسرسخت نشان میدهند تا نقاط ضعف خودرا بهتر پنهان کنند •

ج: همه مردها بطور کلی •

۲ـ به نظر شما علت آنکه مردها خیانتکار



شکل (۱)

میشوند ودنبال زنان دیگر میروند چیست ؟

الف: آنها میخواهند اتکای بنفس بیشتری داشته‌باشندوبه‌این‌منظورجذابیت خودرا آزمایش میکنند و یابه منظور اینکه دربین زنان دیگر محبوبیت دارند ویا نه‌بخصوص‌درمورد انتقاد همسر ویانامزد شان قـــرار گرفته‌وبیشتر در ترس وهراس شده اند•

ب: چون دیگر علاقه به‌همسر و نامزدشان نداشته ومایل اند در کنار معشوقه ای دوست داشتنی دیگر وقت خود را بگذرانند •

ج: چون زنها اورا بدام می‌اندازند ؟

۳ـ کدام رفتارمردرا نمیتوانید نادیده‌بگیرید:

الف : به شما اهمیت قایل نباشد•

ب: وقتیکه او دوستانش رابخانه بیاورد وبه خوشگذرانی باآنها بپردازد •

ج: دروقت بیکاری ازخانه خارج نشود و دایما پیش تلویزیون بنیشند ودرعین حال او آرزو دارد همسرش چپوراست به‌او خدمت کند بدون آنکه متوجه باشدکه همسرش ازاو توقعاتی دارد •

٤ـ به عقیده شما چرا مردها خیلی سریـع روی شان سرخ میشود وبه اصطلاح خجالت میکشند ؟

الف : چون دروغ میگویند وخودشان از دروغ خود خجالت میکشند •

ب: چون‌میترسند کسی به‌اسرار شان‌فهمیده



شکل (۲) شکل (۳)

واز دستشان بگیرد •

ج: سرخ شدن مردها معنی بخصوص ندارد زنها هم بعضی اوقات زود سرخ میشوند .

۵ـ به‌نظر شما کدام یك از ادعاهای زیر واقعیت دارد :

الف: وقتیکه‌زن باشوهرش‌کاملا رفتار مادرانه داشته باشد شوهر آنقدر رام وانعطاف پذیر میشود که زن میتواند اورا مطیع وفرمانبردار خود بسازد وهر چه‌را که بخواهد بدست بیاورد

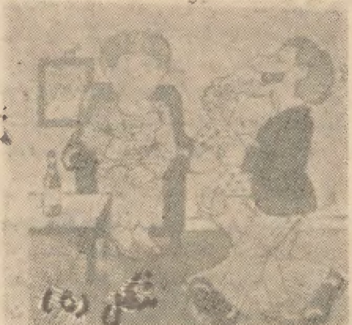
ب: مردهای مو طلائی دوستان خـــوبـــی میباشند •

ج: مردهاطالب حـــق‌شناسی هستند وآرزو دارند ازکارهای‌خود دایماتعریف وتمجید کنند حتی اگر قابل تعریف وتمجید هم نباشند •



٦ـ در شکل (دوم) سه مدال طلا راکه‌بشکل مدرن ساخته‌شده میخواهید به‌مناسبت روز تولد ویا عروسی خودبا زنجیر طلائی در گردن شوهر خود به اندازید کدام یك را انتخاب میکنید: الف . ب یا ج را ؟

۷ـ درشکل (۳) سه‌شکل هندسی‌را مشاهده میکنید که‌هرکدام سمبول یك رمز است فرض میکنیم که‌شروع اسم شما (ظ)واسم‌شوهرتان



(ب) باشد کدام علامت را انتخاب میکنید کـــه علامت روز نامزدی تان باشد • الف ،ب ویاج را ؟

۸ـ شماو شوهر تان به اتفاق یك زن و شوهر دیگر ازدوستان ویا همکاران اوکه آنهـا را تابحال ندیده اید ونمی شناسید به مناسبتی به یك‌مهمانی‌دعوت‌میشوید مجلس‌رقص‌و‌پایکوبی آغازمیگردد مردها جمع‌میشوند وهمسران‌خود رابکلی فراموش میکنید مانند شکل (٤) درآن شرایط چه‌عکس‌العمل ازخود نشان بدهید ؟

الف: مهمانی راترك‌وبخانه میروید .

ب: نزد مردهامیروید وبه‌آنها سر گرم میشوید .

ج: کوشش میکنید تابازنان دیگر سر گرم شوید •

۹ـ فرض کنید در شرایطی قرار میگیریدکه شکل (۵) نشان میدهد : شما حتما ویا فرضا به یك مهمانی میروید ودر مهمانی شوهرتان بایك دختر زیبا سر گرم میشود وحرف های خوش می‌شنوند ومیگویند در آن وقت چه عکس العمل را نشان میدهید ؟

الف: همانجا ازاوباز خواست میکنید وبرایش چنین درسی میدهید که هیچ گاه آنرا فراموش نکند •

ب: بامردی دیگر آنقدر میر قصید تاشوهر متوجه شما شده وحسد ببرد .

ج: تاوقتیکه درآنجاهستید اتفاقی نمی افتد پس ناراحت نشده وهم‌بگذارید تاهرقدردلش بخواهد تفریح کند •

۱۰ـ شوهر تان‌از شمامیخواهد مانند یك خان از اوپذ یرایی کنید و همیشه خدمتگارش باشید مانند شکل(ششم) عقیده شما چیست ؟

الف این چنین کاررا تحمل کرده نمی‌توانید وعقیده دارید که‌هرکس مسوولیت‌خودراخودش انجام دهد•

ب: اگر شوهر شما هم متقابلا عمل کندباکی ندارد زیرا خدمت دو جانبه است •

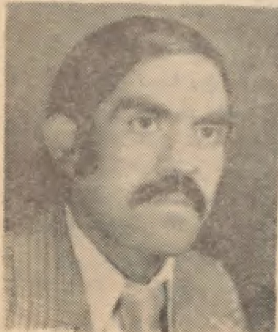


ج: از خدمت کردن به شوهرتان لذت فراوانی میبرید ودرمقابل هـــم توقع ازاو ندار یـــد

جوابات تادوهفته به‌آدرس‌مجله ژوندون بایك قطعه فوتوی خویش برای ماارسال دارید •وهم ناگفته‌نماند که‌این تست‌تنهابرای‌زنان ودختران نامزد میباشد •

حل کنند گان

حل کنندگان جداول ومسایل شماره‌هـــای قبلی ژوندون عبارت انداز: حمیده، محموده، ضمیره ، ولی الحــــمید ، عطـا ء اللـه ، روح الامین، گل‌احمدپوپل وغیره که‌ازجمله‌فقط فوتوی گل‌احمدپوپل برای مارسید که‌دریـــن صفحه چاپ نمودیم•



گل‌احمد (پوپل)

پیروزی تاریخی

۶۰۷ فرقه آلمان نازی و متحدین آنرا قسما از بین برده و قسما اسیر گرفت نیروهای بریتانیا وامریکا یکصدو هفتادو شش فرقه دشمن را در عملیات جنگی در افریقا واروپا تا ختم جنگ شکست داد.

پیروزی جنگی اتحاد شوروی نیرومندی و توانایی سیستم حکومتی اجتماعی وسیاسی سوسیالستی قاطعانه بر ملا ساخت دولت شوروی یك دولت طراز نوین است تهداب اجتماعی آن را اتحاد ناگسستنی طبقه کارگر بادهاقین، منورین و اشخاص مسلکی تشکیل میدهد که البته در راس آن نقش طبقه کارگر عمده است. چنان وحدتی در آن حکمفرما است که در کشورهای سرمایه داری و انحصارات بورژوازی وجود ندارد. لیونید بریژنف طی سخنرانی دریك گرد هم آیی انتخاباتی در حوزه باومن مسکو بتاریخ بیست و دو فبروری ۱۹۸۰ در زمینه چنین گفت « یکپارچگی و وحدت جامعه سوسیالستی ثروت بی نظیر سوسیالیزم را تشکیل میدهد که نیروی گرانبها و شکست ناپذیر ماست دشمنان ما بایستی درسهای تاریخ را بیاد داشته باشند بگذار این دشمنان بدانند که وحدت خلق های شوروی مظهر توانایی خاص در هنگام تهدید است.»

ایجاد سیستم مترقی و شرایط مطلوب برای پیشرفت قاطع جنبش ازادیبخش ملی و زوال سیستم استعماری امپریالیزم یك روند مهم پیروزی شوروی و جنبش وسیع انقلابی آن درختم جنگ و سالیان اول بعد از جنگ به شمار می آید. تحولات عمده که در صف بندی نیروهای جهان به نفع سوسیالیزم پدید آمده منجر به انحطاط شیوه امپریالیزم گردیده ودیگر امپریالیزم را مجال نخواهد داد تا سرنوشت ملل کوچك را به بازی بگیرد و مجبور است با نیروی روز افزون کشورهای سوسیالستی سیاست خارجی توانا و همبستگی انترناسیونالستی شان برای صلح و ترقی کنار بیاید.

با آنهم قوای ارتجاعی امپریالستی نمی خواهد مارش عینی تاریخ را مدنظر بگیرد وتلاش دارد مسیر تاریخ را به عقب برگرداند امپریالست های ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی دست بدست هم داده بلاك نظامی تجاوزگر را بوجود آورده اند که بیشتر متوجه شوروی و کشورهای دیگر بلاك سوسیالستی است واطراف این کشورها را با زنجیر صدها پایگاه نظامی و بحری حلقه کرده اند که با این عمل شان تب وتلاش دارند ذخایر مرمی های ذروی را افزایش داده نیروی ضربه بحری را در تمام ابحار بکار انداخته ومرمی های بالستیك ومیدان های هوایی بحری رابه منظور انتقال طیارات مسلح ذروی اعمار نمایند.

در حالیکه مساعی همه مردم شوروی متوجه حل پرابلم هابوده وآنها مصروف ساختمان جامعه نوین می باشند و همواره برای حفظ صلح و کاهش مسابقه تسلیحاتی در تلاش اند حزب کمونست اتحاد شوروی نوعیت تجاوزگرانه امپریالیزم رانیز مدنظر دارد. تدارکات نظامی آنها را نادیده نگرفته با تمام قوای خود می کوشد ظرفیت دفاعی خود و نیروی مسلح خود را افزایش بخشد.

بحریه شوروی قطعات جنگنده فوق العاده جدید در اختیار دارد که مشتمل است از تحت البحری ها کشتی های عادی، قوای هوایی بحری، مرمی های ساحلی، قوای توپخانه، تسلیحات انجنیری رادیویی والات کنترول که کمپیوتری والکترونی اکنون به پیمانه وسیع در بحریه شوروی ازآن استفاده می شود.

اتحاد شوروی بحریه جدیدی را بوجود آورده که البته به منظور تجاوز نبوده ومانند کشورهای امپریالیستی در ابحار درحرکت نیست بلکه به منظور حراست کشورشوراها و کشورهای دیگر مترقی در حال آماده باش است ملاحان شوروی می گویند که کشتی های جنگی شان به مقصد جنگ طلبی و تجاوز درهیچ بحرو بحیره در حرکت نیست. بحریه شوروی کماکان منحیث عامل حفظ صلح درروی زمین و استحکام مناسبات اتحاد شوروی با مردم اکثر ملل و قاره ها فعالیت می کند.

قوای مسلح شوروی همانطوریکه در حفظ امنیت سرزمین خود بیدار اند در عین زمان در حال اماده باش است تا هر تجاوز و حمله را از هر جائیکه باشد عقب زده وبا اعتماد کامل امنیت شوروی و کلیه جامعه سوسیالستی را تامین کند.

عشق به انسان

«هولگا» بسان سایر کودکان سوالاتی در مورد چگونگی ترکیب رنگهای آتش ۰ در مورد اینکه آتش چسان هم روشنایی وهم حرارت تولید میدارد ... در مخیله اش جان میگرفت پسرك شاخه های خشکیده رابه آتش می انداخت، از سوختن آن خیلی ها حظ میبرد، انگار جهان اوغیر از جهان دیگران بود. پسرك باتعجب مینگریست که بمحض افتیدن علف های خشکیده روی آتش موجی از آتش به بالا میرود و سپس این موج دو باره فروکش مینماید.

«پیوتر» و «تلیانیکوف» دیگر مرزی میان خویش نمیدیدند، آندو مصروف خوردن شوربای ماهی گردیدند، وسخنان شانرادنبال کردند، از هر طرف سخن زدند ... ازغلبه برفاشیزم وشکست ننگین هتلری ها. «تلیانیکوف» از پیوتر پرسید: راستی تو دردوران جنگ بافاشیزم در کجا بودی؟

– درجبهه ... من سردستهٔ تروپ کارگران بودم، من در جنگ نقش ارزنده داشتم.

– یقینا غلبه بر دشمن وپیروزی بافاشیزم برای هرفردمیهن مایك افتخاراست، افتخاراتی که همه بدان می بالند حتی آیندگان.

لختی هردو دوست تازه آشنا سکوت کردند. خاطرات گذشته و لذت لحظات پیروزی ها یکبار دیگر در وجود پیوتر زنده گردید.

سکوت، سکوت تر گردید، از فرط این خلوت وسکوت، جز آشوب ماهیان بحر و صدای پرندگان دریایی بوضوع شنیده میشد ودیگر هیچ صدایی نبود که این سکوت را مزاحم گردد.

آندو درین هنگام گویی به صلح وآرامش جاودانه می اندیشیدند ومی بالیدند، همه جا صلح و آرامش بر قرار بود، درزمین و در آسمان ...، بااین سکوت هولگای کوچك هم سکوت کرد چون او هم صلح را دوست داشت، آری انسان های با عاطفه وحساس همه صلح را دوست دارند ... وصلح و آرامش آورندهٔ خوشبختی ها برای بشریت است.

هوا تاریك وتاریکتر شده میرفت، شب ازراه رسیده بود ... از دور ستارگان در دل آسمان شفاف چشمك میزدند. پسرك حساس که همه چیز را از الفاظ موزون ونگاه های پرمفهوم کاکاو تازه آشنایش را درك کرده بود، زیرلب زمزمه سرداد:

– صلح، صلح ... چه کلمه خوشایند و مقبولی! بایستی انسان ها رادوست داشت بایست انسان های خوب، تامین کنندهٔ صلح وآورندهٔ خوشبختی ودر فرجام همه موجودات نافع را دوست داشت.

ودر نهایت برای هولگا یك چیز روشن شده بود، آن اینکه پیوتر نمیخواست از سنگدلی کار بگیرد، اگر او فقط بابرافروختن باروت اکتفاء میکرد، برای اینبود که آرزو نداشت بخاطر سرگرمی ومصروفیت یك پسر خردسال زندگی زنده جانی راکه جوجه هایش منتظر بر گشتنش بودند از او بگیرد وی این الهام را ازبی عطوفتی وقسی القلبی فاشیست های هتلری، عملا گرفته بود ... او میخواست در هرکجایی از جهان بایستی صلح حکمفرما باشد.

دو مرد مذکور وآنگهی «هولگا» را بخاطر احساس نوعدوستی اش بوسیدند و قایق شانرا بصوب منزل خویش برگردانده، راندند.

... هولگا در همچو لحظات خیلی هاشاش وسر حال مینمود.

پایان

مقصر ازدواج...

۴– این احساس را در آنها بوجودبیاورید که شخصیت مطمئن و ثابت داشته باشند زیرا گاهی دیده می شود که دختر و یا پسر خورد سال با بزرگتر ها دوست می شوند و در جمع بازی و صحبت آنها می پیوندند مگر در میان همسالان خود احساس بیگانگی و مایوسی به آنها دست میدهد که پدر ومادر باید این عقیده رادر فرزند خود ازبین ببرد و برایش بفهماند که باهمسالان خود بپیوندد و هم به خاطر نشان بسازد که پدر و مادرش به اوعلاقه ودلچسپی دارند وحرفهایش را می شنوند و متوجه کردار ورفتار شان هستند وباید همیشه کارهای نیك وموفقیت شانرا تحسین نمایند.

۵– گاهی اتفاق می افتد که دختران و پسران نوجوان گردهم میایند باید آنها را قبلا رهنمائی نمود که در چنین مواقع ببازیها و سرگرمی های دست بزنند که مناسب به اقتضای سنشان باشد.

۶– در مقابل فرزندان والدین بکوشند تااز تقلید های بیجا، لاف زدنها و ساخته کاریها حتی المقدور بپرهیزند.

ودر آخر باید گفت که در انتخاب فلم های سینماو کتب قصه و زمان آنها را نیز رهنمائی و مراقبت نمائید. زیرا اکثرافلم های تجارتی و کتب غیر علمی برای پول بباز ار عرضه می‌گردد وهدف شان تنویر اذهان نمی باشد بلکه دیدن چنین فلم‌ها و خواندن چنان کتابها جز اینکه جوانان رابه بیراهه بکشانند سر مشق دیگری برایشان شده نمی توانند و آنها زندگی خود را مانند هیرو یاهیروئین فلم و کتاب عیار میسازند که باعث بدبختی خود، اندوه خانواده و تباهی جامعه می گردند.

برگزیده‌هایی از میان نوشته‌های شما

توای دریا

توای آمو !
توای جوشنده بهر خلق‌زحمتکش
توای غر نده ه رستاخیز توفانی
توای سوزندهٔ غم ها
توئی منزل گه شوریدهٔقرنها
تو ئی آرام گــهٔ روح‌نشاط ما
ترا دانند مرز خوشدلی‌های زمان ما
ترا گویند رمز یکدلی‌اندر میان ما
که از هر قطرهٔ اشکت
خروشد مهر انسانی
و ، روئید تخم همکاری
میان خلق مــا و مهـدشورا ها
صدای دوستی تو ،
رود تاکهکشان ، تـامشتری ، تاخانهٔ انوار
اگر در سطح آرامی
ولی در عمق پراز موج ها
بتو مینازم ای گنج گهرخیز زلال ما
بتو میگویم ای آمو !
بتو میبالم ای دریا .

چه کردند؟...

خفا شانیکه خون خلـــق خوردند
بجزاز نام زشت باخود چه بردند؟
سیه روی و ذلیـــل وسر نگون باد
جلا دانیکه مردم را فسرد نـــد
هزاران لعنت و نفرین بــرایشان
که دست بادشمن میهن فشردند
جسان پیرو جــوان بیگناه را
بخاك تیره باحرمان سپر دند
عدالت را یکی پـامـال کردنـد
رزالت را فـــر و خدمـــت شمردند
«شفق» واخـــون دل‌کردند باخون
شهیدا نیکه بـــر ناحق بمردنـــد

شعراز : میر حبیب الله «شفق»

سیر بهاران

ازمحما ناصر «نصیب»

از سازمان سبزه وگل جوش خرمی
بالد به کوهسار بوصف دیار بزم
وارسته طفلهای طبیعت ز خشم دی
سرشار و شاد خوار !
در منصه ی بهار !

* * *

رخشنده اختران فلکتاز شامگاه
در هر کنار پهنه‌ی آبی و نیمرنگ
با جست و خیز صحنه‌ی زرین آفتاب
خیزد فرا سحاب !
با طرفه آب وتاب !

* * *

لطف زمان صفای شگوفای سیمگون
در پیشگاهٔ حسن دلارای لاله زار
بر رسم ار مغان بهاران کند نثار
در پای آبشار !
با ذوق و افتخار !

* * *

وین ابر های تندو گهرریزو فیض‌بخش
ازجلوه های عشق‌ونشاط حیات ساز
مارا برمز کارو عمل سازد آشنا
ارزنده سهم کار !
به عمران این دیار !

* * *

مسرور باش زمرهٔ دهقان رنجبر
هستی روان تو بزرگر شادان بسوی کار
سامان بذرو کار نشاید نهی زکف
بستن کنون کمر !
به محصول بیشتر !

رنج‌شب

از غفار «عریف»

شبی بود سرد وخاموش ...
سرا پا خوف ووحشت !
به هنگام نیمه شب
ا ز ژرفنای خیره گـی های دلگیر ،
از اعماق ظلمت و سکوت ،
قاتلان تفنگ دار غدارانه‌وبی صدا !
بر فا میل بی گنا هی‌شب خون زدند ...
فریاد جانسوز تن غمگسارمادری پیچید
نالهٔ شب گیر قلب محزون خواهری سوخت ،
توفان اشك چشم کودکی‌بوسید ،
و در میـــان دهشت وخشونت !
جوان نیرومندی را :
ازبستر گرم خواب
از آغوش پر مهر مادر ستمدیده ای
از خر من محبت خواهرعزیزی
از الفت معصـــومانهٔ کودکی
قربانی درازی شب سیاه‌کردند !
جو ان لب به اعتراض‌نگشود ...
مـــرگ شرافتمندانه ، افتخار جاوید نصیب شد .

قلعه جدید ـ زندان دهمزنگ

بقیه صفحه ۳۲

از آفرینندگی وخلاقیت تادنبال روی وبی هدفی ...

• چرا نتوا نستیم در سینمای‌ملی خود تیپ آفرینی دا شته باشیم.

...

• سینمای مافاقد حتی یکنفر سناریست‌وفلمنامه نویس حرفوی‌است.

...

• چرا سینما گران ما دنبال رووش های ارائه تجار تی سینما ی هند وایران هستند ؟

...

• وسایل فنی سینمایی افغانستان‌برای تهیه فلمهای هنری بدرد پرو- دیوسهای کوتاه مدت‌خبری میخورد.

...

ـاما در سینمای معاصر این دایر کتر است که‌می‌سازد- بیشتر کارگردانان امروز چهره های مورد نظر خود را از کوچه وبازار انتخاب می‌کنند وبا تشخیص خصویت های آنها تیپ مورد نظر خودرا به وسیله شان می‌پرورانند بااین طرز تفکر مساله کمبود بازیکن حرفه وی خود بخود رد میگردد ؟

ـشیوه که تواز آن یاد کردی مورد علاقه فراوان خودم هم هست ، اما دایر کتری‌کـــه چهره مورد نیاز خودرا باتوجه به خصوصیت های تیپ‌که‌می‌خواهد ارائه‌دهد ازمیان مـردم برمی‌گزیند برای هریك از لحظات فلم خود هم مدت کار میکند وبرای ثبت آن «تك» های فراوان می‌گیرد تایکی رااز آن میان برگزیند واین کار هم‌پول فراوان‌می‌خواهد وهم امکانات فنی مساعد که‌ما آنرا نداریم - مثل که خیلی چیزهای دیگر را که نیاز داریم ، نـداریـم ماتا کنون فاقدیك سنارسیت خوب ویافلمنامه نویس‌خوب هستیم-وسایل‌کافـی ادیت«پیوند» ندریم -استودیو های مجهز نداریم وساحه‌این این نداریم ها آنقدر وسیع است‌که‌مجال‌ارائهٔ هر گونه کار خوب رااز ما می‌گیرد .

مابه تجربه سینمایی نیاز داریم- دایرکتران ودیگر دست اندر کاران سینمای ما بایددر فستیوال های سینمایی شرکت داشته باشند تافلم های خوب را ببینند وتجـربه های‌شان افزونی گیرد - باید وسایل اطلاعاتی‌کافی در اختیار داشته باشند تابیشتر بخوانندوبیشتر بدانند -باید در کنفرانس ها وسمینار های سینمایی‌که‌در سطح جهانی بر گزار میگرددو- انعقاد مییابد شرکت جویند تابازی فکری‌شان بیشتر گردد باچنین زمینه سازی هایی،البته نـــواقـــص کـــه تـــو یـــا داور آن میگردی به آهستگی رفع گردد .

-موضوع دیگری که می خواهـم پیرامون‌آن باشما بحث کنم این است که سینمای مابه پیمانه وسیع زیر تا ثیر سینمای تجارتی‌کشور های هند ، ایران وپاکستان قرار گرفته است این دنبال رویی سینما گرمارا وامیدارد تاچشم بسته خودرا دربین واقعیت های حاکم‌برزندگی اجتماعی خود نگه دارد -ازسوی دیگر این‌گونه برداشت هاجلوگیر خلاقیت هاو آفرینش های هنری میشود که شما پیشتر از آن یادکردید، چرا چنین می‌کنید ، چه احتیاجی دارید که روگردان ابتذال های سینمای‌دیگران رابه‌خورد مردم خود دهید ؟

-دراین زمینه من هم نظر شما نمیباشم - مادر پرداخت های سینمایی خود الهام‌گرفته‌ایم اما کاپی نکرده ایم - بهترین مشاهد این ادعا دراین زمیــــنه نو شته «لایل پیرسون»منتقد شناخته شده‌جهانی‌دریکی‌ازنشریه‌های پرتیراژ خارجی است که‌می‌نگارد ،سینمای نوپـــای افغانستان کمتر اتکابه‌کاپی گرایی میکند.

-باآن هم من تاکید میکنم که ممکن است آقای لایل پیرسون فرصت نیافته باشد که‌به صورت مقایسوی مروری بر فلم های افغانی وهندی و ایرانی بکند ومتوجه برداشت های شان از همدیگرگردد وگرنه‌حداقل بعداز دیدن چند فلم افغانی به سهولت متوجه میگردید که چگونه زمینه سازی ها، حادثه پروری ها، قهرمان آفرینی هاوحتی تیپ سازی ها دراین فلم هاوجوه اشتراکی بافلم‌های هندی وایرانی دارد ؟

-ممکن است مقداری وجوه اشتراکی دراین فلم ها موجود باشد - اما من بهر صورت‌کاپی گری را کاری درست نمیدانم .

- صرف نظر از دفاعیه‌ی که شما به خاطر شرایط نا بسامان درگــیر با سینمای‌تولیدی مابه بیان آوردید - فلم های هنری ما معایب دیگری هم دارد که به جای نارسای های فنی ازبی توجهی وشتابزدگی در کار تکمیل فلـــم مایه‌می‌گیرد- ازاین گونه بی مبالاتی‌ها چگونه دفاع می‌کنید ؟

-راصح- تود رواقع مرابه محاکمه هنری کشانده ای - خوب مشخص‌تر انتقادات‌رامطر ساز که ببینم چه جوابی به آن دارم .

-به عنوان مثال در صحنه ی از فلــ «غلام عشق» که گناه کارگردانی آن هم بگرد خودت است هیرو وهیروین فلم رامی بینیـ که در کنار جوی بزرگ‌ویا رودی که درسراز یری جریان دارد مشغول صحبت‌هستند آنها دیا لوك ها چنان در گوش هم فریاد می‌زنند انگار در کنار آبشار نیا گارا قرار دارند حالیکه جریان آب آهسته است و صدای آن هیچ مزا حمتی رادر گفت وگوی آنها ایجاد نمیتواند این یکی درمورد صدا برداری-نمو دیگر را ازهمین فلم‌درزمینه ادیت «پیونـ ذکر میکنم -غلام‌که‌باصحنه کشته شدن مادر مواجه گردید ، باعجله نزد پدرش درزمین ع زراعتی میرود واورا ازجریان می‌آگاهاند بعد این‌شات هیچ شات‌دیگری‌وجودندارد که خاطر بافلش بك برای پدر تداعی گردد و تماشاچ در جریان اندیشه اودر شناسایی قاتـــل قرار داده شود- دیالوك هم کمکی نمیکنـ در حالیکه بلا فاصله پدر غلام را زیر چوب ارباب یعنی قاتل مادر غلام می‌بینیم که برای افشاء نشدن موضوع‌وی رانیز درزیرچوب به قتل میرساند. بااین شات های گنگ بینند چطور بفهمد که‌پدر غلام‌باخاطره های که‌داشته است قاتل راشناخته ، نـزداو رفته‌وبالاخر نیز همین موضوع انگیزه قتل وی شده است.

- این معایب قابل دفاع نیست ، اما گنا آنرا باید باز هم به کمبود وسایل فنی حواله کنید - ماتاکنون وسایل صدا برداری مجهز برای فلم های‌هنری نداریــــم وآنچه در افغان فلم داریم به‌شمول وسایل دیگر مانند وسایل ادیت ولابراتوار همه برای فلم های کوتاه‌مدت میباشد، این است که‌گاهـــی درصدا برداری فلم ها نواقص از نوعی‌که‌شما یاد کردیدیده میشود ودر موضوع نارسایی های ادیت فقر پولی مارا درنظر بگیرید مااز وسایل افغان فلم‌به صورت کرایی استفاده می کنیم وهـر- لحظه کارما مجموع پرداخت مارا بلند میبرد وچون پول کافی نداریم باشتابزدگی‌کـــار می‌کنیم تا صورت مصرف خودرا بلند نبرده باشیم -این عجله موجب میگردد که نتوانیم دقت کافی در پیوند فلم وسایـــل لابراتواری داشته باشیم هر چند چنین اشتبا ها تی کم اتفاق می افتد که‌شماهم مرض انتقاد داریدکه فقط انگشت روی نارسای ها میگذارید وبس .

-ارائه تصاویر درحالت‌کلوزاپ «درشت‌نما» در تاکید سینما گرروی خصوصیات عاطــفی



تاثرات کر کتر هاو شناساندن آن به بیننده نقش بزرگ دارد ـ از این رو کارگردان هادر تمام مواردی که ایجاب میکند تاثرات شادو- ویانا شاد دقیق تر تصویر آنرا در حا لت کلوزاپ قالب می‌کنند ، اما شما در فلم های ساخته خودبیشتر به لانگشات «تصویر ازدور» ومدیم شات «تصویر های نه درشت نماونه

خیلی از دور» تمایل‌داریدتاجای که بعضی‌شما را دشمن کلوزاپ میگویند، چرا چنیند ،ودلیل عدم رغبت شما به نما های درشت تصویر ی چیست ؟

ـمن انتقاد شمارا کاملاقبول دارم ـتصاویر در حالت کلوزاپ خصوصیت این را دارنـد که بیننده را در جریان تمام نکات ریزیک شیی قرار دهند واز همین رو وقتی چهره ی درحالت کلوزاپ تصویر بندی میگردد، بازدهی عواطف ونمایاندن عمق احساس کرکتر سینمایی آسان میگردد وانتقال مفاهیم ساده صورت می گـیرد امااین تصاویر باید همراه باتمام خصوصیات مورد نیاز مایم چهره باشد ـ نگاه وحالت باید قدرت بازدهی تاثرات را داشته باشد وگرنه یك چهره فاقد حالت هیجان را نمیتواند باز گوکند ـ برای ارائه تصاویر درشت باز یگر

نقش باید قوی وآزموده باشد ـ در نقش خود ودر تما م لحظات بازی اش حاکمیت داشته باشد تابتواند تاثراتش را درمایم چهره خود انعکاس دهد ـ من غالبا در صورتی از دادن نماهای درشت تصویری چهره دوری گزیده ام که موفق

نشدم حالت هارا در چهره باز یکنان نقش ها ایجاد کنم واکنون هم از همین مشی پیروی میکنم خـواه مرادوست کلو زاپ بخوانید و یا دشمن آن •

ـبه اجازه شما کمی هم روی مسایل پولی وتجارتی تولیدات سینمایی صحبت کنیم ؟

ـبفرمایید !

ـحاضر یدد این زمینه بدون حاشیه روی وبا صداقت صحبت کنید ؟

ـمگر تاکنون صداقت کلام نداشته ام ؟!

ـمنظورم این نیست ـ مواردی هست که جزء اسرار به شمار میاید ـ شما هم اگر از مـن بپرسید تیراژ ژوندون چقدر است ممکن است بگویم بیست هزار در حالیکه رقم واقعی تیراژ احتمالا ممکن است خیلی کمتر از عدد ذکرشده باشد •

ـراستی تیراژ ژوندون چقدر است ؟

ـعددش را نمیگویم ، اما باصداقت میگویم که پرتیراژ ترین مجله کشور ماست•

ـخوب، سوالت را طرح کن ـ میکوشم باشیوه خودت جوابت را بدهم !

ـفلم های که تاکنون پرودیوس کرده‌ی از نظر عاید چطور بوده است ؟

ـبسیار ناچیز، تاحدی که حتی موفق نشدیم مصرف فلم رانیز عاید کنیم ؟

ـچرا ؟

ـفلم های تجارتی توریـد شده از کشور های هند وایران که پرمشتری ترین فلمها در کشور ما میباشند ـ تماشاگر سینمای مارابد آموز ساخته اندبه گونه‌ی که اگر فلمی فاقد خصوصیت های این گونه فلم ها باشد فروش کافی ندارد وبعداز چند نمایش سالون های سینما خالی میماند•

برای جلب بیننده بد آموزشده، باید سکس داشته باشیم، برهنگی داشته باشیم رقص و آواز فراوان داشته باشیم ـ زدو خورد هـای هیـجا نـی د ا شته بـا شیـم گـه جمع آوری چنین صحنه‌های در فلم برای سینما گربارسالت غیر ممکن است •

از سوی دیگر مساله رقابت کشور های تولید کننده فرا آورده های سینمایی درسطح جهانی مطرح است ، کشوری که فلم تهیه میکند ناگزیر است برای آن بـازار یابی کند ووقتی بازاری رابرای فروش بـد ست آ ورد آنرا آسان از دست ندهد• اکنون سال هاست که کشور ما بازارفروش فلم های تـجارتی هند وایران وفلم های دیگر در همین ردیـف

است وتولید کنند گان همین فلم ها هستندکه باتمام قوامیکوشند ازبپای‌استاده شدن سینمای افغانستان جلو گیری کنند آنـها برای‌ناکام ساختن فعالیت های تولیدی در کشور ماشیوه های زیادی را به کار می بندند قیمت موادخام را بلند میبرند ، در باره فلم های تولید شده درافغانستان تبلیغات سوء وجارو جنجال بپا می‌کنند که‌تماشاچي را ازدیدن فلم منحـرف سازند ـ ماشین کارهای سینما را می خرندو وادار شان می سازند که‌خط سوندفلم راسوزن کاری‌کنـد ، برای تـکـت فروشــان پول میدهند تابه تماشاچی‌خریدار تکت بگویند که :

ـبرادر چرا پولت را حرام میکنی ؟ و از دیدن فلم منحرفش بسازند و خیلی کارهای دیگر از این قبیل •

به همین دلایل است فلم های تولید شده‌در کشور ما هیچ یك حتی فروشی که بتوانـد جوابگوی مصرف خود باشد نداشته اند•

ـپس دراین صورت چگونه توانستید بـه فعالیت های تولیدی خود دوام دهید ؟

ـتعدادی از دوستداران سینماباسر مـایه گذاری های‌بسیار کوچك‌وقبول‌ریسك میکوشند سینمای مارا بپا ایستاده دارند ـ درهر فلـم که تولید میگردد پیش‌از پانزده‌نفر وگاه بیشتر ازبیست هزار افغانی تا یکصد هزار افغـانی سرمایه میگذارند ـ مقداری هم از قرضه های بانکی استفاده میگردد ـ اما نتیجه صفر است همین اکنون تهیه کنندگان فلم های هنری ماتا گلو در قرض غرق هستند وبازهم به کارخود دوام میدهند •

ـازنظر شما این نارسایی‌هاونابسامانی‌های اقتصادی چگونه حل میگردد ، دولت چـه کمك های برای جلوگیری از رکودو توقـف فعالیت های سینمای ما میتواند ؟

ـکار های زیادی هست که اگر به انجام آید میتواند پایه های نگهدارنده‌سینـمای تولیدی ما تلقی گردد •

به نظرمن نخست باید مشکل کمبود وسایل فنی رفع گردد وافغان فلم از امکانات بیشتر برای تهیه های هنری‌سینمایی‌برخوردار شود،

قرضه های بانکی‌برای‌سینماگران باید افزایش داده شود وتکت پولی آن بـه‌منظـوررشدو انکشاف سینما تقلیل یابد ، مواد خام توربد شده یا کلا ازمحصول معاف گرددویا لا اقـل تخفیفی برای آن در نظر گرفته شود •

فیصدی سینما پائین آورده شود وبرای فروش فلم های تولید شده در کشور های خارجی بازار یابی شود •

وکارهای دیگری در همین ردیف که تاکنون‌به هیچ وجه عملی نشده است •

ـآقای شفق شمادر جای از صحبت خوداز برابر بودن تهیه کنندگان فلم های هنری بـا مشکل باز یگن های زن بودید ، من فـکر میکنم سینمای تولیدی مابه دلایل گوناگونی که‌بی تو جهی در انتخاب بعضی چهره هارا میتوان در شمار آن یاد کرد به پیمانه وسیع بدنام شده واکنون کمتر خانواده یی به خود اجازه میدهد به‌اعضای فامیلی اجازه شرکت دریك فلم هنری رابدهد ، برای رفع ایـن دشواری نخست باید سینما از چهره هـای نامطلوب از دید گاههای اخلاقی پاکسازی‌گردد تامحیط سالم آن بتواند موجب جلب اعتماد خانواده ها گردد ،شما دراین مورد چگونه فکر می‌کنید واین طرز تلقی را چقدر وارد میدانید؟

ـحرف های شمارا قبول دارم ، اما فراموش نکنید که دست اندر کار های اولی سینمای تولیدی ما هم به خاطر برابر بودن باچنین تعصباتی بوده است که مجبور شده اند هر متقاضی زن را برای ایفای نقش های فلم های خود بپذیرند••• درمورد شفق) فلم‌میگویم و اصرار میورزم که باتمام امکانات خود کوشیده ایم از استخدام هر فردی که در میان مردم‌به نحوی بدنام باشد جلوگیری کنیم واین مشی‌را برای همیشه نیز دنبال می‌کنم •

ـاجازه بدهید صحبت امروز رادر همین جاپایان دهم تافلم «جنایتکاران» شمابه اکران آید ، آنرا به نقد آوریم واحیانا باشما نیز صحبت دیگری به صورت اختصاصی دربارهٔاین فلم داشته باشیم فعلا باتقدیم سپاس‌از جانب ژوندون الله‌یار میگویم وبه امید دیدار •



سلام به خوانندگان وهمکاران عزیز !
به آرزوی سلامتی وسعادت شما، می پردازیم به جواب نامه ها :

دوست عزیز فخرالدین پایمرد محصل فاکولته حقوق !

چند پارچه رباعی شما رسید، خرسندیم که همکاری میکنید ودعا میکنیم که این همکاری‌قلمی ازگزندبادوباران مصئون بماند. اینك نمونه یی ازاشعار تان :

گل نرگس شگوفه باز کـــرده
بیادش نغمه بلبل ساز کرده
چو با چشمان دلدارم شبیه است
مرا با بلبلان همـــراز کـــرده

* * *

نگــارم رفت و اشعارم بدستش
گـــل نـرگس خمـارم بـدستش
دور از چشمان مست و دلفریش
تو گـــویی چشم دلدارم بدستش

خوب است که چشم دلدار تان شبیه‌نرگس است وگرنه شما کجا وبلبل هزار داستان کجا، چه‌کاری شدکه دلدار شمااشعار رابرد وبه دلدار دیگری سپرد .. حوصله داشتـــه باشید عجله کار شیطان است ودلدار فقط دل سدار است وراز دار ... خدایارتان ...

دوست عزیز عبدالغنی یوسفی مامور اداری مدیریت تعلیم وتربیه ولایت فراه !

عرض ارادت میکنیم ولی راستش « قبلا در هرجاییکه باشیم یکی بوده ایم» نبوده‌ایم. شاید منظور تان قلبا بوده باشد که سکهٔ قلب است وراسته اش چپه است ودرستش قلب است . بهرحال از قلب ودل بگذریم وبیاییم سر اصل مطلب . مضمون «انسان یك موجود کنجکاو وممتاز» شمارا به متصدی صفحه دوستان سپردیم که از نظر بگذراند ودر چاپش بکوشد، موفق باشید .

دوست عزیز محمد نوروز سلطانی متعلم مکتب سعدالدین انصاری !

ذوق وشوق تان را سپاس میگذاریم واز اینکه شعر «بیرق» سرودهٔ طبع شما از چاپ بازماند معذرت میخواهیم . مشوره میدهیم که شعر بسیار بخوانید تا بیشتر بفهمید به راز ورموز شعر گویی . موفق باشید .

دوست عزیز انوری شاعر معروف !

نامه‌یی شمابه اداره رسید واز اینکه روح شمادر آرامگاه ابدی هم آرام نیست متاسفیم وجزنشر اعتراض وشکایت شماچه میتوانیم کردکه شمارا خوش آید وبندگان خدارا نا خوش افتد .

«نامه‌ای از انوری شاعر خراسان :
شعر دزدی وشاعر دزدی :

روزی در خراسان از بازاری میگـــذ شتم ، جمعیتی را دیدم که بدور مردکی گرد آمده. واو هم باکمال حرارت ، باصدای بلند شعر میخواند . چون خودم شاعر بودم ، علاقمند بشنیدن شدم ، اما زود دریافتم شعر ها ی که این مرد میخواند ، ازمن است .

برسیدم ، برادر این شعری راکه خواندی ازکی بود ؟

گفت از انوری .

گفتم اگر منظورت از انوری همان شاعر معروف است آن که منم . مرد با کمال دیده درآیی به پاسخم گفت : دیگرش رانمیدانم، این شعراز من است ونام من انوری است، ازشنیدن این جواب گستاخانه، گیج شـــدم وگفتم شعر دزدی شنیده بودم اما شاعردزدی هم دیدم وفی البدیهه فردذیل برزبانم جاری شد :

دزد قبالـه دزد بدیدست هرکسی
یاران حذرکنید زد زد مقاله دزد

ازهمان وقت به بعد، در برابر اشخاصی که دست به سرقت ادبی میبرند سخت حساسیت دارم، زیرا این بی مایگان بهتر است دست به گدایی بزنند تا مضمون دزدی .

ولی با کمال تاسف باید بگویم که‌گاهـــی در عالم ارواح خبر میشوم که دامن این عادت نکوهیده هنوز برچیده نشده، ودرین قرن‌که بیستمش مینامند، نیز کسانی یافت میشوند که دست به انواع دزدی‌ادبی (که‌عین‌بی‌ادبی است) میزنند .

یك مثل سابقه است که میگویند : سرمه را از چشم میزند . همینطور گاهی میشنوم که حتی مضمون چتل نویس دیگری را از روی میز برمیدارند وآنرا در جای دیگر بنام خود نشر میکنند وگاهی نیز دیده شده کـــه داستانی را اززبان دری وایس به زبان دری ترجمه کرده اند که این یك شاهکاریست بالاتر از انوری دزدی .

صرفنظر از این، اخبار سرقتهای خردوریزه چون فقره‌دزدی،جمله دزدی، پاراگراف‌دزدی فکردزدی که از شمار بیرون است .

بهر صورت توصیهٔ من به جوانانیکه‌واقعا میخواهند هنرمند شوند اینست که هرگـــز گرداینگونه اعمال نادرست نگردند ، زیـــرا علاوه از اینکه در نهایت هیچ سودی از این کار نخواهد برد در صورت گیرآمدن سرقت شان سبب سرافگندگی نیز خواهد بود .

در اینجا باید بگویم که هنر را ستیـــن در خلاقیت است وایجاد تازه ها .. واما سارق ادبی مانند کسی است که دیوار خوشنمایی راکه قبلا بدست معمار هنرمندی بنا شده ، خراب کرده واز خشت وگل آن دو بـــاره همان دیوار راباکمال بی هنری آباد میکند . درین صورت علاوه از اینکه چیزی بر دیوار نیفزوده ، به بافت ونقشهای هنری آن نیـــز صدمه زده است .»

جواب نویس نامه ها چه عرض کند به‌توای انوری ، بگذار تا دیگران از دستبرد قلم‌حرف بزنند وطشت رسوایی دزدان اد بـــی هر چه محکمتر وپر صداتر از فراز بامها به ز مین کوبیده شود ونقاب از رخ بی رخ سارقان ادبی برافتد .

کـــاتب ظـالــم به سنان قلـــم
دزدی بی تیـــر و کما ن میکند

* * *

دوست عزیز علی آقا همدرد از سرك دوم شاه شهید !

خوشحالیم که به مجلهٔ ژوندون علاقمندید. از شرح حال سیاه موی جلالی که اندك بود ومختصر گذشتیم واینك چند دوبیتی ارسالی شما که در کاغذ قشنگی نگاشته بودید :

اگـر از در زنی از بام آیم
اگرهرصبح زنی هرشام آیم
دوپایم رابری گر تابه زانو
به سینه گر نیایم بیوفایم

چرا ای دوست عزیز، از در بزنید وبازچرا هرصبح مورد لت وکوب گردی وسر انجام چرا دوپایت را آن یارنامهربان خدا ناخواسته قطع کند که چون سوسمار به سینه پیش‌روی وبا ریختن اشك تمساح گونه بی اورا .... خدانکند .

مه قـربـان همـو چشمان مستت
نکش سگرت میان هر دو دستت
نکش سگرت‌که رسم عاشقی‌نیست
مه قربان دل عـــاشق پـر ستت

مگر با انگشتان پای سگرت بکشد که رسم عاشقی باشد وترا پسند آید ...

دلم غرق خون است باکی گویم
غم از حد فزون است باکی گویم
عزیــزان این دل شوریدهٔ مـن
شووروزغرق خون است باکی‌گویم

به‌دلدارمحبوب‌ومعشوق‌خود بگویید که چاره‌دل را نماید ...

دوست عزیز، دوبیتی های‌راکه می گزینید، کوشش به خرچ دهید که درست وکامل و صحیح وتمام بگیرید واضافه برآن تنها دو بیتی های بی قراری دل را در دل نسپاریـــد وبما نفرستید بلکه دوبیتی های کـــه سوژه اجتماعی ودردزندگی دارد به مابفرستید که به نشر بسپاریم در غیر ... خداحافظ .

دوست عزیز شمس الدین آرین از دواخانهٔ صالحی - ولایت هرات !

سلام میفرستیم وماهم آرزو داریم کـــه همیشه وپیوسته موفق وکامروا باشید . مطالب ارسالی شمارا خواندیم واینك قسمت ازآن:

«دو قطعه نوت هزاری وچند چك اینجانب که مفقود شده بود در بکس همسرم پیداشد، بیخود دنبالش نگردید .»

شماخود ، بیخود خانم عزیز تانرا جـــور ندهید وسبب آزارش نگردید . از خیال پلو بی گوشت نیز بگذرید که نه نوت هـــزاری افغانی داشتید ونه چك چند ملیونی ونه‌کسی به جستجوی آن بود .

«زمین مرغوب در بهترین نقاط هـــرات باقیمت مناسب برای قدم زدن شماآماده‌است، تاگران نشده بیایید قدم بزنید» یا خا[...] متعال وقادر بی نیاز از آن روز بترسیم [...] قدم زدن بالای زمین نیز قیمت پیدا کند [...]

دوست عزیز محمد عثمان متعلم‌لیسه‌[...]

با سلام عرض شود که پارچه شعر [...]ای وطنه» ی شما نواقص بسیاری دارد [...] یکی آن همان است که در بالا از زی[...] من خاك بازبان شکسته وبسته‌انوری فرمود :

دزد قباله دزد بدیدست هرکسی
یاران حذرکنید زدزد مقاله دزد

وفعلا یاران حذرکنید زدزدشعردزد که [...] وشاهد آن صفحه گلهای سرخ است [...] شعر شما از آنجا بسیار آب خورده وبد[...] یافته است . خداحافظ

دوست عزیز سعیده عالمی وزیـــب ال[...] عالمی ازلیسه جهان ملکی ولایت غزنی !

مطالب ارسالی شما رسید وآنرا سپر[...] به متصدی صفحه مسابقات وسر گرمیها ترتیب اثربدهد وبالاخره شکایت تان ک[...] نگاشته اید «دوست عزیز متصدی صفح[...] سرگرمیها، گله داریم ، که چرا جدول [...] ماراکه ازمدت‌دو سال‌به اینطرف بیش‌ازیا[...] جدول ارسال کرده ایم فقط دو جدول آ[...] چاپ شده است وبس . خواهش میکنیم [...] ضرب المثل «زرنده که دپلاوده هم په وارد[...] رامدنظر گرفته ودر چاپش اقدام نمایـــید اگر لیاقت چاپ را نداشت به ما بگویید در طرح دیگر جداول سعی نماییم .»

ماهم همچون شما همین حرفها را بامتصـ[...] صفحه مسابقات وسرگرمیها گفتیم واننه[...] داریم که پاسخ شمارا تهیه بدارد وچرا [...] نشرش نکوشیده است .

والسلام

یادونه

دژوندون مجلی دتیری گڼی په‌دریم م[...] کی د ا.خ.د.گ دمرکزی کمیتی دعمومی منـ[...] د ا.د.ج دانقلابی شورا رئیس او صدراعظـ[...] ببرك کارمل دوینا ددویم ستون ددیارلـ[...] کرښی څخه وروسته دی دغه‌جمله زیاته ش[...] «... فاشیزم دیر لوی قوت دشوروی اتحـ[...] دستر قدرت په‌واسطه وټکول‌شو اوله مینځ[...] لاړدخوشحالی ....» هیله‌ده چی‌گران‌لوستونکـ[...] بدی هکله زموږ معذرت ومنی.

مدیر مسوول : راحله راسخ‌خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان‌زاده
آدرس : انصاری وات - جـــوار ریاست مطابع دولتی
تیلفون مدیر مسوول : ٢٦٨٤٩
تیلفون توزیع وشکایات : ٢٦٨٥٩

دولتی مطبعه
ژوندون





شنبه ۳ جوزا ۱۳۵۹
۲٤ می ۱۹۸۰
شمارهٔ نهم
سال سی و دوم
قیمت یکشماره ۱۳ افغانی